

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مکتبہ تہذیبیہ یار انقلاب

سرشناسه : کاوه، ناصر، ۱۳۴۴
عنوان و نام پدیدآور: نادرترین یار انقلاب
مشخصات نشر :
مشخصات ظاهری : ۱۴۴ ص.
شابک :

۶۰۰/۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.

موضوع : شهیدان - ایران - بازماندگان - خاطرات

Martyrs - Iran - Survivors - Diaries : موضوع

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - خاطرات

Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ - Personal narratives : موضوع

رده بندی کنگره :

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

«نادرترین یار انقلاب»

زندگی‌نامه و خدمات فرهنگی و رسانه ای

شهید نادر طالب زاده

نشر :

شابک:

نویسنده: ناصر کاوه

گرافیک و طراح: علی کربلایی


مشاور طرح: مهدی کاوه

حروف نگار: نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی

قیمت: ۶۰۰/۰۰۰ ریال


شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه



این کتاب تقدیم می شود
به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)
امام خمینی (ره) وشهدای صدراسلام تا شهدای انقلاب اسلامی ایران

«امام خامنه ای»

یکی از چیزهایی که ملت ها را همیشه زبون می کند و تحت سلطه ی دیگران قرار می دهد، این است که نقاط قوّت ملّتها از چشم خودشان پوشیده بماند؛ نفهمند چه ارزش هایی، چه توانایی هایی، چه نقاط قوّتی در آنها وجود دارد؛ این را نفهمند... دشمنان این انقلاب و دشمنان سبیل الله سعی دارند که نگذارند این راه روشن مقابل چشم ها قرار بگیرد؛ شما درست عکس آنها، نقطه ی مقابل آنها عمل کردید؛ بنابراین، این مجاهدت در راه خدا است، انشاء الله که خدا از شما قبول کند و انشاء الله خداوند نیّت های همه ی ما را خالص کند، کار ما را، فکر ما را، حرف ما را، عمل ما را برای خودش و در راه خودش قرار بدهد...





فهرست

مقدمه/۵

پیام های تسلیت داخلی/۱۱

خاطراتی از دوستان خارج از ایران/۲۳

خاطراتی از دوستان ایرانی/۳۱

زندگینامه نادر طالب زاده/۱۰۹

گفتگو با طالب زاده/۱۱۸

سخن آخر/۱۴۰



مقدمه

نادر طالب‌زاده را اگر از زاویه دید آمریکایی‌ها بنگری، نه تنها یک انسان که، پدیده‌ای به شدت تهدیدزاست که باید شبانه روز جدی گرفته می‌شد. نادر انقلاب ما استاد بیرون کشیدن بحران‌های ریز و درشت آمریکا بود، کارش رو کردن دست استعمار بزرگ بود تا نگذارد خواب راحت به چشم سیاستمداران روی کارینگ دنیا بیافتد. نمی‌دانم نامش را سماجت بگذارم یا پشتکار یا عشق و علاقه به کار و انقلاب یا چه واژه‌ای که یک فرد را با یک سیستم به وسعت آمریکا دست به یقه می‌کند و آخر سر ایالات متحده آمریکا را مجاب می‌کند تحریمش کند و این چقدر افتخارآمیز و اعجاب‌انگیز است که یک انسان به جایی برسد که به اصطلاح، ابرقدرت دنیای کنونی را به ستوه آورد، با او کل کل کند، او را به مبارزه بطلبد، از مرگ نهراسد و برعکس برود دست بگذارد روی منتقدترین‌های اپوزیسیون داخل خاک آمریکا و طی این همه سال مدام حقایق تلخ، دروغ، تظاهر، استثمار، کودک‌کشی، تجاوز، سوءاستفاده، دست‌درازی، دخالت، ظلم، ستم، و جور آمریکا را هر روز با پشت دست بر صورتش زند.

«حاج نادر» از آن شخصیت‌های نادری بود که در همان دیدار اول، شما را مجذوب خود می‌کرد. سادگی، خضوع و عشق طالب‌زاده به کاری که می‌کرد، اولین ویژگی‌هایی بودند که توجه شما را به خود جلب می‌کردند. او خالصانه و بدون ذره‌ای چشم‌داشت در خدمت حق و حقیقت بود و همان وقت‌ها به عده انگشت‌شماری هم که از کم‌لطفی‌ها و حمایت‌نشدن‌ها لب به گلایه می‌گشود، همیشه حرفش را این‌گونه تمام می‌کرد که ما به خاطر خدا کار می‌کنیم و به کس دیگری وابسته و محتاج نیستیم. همیشه می‌گفت: کار ما کار خداست و خودش آن را پیش خواهد برد... نادر، مبارز خستگی‌ناپذیر

راه حق و حقیقت بود. نه تنها ایران، بلکه حق طلبان جهان از درگذشت او متأثر شدند و از کشورهای مختلف به این مناسبت، پیام تسلیت دادند... از قشرهای خاکستری تا جریان‌های جوان و مؤمن و انقلابی و نیز لیبرال‌ها مخاطبین برنامه‌ی «راز» طالب‌زاده بودند؛ برنامه‌ای که در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۸۰ پخش می‌شد و بعدها جای خود را به «عصر» داد... برنامه‌های «ثریا» و «جهان‌آرا» را امروز می‌توان ادامه‌ی همان مسیر دانست. در عالم سینما، احترام چهره‌های بزرگی مانند، «مجید مجیدی»، «ابراهیم حاتمی‌کیا»، «مسعود ده‌نمکی»، «ابوالقاسم طالبی»، «داریوش ارجمند»، «رضا میرکریمی» و «مسعود کیمیایی» را برانگیخت.

تأثیرگذاری طالب‌زاده موجب شد تا او و فعالیت‌های بین‌المللی‌اش در مخالفت با امپریالیسم آمریکایی، تا جایی بود که اواخر سال ۹۷ وزارت خزانه‌داری آمریکا شدیدترین نوع تحریم‌هایش تحت عنوان «تروریست ویژه جهانی» را علیه او و شماری از همکارانش در سازمان افق نو، وضع کرد. همچنین اف‌بی‌آی پیش از برگزاری کنفرانس افق نوی سال ۲۰۱۹ در بیروت، تکتک، در خانه‌ی مهمانان آمریکایی این کنفرانس را زد و آنها را تهدید کرد که اگر مهمانان آمریکایی این کنفرانس را زد و آنها را تهدید کرد که اگر به دعوت طالب‌زاده راهی لبنان شوند، زندان و جریمه‌ی سنگین مالی انتظارشان را خواهد کشید...

شهید طالب‌زاده، دبیر کنفرانس بین‌المللی افق نو، دبیر جشنواره فیلم عمار و از افراد مؤثر در تأسیس شبکه افق سیما و عضو هیئت اندیشه‌ورز این شبکه بود. طالب‌زاده کارگردانی سریال بشارت منجی را در کارنامه حرفه‌ای خود داشت. نادر فعالیت هنری خود را از ۱۳۵۹ در صدا و سیما با ساخت فیلم‌های مستند آغاز کرد...

طالبزاده گوش شنوا و ذهنی قوی برای یادگیری داشت. او اگر چه یاد می‌داد اما یاد هم می‌گرفت. همین خصلت اخلاقی و شخصیتی او بود که موجب می‌شد سال به سال برنامه‌های او قوام و پختگی بسیار بهتر و بیشتری بیابد. طالبزاده هیچ راهی را به سوی دانستن و یاد گرفتن نبسته بود. حاج نادر در انبوه رسانه‌ها، صداها، روایت‌ها و استبدادهای هنری و رسانه‌ای تلاش کرد تا فریاد خود را بزند. فریادی که حقیقت را صدا می‌زد و البته اصلاً گوش خراش و مخاطب‌گریزانه نبود. او حقیقت را هنرمندانه فریاد زد و در روز جهانی قدس آسمانی شد. وجه تعبیری مرتض برای نادر داشت، دوست داشتنی و بی نظیر فقط برای نادر انقلاب، آنجا که برایش نوشته بود: «برای دوست و برادر عزیزم نادر که با چشمان دریایی‌اش دیده است چگونه خورشید از مغرب سر می‌زند»... و یامرتضی می‌گفت: «نادر می‌تواند جریان‌ساز باشد»...

در جبهه فرهنگی انقلاب با کمبود آدم‌هایی مواجه هستیم که بتواند «حلقه وصل» بین نسل‌ها، دیدگاه‌ها، تخصص‌ها، جریان‌ها و سلیقه‌های فرهنگی مختلف باشند هستیم، یکی از این بهترین حلقه‌های وصل نادر طالبزاده است... نادری که درس خوانده آمریکاست و عشق انقلاب اسلامی و امام خمینی از او انسان دیگری می‌سازد... طالب زاده اما یک دغدغه بزرگ فرهنگی دارد که آن را با ادبیات خاص خودش چنین بر زبان می‌آورد. GPS رسانه‌ای فرهنگی ما از اول هم خراب بود و ما هیچ‌وقت نفهمیدیم که کجا باید تمرکز کنیم و کجا را باید رها کنیم... «نادر انقلابی ماند و انقلابی هم، از دنیا رفت»

نادری که لاف انقلاب‌گری نمی‌زند و به جبهه می‌رود و از رانندگی لودر و بولدوزر شروع می‌کند. «طالبزاده یک کار سخت برای خودش انتخاب کرده بود؛ و آن حلقه ی وصل بودن ، بود.» حلقه ی وصل بودن و استفاده کردن از

فکر و نظر دیگران و اجازه دادن برای دیده شدن آنها، کار دشواری است که به راحتی از عهده کسی بر نمی آید... شهید نادر طالب زاده، جمع دوستانش را از خطری که در سر راه بچه های انقلاب است، این چنین بر حذر داشت: «اگر بچه های انقلابی محدود شوند نفس انقلاب می گیرد و ما حتما باید یک آسیب شناسی بزرگ انجام دهیم که چرا در زمان شهید آوینی کسی سراغ ایشان نرفت و از ایشان نپرسید کیست و چه می گوید؟...»

باید مشخص شود که چه کسانی نخواستند که ایشان به جامعه معرفی شوند... عاقبت بخیری یعنی یک عمر برای استکبارستیزی، کار رسانه ای و فرهنگی انجام بدهی و در روزی که نماد مقابله مستضعفین با مستکبرین جهان است، یعنی روز بزرگداشت قدس، دعوت حق را لبیک بگویی...»

دغدغه های نادر طالب زاده، تنها از جنس فرهنگ و هنر نیست. او دل پرخونی از وضعیت امروز اقتصاد ایران دارد و می گوید: اقتصاد ایران یکی از ربوی ترین اقتصادهای دنیا و ایران یکی از مالیات گریزترین کشورهاست. از کسی که ۷۰۰ هزار تومان حقوق می گیرد، مالیات می گیرند، اما دست شان به کسانی که ماهیانه ۷۰۰ میلیارد تومان پول دارند، نمی رسد، تازه آقایان پس از سالها فهمیده اند که پولدارها مالیات نمی دهند... نادر قلب بزرگی داشت و عاشق همه مردم بود. عشق به ایران را در محافل بین المللی فریاد زد و همچنین با تشکیل کنفرانس افق نو از متفکران غربی علیه غرب کمک گرفت...

نادر طالب زاده هم «راه» را می شناخت و هم «هدف» را و هر چه پیش می رفت معرفت او از انقلاب بیشتر و انگیزه و تلاش او افزونتر می شد و با صدق و صفایی که داشت توانست خدمات ارزشمندی بکند و نام نیکی از خود به جای بگذارد. طالب زاده می تواند الگوی نادری در عرصه رسانه و فرهنگ باشد. با یادآوری سخنی از امام خامنه ای به پیشواز خواندن این کتاب میرویم، آنجایی که فرمودند:

یکی از چیزهایی که ملت‌ها را همیشه زبون می‌کند و تحت سلطه‌ی دیگران قرار می‌دهد، این است که نقاط قوت ملت‌ها از چشم خودشان پوشیده بماند؛ نفهمند چه ارزش‌هایی، چه توانایی‌هایی، چه نقاط قوتی در آنها وجود دارد؛ این را نفهمند... باید ببینند جوان‌ها، بفهمند حادثه‌ی جنگ چه بود و چگونه جوان‌های ما بدون سازوبرگ حسابی، بدون توانایی‌ها و پیش‌آمادگی‌هایی که معمولاً برای این‌جور کارها لازم است، رفتند و چه کردند. ترجمه هم باید بشود. دشمنان این انقلاب و دشمنان سبیل‌الله سعی دارند که نگذارند این راه روشن مقابل چشم‌ها قرار بگیرد؛ شما درست عکس آنها، نقطه‌ی مقابل آنها عمل کردید؛ بنابراین، این مجاهدت در راه خدا است، انشاءالله که خدا از شما قبول کند و انشاءالله خداوند نیت‌های همه‌ی ما را خالص کند، کار ما را، فکر ما را، حرف ما را، عمل ما را برای خودش و در راه خودش قرار بدهد...

(مقام معظم رهبری، امام خامنه‌ای)

باحول وقوه الهی، با توسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا و به رسم چیدن بهترین گل‌های معطر و تهیه خوش‌بوترین عطرها و با امید برآمدن هزاران آرزو با نام مقدس "امام زمان (عج)" و با رمز "یا زهرا(س)" نوشتن کتاب «**نادرتین یار انقلاب**» را که درباره زندگی نامه‌ی مختصر و پنجاه سال مجاهدت و جهاد از کارهای هنری، علمی و فرهنگی و... "شهید نادر طالب زاده" است را شروع می‌کنیم، تا انشاءالله مورد خشنودی "خداوند عزوجل" واقع گردد...

ارادتمند: ناصر کاوه



به برکت شهیدان، حزن و خوفِ ما از بین می رود «اگر چنانچه شما امروز به جمع‌آوری و افزودن بر سرمایه‌ی خاطرات جنگ رو نیاورید، دشمن میدان را از شما خواهد گرفت؛ این یک خطر است؛ من دارم به شما می‌گویم، جنگ راشما روایت کنید که خودتان در جنگ بوده‌اید؛ اگر شما جنگ روایت نکردید، دشمن شما جنگ را روایت خواهد کرد آن‌طور که دلش می‌خواهد...» ... ما باید در این زمینه خیلی احساس وظیفه کنیم، خیلی کار کنیم... عزیزان من، برادران خوب، خواهران خوب! بدانید، «امروز هم پیام شهیدان اگر به گوش ما برسد، از ما خوف را و حزن را برطرف خواهد کرد. آنهایی که دچار خوفند، آنهایی که دچار حزنند، این پیام را نمی‌گیرند، نمی‌شنوند، و آلا اگر صدای شهیدان را بشنویم، خوف و حزن ما هم محو خواهد شد به برکت صدای شهیدان... این حزن و خوفِ ما را از بین خواهد برد و بهجت و شجاعت و اقدام را برای ما به ارمغان خواهد آورد...» امام خامنه‌ای، ۰۴/مهر/۱۳۹۷

یک وقت کسی پیش من آمد و از فردی در همین جمع شما - که من خیلی به او علاقه و ارادت داشتم و دارم [آقای طالب زاده] - بدگویی کرد. بدگویی‌اش هم این بود که گفت: این فرد، قبل از انقلاب چنین و چنان بوده است و برای صحت ادعایش، عکس‌هایی هم به من نشان داد. من به آن کس گفتم: همین عکس‌ها و مدارک، دلیل است که ارادت من به این شخص، مضاعف شود.» واقعا هم خدا می‌داند که ارادت مضاعف شد. به آن کس گفتم - حالا نمی‌خواهم خصوصیات و جزئیات را بگویم؛ و الا همه‌تان تصدیق می‌کردید- «ارادت من مضاعف شد. این حرفهایی که تو می‌گویی، موجب می‌شود ارادت من به این شخص، بیشتر شود. این آدم آن‌طوری بوده و حالا این است؟! اما بعضی افراد، این‌طور نبودند. یعنی حتی بعد از آمدن انقلاب هم، از آن تمتعات و وسوسه‌ها دست نکشیدند. این هم یک عامل دیگر که باعث آسایش جبهه خودی شد. امام خامنه‌ای، دیدار با هنرمندان _ ۱۳۷۳/۴/۲۲



"آیت الله ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران"

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

درگذشت هنرمند انقلابی و فرهیخته، چهره‌ی مؤثر جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی، مرحوم نادر طالب‌زاده، دل اصحاب فرهنگ و هنر را جریحه‌دار ساخت و اهالی هنر متعهد را داغدار کرد. این جهادگر جبهه‌ی جنگ نرم در مستندسازی، مجریگری، کارگردانی و برنامه‌سازی، آثار درخشانی از خود به جا گذاشت و در کسوت یک فعال رسانه‌ای و همچنین مدیر فرهنگی و کارشناس مسائل بین‌المللی، افق‌های تازه‌ای از آگاهی‌بخشی و مبارزه با تهاجم فرهنگی را گشود. افزون بر این‌ها، این هم‌رزم و یار شهید آوینی با فعالیت‌های آموزشی متعدد، همواره در سنگر مقاومت و استقامت، پاسدار بی‌چشم‌داشت آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و ارزش‌های متعالی فرهنگ و هویت ملی بود و نام خود را در تاریخ فرهنگ و هنر این مرز و بوم ماندگار کرد. اینجانب درگذشت این هنرمند و فعال فرهنگی جبهه‌ی انقلاب را به خانواده‌ی محترم، جامعه‌ی هنری و شاگردان آن فقید تسلیت می‌گویم و در این ایام پرفیض برای ایشان علو درجات و هم‌جواری با شهید آوینی و دیگر شهدای گران‌قدر هنرمند و برای بازماندگان صبر و سلامتی از خداوند سبحان مسئلت دارم.

روحش شاد و یادش گرامی باد

مرغ شب خوان که با دم می‌خواند

رفت و این آشیانه خالی ماند

آهوان گم شدند در شب دشت

آه از آن رفتگان بی‌برگشت

سید محمود رضوی

درگذشت هنرمند خستگی‌ناپذیر، متعهد و انقلابی، مستندساز سال‌های پر افتخار دفاع مقدس استاد نادر طالب زاده موجب تاسف و تاجر فراوان شد. آن مجاهد نستوه عرصه هنر که از همراهان و همکاران شهید مرتضی آوینی بود، سراسر عمر خود را وقف خدمت مخلصانه و بی‌منت به انقلاب اسلامی کرد و حقیقتاً از چهره‌های درخشان عرصه جهاد تبیین و الگویی جاودان برای تمامی هنرمندان جبهه مقاومت و مبارزه با رژیم جنایتکار صهیونیستی به شمار می‌آمد؛ آن مرحوم در مسئولیت‌های گوناگون از جمله دبیری کنفرانس بین‌المللی افق نو، دبیری جشنواره فیلم عمار، تهیه و تولید مستند و تولیدات هنری متعدد روشنگر و انقلابی و تدریس و پژوهش فرهنگی و رسانه‌ای باقیات صالحات ارزشمندی از خود بر جای گذاشت. مرحوم طالب‌زاده با هنر خود، صدای مظلومان عالم بود و دغدغه یاری‌رسانی به مظلومان و مستضعفان عالم لحظه‌ای از خاطر شریف او دور نماند...

سرلشگر پاسدار باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

مجاهدت‌های خستگی‌ناپذیر او در سنگر ترویج گفتمان مقاومت و انقلاب اسلامی و افشای هویت و عملکرد نظام سلطه و صهیونیسم با اقدامات و تولیدات رسانه‌ای هوشمندانه و فاخر در قامت مستندساز، تهیه‌کننده و کارشناس مجری رسانه ملی نقش به‌سزایی در آگاهی بخشی به افکار عمومی و مخاطبان جامعه هدف ایفا کرده است که برای فعالان جبهه انقلاب اسلامی راهگشا خواهد بود...

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

درگذشت هنرمند مجاهد، انقلابی و خستگی‌ناپذیر مرحوم «حاج نادر طالب‌زاده»

که در زمره چهره‌های نامدار رسانه‌ای جبهه انقلاب محسوب می‌شد؛ موجب اندوه و تأثر فراوان گردید. بی‌شک تلاش‌ها و مجاهدت‌های صادقانه و مثال زدنی وی در میدان هم‌اوردی جبهه رسانه‌ای انقلاب اسلامی با شبکه‌های رسانه‌ای سلطه و صهیونیسم که منشأ آگاهی مخاطبان و اعتلای گفتمان انقلاب اسلامی و مقاومت و استکبارستیزی در این عرصه شد، ماندگار و موجب افتخار هم‌زمان، همکاران و علاقمندان ایشان و راهنمایی معتبر برای ادامه دهندگان راه وی است. این ضایعه غم‌انگیز را به ملت شریف و قدرشناس ایران اسلامی به ویژه خانواده مکرم و آحاد مجاهدان و فعالان جبهه فرهنگی و رسانه‌ای انقلاب اسلامی تسلیت عرض می‌نمایم. از درگاه خدای کریم و نعیم برای او مغفرت و رحمت واسع‌الهی و همجواری با امیرالمؤمنین علی ابن ابی‌طالب (ع) و... صبر، شکیبایی و سکینه قلبی مسئلت می‌جویم...

رئیس صدا و سیما

حاج نادر در طول عمر پر بار خود، همواره چون سربازی فداکار، در صحنه فرهنگ و هنر حاضر بود و با آثار درخشان فرهنگی هویت مدار در عرصه رسانه و در تکاپوی بی وقفه فکری، در راه تبیین اندیشه اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی گام برداشت. او همواره در آثار مستند و برنامه‌های تلویزیونی، در برابر تفکرات صهیونیستی و استکباری دست به افشاگری زد و تفکر عدالت طلبانه و ظلم ستیزانه انقلاب اسلامی را ترویج کرد. او با برگزاری سلسله همایش‌های افق نو و شناسایی و تجمیع اندیشمندان غیر ایرانی و غیر مسلمان ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی، نقشی بزرگ در شکل‌گیری جبهه جهانی نخبگان عدالت خواه و ضد ظلم ایفا کرد و اینچنین شد که هدف مستقیم کینه و عصبانیت آمریکای قرار گرفت و به جرم تلاش برای برگزاری همایش‌های افق نو در لیست تحریم‌های ظالمانه آمریکا قرار گرفت. وی به

عنوان نظریه پردازی متعهد و در جایگاه بنیان جشنواره فیلم عمار، سعی خود را به کار بست و...

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا... با نهایت تاسف و تاجر خبر درگذشت هنرمند متعهد و مجاهد خستگی ناپذیر جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، آقای نادر طالب زاده را دریافت کردم. طالب زاده ی عزیز ما، الگوی ارزشمندی از هنرمند تراز انقلاب اسلامی بود که با خردمندی و دانش، شجاعانه وارد میدان کارزار فرهنگی با صهیونیست بین الملل و استکبار جهانی شد، و با روشن گری از پرونده سیاه مدعیان آزادی و حقوق بشر، آنان را رسوا نمود و با برپایی رویدادهای بزرگی همچون کنفرانس «افق نو»، چشم اندازی روشن فراروی گروه های آزادی خواه جهان ترسیم کرد. او مستند ساز و روایتگر صادق رشادت های فرزندان معنوی خمینی کبیر در جبهه مقاومت، از بوسنی، فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، افغانستان و یمن بود و در این راه مشکلات و بیماری های پی در پی که جسم او را رنجور کرده بود، نتوانست خللی در اجرای تکلیف الهی اش پدید آورد تا بالاخره هم زمان با روز جهانی قدس، روح پاکش از میان ما پر کشید و به وصال دوستان شهیدش رسید... محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

وزیر امور خارجه

با نهایت تاجر و تاسف ضایعه فقدان مرحوم استاد نادر طالب زاده جامعه رسانه ای و سینمایی و خانواده بزرگ رسانه ملی را در سوگ خود نشانده. مرحوم طالب زاده از خیل یاران شهید اهل قلم سید مرتضی آوینی بود که لحظه ای از جهاد تبیین و دفاع از اصول و ارزش های انقلاب و جمهوری اسلامی فروگذار نکرد. اینجانب درگذشت آن شخصیت دغدغه مند و دلسوز جبهه مقاومت و ایشان



تسلیمت عرض می‌کنم و از درگاه خداوند متعال برای بازماندگان صبر و شکیبایی و برای آن مرحوم غفران واسع الهی و همجواری با یاران شهیدش را مسالت می‌کنم... حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه

ابراهیم حاتم‌ی‌کیا کارگردان سینما و تلویزیون

ابراهیم حاتم‌ی‌کیا که رفاقتی دیرین با زنده‌یاد طالب‌زاده داشت، در پیام خود برای تسلیمت این سینماگر و مجری و برنامه‌ساز قدیمی نوشت: نادرتین یار... حاج نادر طالب‌زاده از میان یاران رفت... نادر طالب‌زاده، نادرتین شخصیتی بود که در حوزه هنر سینما می‌شناختم... نادر بود در چهره پرنفوذ و مهربانش... نادر بود در اصرار و ایمان به آنچه معتقد بود و با همه وجود آن را در رسانه و هنر به کار می‌بست... نادر بود در زیست غریبش، در سرزمین غرب... نادر بود در سلوک عارفانه و مومنانه... نادر بود و بعید می‌دانم کسی بتواند جای خالی او را پر کند... خدایش او را با اولیا محشور کند...

مسعود ده نمکی نویسنده و فیلم ساز

نادر جان: می‌دانم از امشب پوسته‌هایت را فراوان چاپ خواهند کرد و برایت کلیپ‌ها و مستندها خواهند ساخت اما از غصه‌های این سال‌های آخر تو نخواهند گفت. از بی‌مهری‌های کسانی که تو برایشان نردبان فراهم کردی. از حرف‌های درگوشی که بارها برایم گفتم و مرا هم به صبوری دعوت کردی. از اینکه می‌گفتم مسعود جان!

نسل جنگ چیز دیگری بود و تکرارنشده‌ای است و از هم‌سنگران امروز باید به اندازه فهم‌شان توقع داشت. می‌گفتم چک دست کسانی است که خودمان دسته‌چک دستشان دادیم اما به اسم نوانقلابی‌گری از روی ما رد شده‌اند. کاری که ما با نسل خودمان و سیدمرتضی آوینی نکردیم. می‌دانم درست مثل

شهید آوینی همان‌ها که خون به جگرش کردند و برایش مرثیه خواندند برای تو هم همان‌ها که قلبت را آزدند سیاهپوش خواهند شد. حیف که به صبر و سکوتم فراخواندی وگرنه گفتنی‌ها بسیار است. عزت و ذلت دست خداست نادر جان. سلام مرا هم به امام و شهدا برسان و بگو رفقای قدیمی در راه هستند... نسل جدید حوزه فرهنگ و هنر وقتی کسانی را دیر پیدا می‌کنند، ضرر خواهند کرد. نادر طالب‌زاده و مابقی دوستانش اخراجی‌های حضرات در دوران جنگ و انقلاب هستند و حیاط خلوت این آقایان را به هم زدند. برای عبور و رسیدن به مرزهای دشمن، خون‌های بسیاری ریخته شد و بعد از آنها رزمندگان با احترام و بدون اینکه پای خود را روی خون بقیه بگذارند، عبور می‌کردند اما امروزه نسل جدید زحمت کسانی که نشریه‌هایشان توقیف شده، خون دادند و شهید شدند را زیر پا می‌گذارند. حاج نادر به مفهوم واقعی آتش به اختیار است؛ ایشان صاحب بصیرت و تکنیک است...

مجاهدی آگاه و دغدغه‌مند

طالب‌زاده مجاهدی آگاه و دغدغه‌مند در عرصه مبارزه با استکبار جهانی و افشای جنایات قدرت‌های استعمارگر در مقیاس جهان اسلام و حتی مظلومان قلمرو به‌وسعت جهان بود. افکار متعالی و بغض بینش‌ورزانه او، شعاع آرمان‌خواهی نادر طالب‌زاده را در دایره‌ای پهناور از انقلاب اسلامی ایران گرفته تا بوسنی، افغانستان، سوریه، لبنان، یمن، عراق، بحرین، کشمیر و... فلسطین گسترد و لطف خداوند، او را واسطه رویش‌هایی ریشه‌دار از متفکران و علاقه‌مندان به اندیشه پویای انقلاب جهان‌شمول اسلامی ساخت. همکاری و همراهی مشفقانه و تمام‌قد او با رسانه‌های برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه شبکه پرس‌تی‌وی، هم‌گواهی است بر صدق مجاهده او و هم‌درسی بزرگ و جاودان برای پویندگان این مسیر. در درگذشت این مرد

میدان‌های دفاع از مقاومت فلسطین، در دقایق پایانی روز قدس و آخرین ایستگاه رمضانی وعده ظهور حضرت حجت (عج) نیز بی‌گمان سری است که رجای واثق داریم مهر تأییدی باشد بر سال‌ها ایستادگی‌اش در کنار جبهه تناور مقاومت و آرزومندان جهانی نو. اعلی‌علیین منزل روح پاکش باد... احمد نوروزی، معاون برون‌مرزی صداوسیما

مهدی نصیری روزنامه‌نگار و نویسنده

امروز دوست عزیز و دیرینم نادر طالب‌زاده بعد از تحمل بیماری طولانی به دیار باقی شتافت. آشنایی‌ام با طالب‌زاده به دوران کیهان برمی‌گردد. سال ۷۰ به اتفاق او و چند تن دیگر برای گزارش مکتوب و تصویری جنگ بوسنی به بالکان سفر کردیم که حاصل کار من و سه همکارم، انتشار ویژه‌نامه‌ی جنگ بوسنی به ضمیمه‌ی کیهان، و محصول کار طالب‌زاده، مستند «رویش در آتش» بود. طالب‌زاده قبل از این نیز به بوسنی رفته بود و مستند «خنجر و شقایق» را با ایده‌دهی و متن‌گذاری شهید سید مرتضی آوینی ساخته بود. طالب‌زاده که به همراه خانواده‌اش ساکن آمریکا بود با شروع انقلاب اسلامی به ایران سفر کرد و تحت تأثیر تحولات انقلابی، در ایران ماند و با شروع جنگ تحمیلی به جبهه رفت و... برای مدتی به عنوان راننده‌ی لودر در عملیات‌های مختلف فعالیت کرد و پس از مدتی موفق شد به کار مستندسازی در جبهه‌ها شد و...

برادر بزرگوار، سلام رفیق، سلام شفیق، سلام شهید

سلام بر تو روزی که به دنیا آمدی، روزی که زیستی و مبارزه کردی و روزی که در ماه خدا و فوران رحمت کبریایی‌اش مشتاقانه به سوی معبود پر کشیدی. آقا نادر چه خوب رایحه‌ای که از سید شهیدمان آقا مرتضی آوینی عزیز را به امانت گرفتی، پاس داشتی و حالا در ملکوت به رفیقت با سربلندی ادا می‌کنی.

نادر جان تو ثابت کردی که جهاد در عرصه جنگ نرم چه بسا دشوارتر و مظلومانه تر از جنگیدن در میادین آتش و خون است. چه خوب نشان دادی که جهاد با سرمایه گران سنگ آبرو گذاشتی در میدان و از ملامت‌ها و زخم زبان‌ها نهراسیدن کمتر از شهادت با مرگ سرخ نیست. نادر جان تو هم بسان مرتضی نشان دادی که در باغ شهادت بسته نیست فقط بصیرت می‌خواهد و همت. حالا کارگردان و گوینده خنجر و شقایق در بزم بهشتیان همدیگر را در آغوش گرفته‌اند. در روزهای پایانی ماه رحمت خدا باملائی که در شب قدر نزول کردند همراه شدی و به آسمان پر گشودی... نادر جان شهادت مبارک و گوارایت... کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران... محمد خزاعی برنامه‌ساز

او همیشه حاضر بود

جان بی قرارش، او را سه ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی از دانشگاه کلمبیا به وسط خیابان‌های تهران کشاند. او همیشه حاضر بود؛ از عکاسی لحظه‌های انقلاب تا سرپرستی خبرنگارهای خارجی، از دفاع مقدس تا سریال مسیح و برنامه راز، از گروه تلویزیونی حوزه هنری تا جشنواره عمّار. او از برپاکنندگان جبهه فرهنگی انقلاب بود و هر آنچه امروز در این جبهه هست بهره‌ای از همت، اراده و دانش آن مجاهد خستگی‌ناپذیر دارد. حاج نادر برای ما که آن قلندر شهید را از نزدیک درک نکردیم، غنیمتی گرانبها بود که بوی سید مرتضی را از او استشمام می‌کردیم. چه عاقبت دل‌انگیزی که در عزیزترین ماه و یوم الله قدس در جوار یار دیرینش، آوینی بزرگ آرام می‌گیرد. روح بلند او در پناه حضرت حق جلّ و علی، غرق نور و رحمت باشد و ان‌شاءالله همه ما دل‌بستگان آن جانِ طالبِ حقیقت، در سرای باقی به او و یارانش ملحق شویم...
محمد مهدی دادمان، رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی



حاج نادر خاطرات سبز، حاج نادر پرچمت بالاست
سینه ات طوفانی و موج، چشم‌های آبی‌ات دریاست
سهم تو از عاشقی بسیار، تا هنوز آن دیده‌گان بیدار
چشم تو در چشم‌های ما، دست تو در دست‌های ماست
ایستادی در کنار ما با همان آرامش زیبا
خفته‌ای هرچند در تابوت، روح تو بشکوه و پابرجاست
تو نمردی، تو نمی‌میری، قدس را از خصم می‌گیری
باتو و ما قدس کی دلتنگ، با من و تو قدس کی تنه‌است
الوداع ای خاطرات سبز، الوداع ای راز و رمز عشق
می‌روی و یاورت الله، می‌روی و شافعت مولاست
ای ز نسل آفتاب و نور، روح تو با مجتبی محشور
ای شهید آرمان قدس، در دلت چون کربلا غوغاست
حاج نادر پاشو از تابوت، زود رفتی، بال وا کردی
هرکجا هستی خدا با توست، هرکجایی پرچمت بالاست
یازدهم اردیبهشت ۱۴۰۱ _ علی‌رضا قزوه

محمدحسن شجاعی فرد نماینده‌ی زکزاکی

ایشان مستندسازی آشنا با فرهنگ بین‌المللی و روایتگری صادق از انقلاب اسلامی در عرصه‌های بین‌المللی بودند، ارتباط گسترده و مستمر ایشان با نیروهای آزاداندیش غیرمسلمانان و مجاهدان مسلمان کشورهای مختلف باعث شده بود تا صدای حقیقی انقلاب اسلامی از طریق این افراد به جهانیان رسانده شود.

از جمله تلاش‌های آن مرحوم، انعکاس فعالیت‌های حرکت اسلامی نیجریه و رهبر آن شیخ ابراهیم زکزکی در ایران بود. تقارن رحلت این هنرمند انقلابی در روز قدس و ماه رمضان حکایت از نیت صادقانه‌ی ایشان در فعالیت‌های بین‌المللی و از جمله فلسطین در عالم است. این‌جانب از طرف خود و علامه سید ابراهیم زکزکی، ارتحال این مجاهد و زبان‌گویای حرکت‌های اسلامی جهان را به محضر رهبری معظم، خانواده‌ی آن مرحوم، همکاران، علاقه‌مندان، شاگردان و جامعه‌ی هنری فرهنگی انقلابی ایران و جهان تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت دارم.

کیلب ماپین خبرنگار آمریکایی

کیلب ماپین خبرنگار آمریکایی که در حال حاضر در روسیه مستقر است، یکی دیگر از مهمانان کنفرانس افق نو، در صفحه‌ی فیس‌بوک خود دو مطلب کوتاه درباره‌ی درگذشت طالب‌زاده منتشر کرده است... در مطلب اول این‌گونه می‌نویسد: جهان مردی واقعاً بزرگ را از دست داد. عمیقاً مایه‌ی افتخار من بود که در چندین مورد با نادر طالب‌زاده دیدار و ارتباط داشتم. وی فیلم ساز، محقق، ضد صهیونیست، و ضد امپریالیست درخشانی بود... وی در مطلب دومش ضمن بازنشر مصاحبه‌ی سال ۲۰۱۴ خود با طالب‌زاده در تهران، می‌نویسد: امروز، جهان مردی بزرگ را از دست داد. نادر طالب‌زاده ضدامپریالیست و انقلابی بزرگی بود که چیزهای زیادی به من آموخت...

فیلیپ جیرالدی عضو سابق سازمان جاسوسی آمریکا

روز گذشته در تهران مرد بزرگی از دنیا رفت. نادر طالب‌زاده اردوبادی بسیار برای صلح و عدالت در خاورمیانه کار کرد، و در ازای دردهایش توسط دولت آمریکا مجازات شد... آخرین اهانتی که به او کردند زمانی بود که آمریکایی‌ها

عملاً از شرکت در کنفرانس‌های چند ملیتی او منع شدند. دلیلش «تحریم»‌های وزارت خزانه‌داری بود که آمریکایی‌ها را تهدید می‌کرد اگر جرأت شرکت در این کنفرانس‌ها را به خود بدهند، با جریمه‌ی مالی و زندان مواجه می‌شوند... «فیلیپ جیرالدی» مأمور سابق سی‌آی‌ای، در کنفرانس بین‌المللی افق نوی سال ۱۳۹۷ در مشهد مقدس؛ افق نو هر سال از اندیشمندان سراسر جهان فارغ از ملیت، نژاد و دین میزبانی می‌شد...

سندر هیکس فعال و محقق آمریکایی

سندر هیکس فعال و محقق آمریکایی، که او هم از مهمانان سال‌های گذشته‌ی کنفرانس افق نو بود، با بازنشر خبر پرستی‌وی درباره‌ی فوت طالب‌زاده، در صفحه‌ی فیس‌بوک خود این‌گونه می‌نویسد:

دوست من در ایران در سن ۶۹ سالگی فوت کرد. نادر یکی از مخالفان مهم امپریالیسم آمریکا و یک انقلابی اصیل از سال ۱۹۷۹ [۱۳۵۷ شمسی] بود. سال ۲۰۰۷ فیلم واقعاً فوق‌العاده‌ای درباره‌ی عیسی به نام «مسیح» [بشارت منجی] ساخت. آن فیلم احتمالاً میراث او خواهد بود؛ فرصتی برای مردم در غرب که عیسی را از دیدگاه اسلامی درک کنند. [تماشای این فیلم] قطعاً می‌تواند مفید باشد... سندر هیکس همان کسی است که بعد از زیارت امام رضا(ع) این‌گونه می‌گوید: حرم امام رضا حس ویژه‌ای برایم داشت...

جیم دابلیو دین سردبیر وترنژتودی

پایگاه اینترنتی «وترنژتودی» که یکی از رسانه‌های جایگزین شناخته شده در آمریکا محسوب می‌شود و بسیاری از منتقدان داخلی آمریکا در آن مطلب منتشر می‌کنند، نیز ضمن نقل‌قول خبر پرستی‌وی درباره‌ی درگذشت طالب‌زاده، در مطلبی (که خلاصه‌ای از آن در این‌جا آمده) به قلم «جیم دابلیو

دین» سردبیر این نشریه، این گونه می نویسد:

نادر طالبزاده رفت، اما عمر میراث او بسیار بیش تر از دشمنان غربی اش و حامیان قلبی دموکراسی و آزادی بیان خواهد بود؛ همان هایی که اتفاقاً طالبزاده را دقیقاً به خاطر همین تحریم کردند که مواضعش بسیار مستحکم و قابل دفاع بودند... جایگزین کردن انسان هایی مانند نادر، دشوار است؛ چراکه این افراد تمام استعدادهای لازم برای انجام کارهایی را دارند که دیگران نمی توانند بکنند، مانند ساخت پل [ارتباطی میان انسان ها]؛ و دل انجام کارهایی را دارند که دیگران نمی کنند.

دل برای نادر طالبزاده تنگ می شود

فیلم ساز، صلح ساز، ستاره ی تلویزیونی، قهرمان حقیقت و عدالت، و شهید احتمالی... می دانیم کنفرانس های افق نو تأثیر عظیمی داشته اند، محور نومحافظه کار - صهیونیست در واشینگتن احساس کردند باید جلوی حضور آمریکایی ها در این کنفرانس ها را بگیرند. با تحریم افق نو و اعزام [مأموران] افبی آی برای هشدار دادن به مهمانان آمریکایی این کنفرانس مبنی بر این که اگر در کنفرانس های بعدی شرکت کنند، بازداشت خواهند شد، قوانین بین المللی حقوق بشر در تضمین آزادی انجمن را نقض، و دفاع قانون اساسی آمریکا از آزادی بیان را تحقیر کردند. اگر از پیامدهای کنفرانس افق نو وحشت نداشتند، دست به چنین اقدام افراطی و غیرقانونی ای در نقض قانون اساسی نمی زدند؛ اما این کنفرانس داشت متفکران آمریکایی را با مکتب های جدید فکری آشنا می کرد و دیدگاه های آنان را درباره ی وقایع جهانی، به طور کلی، و ایران، به طور خاص، تغییر می داد.

همه ی آمریکایی های متعددی که من می شناسم و در کنفرانس های افق نو شرکت کرده اند، با دیدگاه های بسیار مثبتی نسبت به ایران

به آمریکا بازگشته‌اند. همه‌ی ایشان کم‌وبیش یک داستان مشابه را روایت می‌کنند: قبل از این‌که به ایران بروند، تحت تأثیر مباران رسانه‌های آمریکایی بودند که ایران را یک دیکتاتوری دینی فقیر، عقب‌مانده و سرکوبگر نشان می‌دادند.

بنابراین وقتی به تهران رسیدند و کشوری مدرن، پرجنب‌وجوش، و سریعاً در حال توسعه را دیدند که در آن متفکرها (از جمله علمای دینی) آزادند تا طیف بسیار وسیع‌تری از نظریه‌ها را (نسبت به فضای جریان اصلی آمریکا) بررسی کنند، دچار شوک و «ناهماهنگی شناختی» شدند. سپس به آمریکا برگشتند و به آمریکایی‌ها گفتند که ایران چه قدر عالی است و چگونه رسانه‌های جریان اصلی آمریکا به طرز فجیعی درباره‌ی ایران، و بسیاری چیزهای دیگر، دروغ می‌گویند... کوین برت نویسنده و کارشناس آمریکایی مطالعات اسلامی، که خودش نیز مسلمان شده

تا طلوع واقعی در آرامش باش، که طلوع نزدیک است

طالب‌زاده به دنبال همکاری نزدیک‌تر میان ایران مسلمان با مسیحیان و یهودیان بود. نادر نه تنها ذهنی شگفت‌انگیز و مهارتی فوق‌العاده در تحلیل داشت، بلکه توانایی‌های مدیریتی نادری نیز از خود نشان می‌داد. کنفرانس افق نو را بنیانگذاری و اداره می‌کرد و آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها و اعرابی را به این کنفرانس دعوت می‌نمود که بعضی خبرنگار و سیاستمدار بودند و برخی فعال و متفکر؛ و در ششمین دوره‌ی کنفرانس، ماه می سال ۲۰۱۸، چندین مقام سابق دولت آمریکا را دعوت کرد؛ از جمله افرادی از وزارت‌های خارجه و دفاع، و یک افسر سابق سی‌آی‌ای. چگونه؟ نادر دچار نارسایی قلبی شد؛ که برای من غیرقابل‌درک بود، چون قلبی داشت که به اندازه‌ی کل

وجودش بود؛ به اندازه‌ی کوه. عشق همه‌شمول نادر طالب‌زاده در دفعات بی‌شمار در دیدارها و مکاتبه‌های متنی ما، که [متأسفانه] بیش‌ازحد کم بودند، مشهود بود. نادر از همه استقبال می‌کرد؛ صرف‌نظر از نظریه‌هایشان؛ صرف‌نظر از دین‌شان. پیش از فوت نادر، دعاهای ملتسمانه‌ی من و بسیاری دیگر به درگاه خدای بزرگ بالا رفت و از الله خواستیم با حکمت و لطف بی‌نهایتش سلامتی را به نادر بازگرداند. اما دریغاً که زینا [زینب مهنا، همسر نادر طالب‌زاده]، ۲۹ آوریل، به من پیام داد که نادر نزد خالقش بازگشته است... مایکل اسپرینگمن وکیل، نویسنده، دیپلمات سابق، و کارمند سابق و افشاگر وزارت خارجه‌ی آمریکا

جایگزین کردن انسان‌هایی مانند نادر، دشوار است

نادر طالب‌زاده رفت، اما عمر میراث او بسیار بیش‌تر از دشمنان غربی‌اش و حامیان قلبی دموکراسی و آزادی بیان خواهد بود؛ همان‌هایی که اتفاقاً طالب‌زاده را دقیقاً به خاطر همین تحریم کردند که مواضعش بسیار مستحکم و قابل‌دفاع بودند... جایگزین کردن انسان‌هایی مانند نادر، دشوار است؛ چراکه این افراد تمام استعداد‌های لازم برای انجام کارهایی را دارند که دیگران نمی‌توانند بکنند، مانند ساخت پل [ارتباطی میان انسان‌ها]؛ و دل انجام کارهایی را دارند که دیگران نمی‌کنند... جیم دابلیو دین، سردبیر این نشریه اینترنتی «وترنژتودی»

الیور استون گفت آمریکا کشور زامبی‌هاست

آنچه سر میز اتفاق افتاد، گفت‌وگویی بسیار راحت بود. استون قبل از برنامه از من پرسید: تو چطور می‌مصحبه می‌کنی؟ گفتم: همین‌طوری که الان داریم با هم حرف می‌زنیم. تا حدی، نگرانی داشت. به او خاطر نشان کردم که

من برای مصاحبه با شما، حتی یک سؤال هم آماده نکرده‌ام. تعجب کرد. بنابراین بر اساس حس و حال آن لحظه، جلو رفتم. خدا را شکر. او در ابتدا از من، به خاطر شان استون (Sean Stone) تشکر کرد. می‌گفت که در ایران به پسرش بسیار خوش گذشته است. گفتم که از چهار دهه قبل، منتظریم که شما به ایران بیایید. سپس سؤالی در مورد تنوع فیلم‌های او پرسیدم. مصاحبه، شاید شش یا هفت فراز مهم داشت. استون حرف‌های مهمی زد که عمدتاً علیه امریکا بودند. به طوری که خودش بعداً ترسید. وقتی برای صرف شام رفتیم او مقداری واهمه داشت. می‌گفت که این حرف‌هایی که من زدم برایم مشکل‌ساز نشود. گفتم نگران نباش!...

آزادگان جهان، داغ‌دار طالب‌زاده

«آلکساندر دوگین» فیلسوف شناخته‌شده‌ی روس و کارشناس مسائل ژئوپلیتیک، و یکی از مهمانان ثابت کنفرانس افق نو، در صفحه‌ی فیس‌بوک خود این‌گونه درگذشت طالب‌زاده را تسلیت می‌گوید: غمی بزرگ... امروز بهترین دوست‌مان، فیلم‌ساز بزرگ و متفکر برجسته‌ی ایرانی، نادر طالب‌زاده، را از دست دادیم. حقیقتاً بهترین بود. چند بار درباره‌ی مرگ با هم صحبت کرده بودیم. می‌گفت: «خواهم خوابید و در قیامت بیدار خواهم شد. و بین این دو، یک خلاً بزرگ از هیچ وجود دارد. [شاید این برداشت دوگین از صحبت‌های طالب‌زاده درباره‌ی برزخ باشد]. مطمئنم که او مدت زیادی در خلاً نخواهد ماند [و به‌زودی برای یاری امام زمان برانگیخته خواهد شد]. عمرش را وقف خدمت به «امام مخفی» کرد و هر کاری کرد تا «ظهور» را به ما نزدیک کند. دوست بزرگی برای روسیه و حامی بزرگ آرمان اوراسیایی بود. با [رفتن] او، قلب‌مان را از دست دادیم...

منابع: خبرگزاری‌های تسنیم و مهر



دُرّ نادر اشک‌های ناب طالب‌زاده است
گوهر خون در دل بی‌تاب طالب‌زاده است
در کتاب انقلاب ار فصل‌ها بینی، بدان
فصل‌های عاشقی در باب طالب‌زاده است
چشم‌های روشنش با مرگ اگر در خواب رفت
دل پریشان باز خصم از خواب طالب‌زاده است
آسمان انقلاب امشب بسی خون‌گریه کن
چون غم هجر رخ مهتاب طالب‌زاده است
گر نگاهی دیده بر قاموس فرهنگ آورد
بی‌گمان هر واژه از القاب طالب‌زاده است
در بهشت حضرت زهراست آوینی ولی
با شهیدان خدا بی‌تاب طالب‌زاده است
قهرمان جبهه فرهنگی این انقلاب
جرات اندیشه‌های ناب طالب‌زاده است
عاشقان همواره در صحن سلوکش دیده اند
حضرت مولا علی ارباب طالب‌زاده است
سید مسعود علوی
نادر تو عجب نادره مردی بودی
نادر نه که منحصر به فردی بودی
درد از سر درک وه چه نادر افتد
تو صاحب درک و اهل دردی بودی
غلامعلی حدادعادل

صحبت های ازغدی در مراسم تشییع شهید طالب زاده

ما مردان بزرگ را تا وقتی هستند اذیت می‌کنیم و وقتی رفتند تجلیل می‌کنیم. آنچه از همه بیشتر درباره نادر طالب‌زاده اهمیت داشت روحانیت او بود. من روحیه روحانی به اندازه او کم دیدم. ما هدف معنوی کم داریم. او ریاضی‌دانست اهل تهجد و نماز شب بود. نادر به خاطر فضایی که در نوجوانی و جوانی در آن قرار داشت هر زمان فرصت پیدا می‌کرد نماز قضا می‌خواند. در حالی که بسیاری مشغول فوت و فن ریاکاری‌اند اما گاهی حس می‌کردم او نفس ندارد و در بین همه طوفان‌هایی که به صورتش می‌خورد هدف را گم نمی‌کرد. در دوره‌ای که دوستان به دشمن می‌پیوستند و او برعکس از دل دشمن به جبهه انقلاب آمد. ما به آدم‌هایی مثل او که در ترافیک انقلاب گیر نکردند به شدت نیاز داریم. او هرچه جلوتر آمده انقلابی‌تر شده است و حتی این اواخر که گرفتار بیماری بود یک مرد دهه شصتی و پنجاه‌وهفتی بود. اذیت‌ها و توهین‌های مکرری از طرف جبهه‌های مختلف از دشمنان، ناخودی‌ها، خودی‌ها و نخودی‌ها صورت می‌گرفت اما نادر طالب‌زاده خود را معطل اینها نمی‌کرد. او هیچ‌گاه واکنش شخصی نشان نداد و من اینجا به همه نهادهای رسمی و فرهنگی کشور عرض می‌کنم که چرا همیشه عقبید؟ دیر می‌فهمید! چند ساعت دیر می‌رسید. او از همه شما گله داشت، به خصوص از کوتوله‌هایی که از او عبور می‌کردند و هنوز فکر می‌کنند عبور از مردان بزرگ هنر است.

او کاروان یک نفره داشت. درس مهمی که نیروهای متدین باید به آن توجه کنند این است که او متفکر و خلاق بود و تولید معنا می‌کرد. بسیاری‌اند که در طول این سال‌ها فقط مصرف‌کننده بوده‌اند. طالب‌زاده جزو مصرف‌کنندگان ایدئولوژی انقلاب نبود، گزاره‌های فکر شده از سر شعور دینی و سیاسی از او می‌شنیدیم. ما به حزب الهی متفکر و خلاق نیاز داریم. حزب الهی عوام و

مصرف‌کننده نمی‌توانند کاری کنند.

در دوره‌ای که بسیاری از بزرگ‌نماها شک کردند و برگشتند و گفتند نکند خون‌هایی که ریخت و شعارهایی که داده شد دروغ بود! اما طالب‌زاده بیشتر ایمن آورد. او به تنهایی پشت خاکریز می‌جنگید حتی اگر دیگران خاکریز را ترک می‌کردند. او یک چریک رسانه‌ای عرصه بین‌الملل بود و در جهت جهانی کردن انقلاب در پوست خود نگنجید. آن هم در زمانی که بسیاری این انقلاب کبیر را می‌خواهند به صغیر تبدیل کنند و آن را به دیپلماسی بفروشند.

در دوره‌ای که بسیاری با رسانه کار می‌کنند اما نمی‌دانند رسانه چیست، او کار کرد. او جرأت خط‌شکنی داشت. خیلی‌ها در کنار محاسبات انقلاب یک پرونده شخصی برای منافع شخصی خود دارند اما او خط‌شکن بود. او در زمانی که که خیلی‌ها آرزو دارند به آن طرف خندق بروند، از آن طرف به این طرف آمد. در معرفی‌نامه جبهه، خیلی راست و حسینی گفته بود که آن طرف تحصیل کرده است و فردی که ثبت نام کرد از چهره و تیپ او ترسید و او در جای دیگر رفت و گفت بی‌سواد است تا توانست ورود کند... حسن رحیم‌پور ازغدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، مراسم تشیع شهید طالب زاده،

نادر طالب‌زاده مورد وثوق شهید آوینی بود

حاج نادر جزو کسانی است که باید می‌رفت (شهید می‌شد) و شاید یکی از دلایلی که ماند، شاگردان او و مسبب بودن خیریت است که او را ماندگار کرد. نادر چند نفری را سرپرستی کرد و آنها المنار را تشکیل دادند و حالا المنار جزو شبکه‌هایی است که از آن به عنوان منبع خبری نام برده می‌شود. بعد از مرتضی آوینی سینمای مستند یتیم شد. حاج نادر چند سالی سینمای مستند را کنار گذاشت و حالا دوباره شروع به کار کرد. امیدوارم روزی نیاید که ببینیم حاج نادر حالش خوب نیست و کار نمی‌کند. پس از اتفاقی که برای او در لبنان

رخ داد، همه دست به دعا شدیم و امیدوارم او سالیان سال برای بچه‌های بسیجی و سینمای دفاع مقدس ماندگار بماند.

سخن گفتن اینجا سخت است، من سالهاست شاگرد طالب‌زاده هستم و خدا را شکر؛ اما این بزرگداشت خیلی دیر برگزار شد؛ وقتی نادر در سارایوو می‌دوید یا در گراژده که تنها گروه در سارایوو بود. تمام آثارش را خودش فیلمبرداری می‌کرد، به جز کاری که من فیلمبردار بودم. نادر در مستند پایه گذار بود. بعد از آوینی سینمای مستند یتیم شد؛ چند سال هم نادر کار را کنار گذاشت، اما دوباره شروع کرد. آوینی مشورت‌ها را به نادر طالب‌زاده ارجاع می‌داد و ما کمتر این اتفاقات را شاهد بودیم، نادر شیوه خاصی در مستند دارد و مخاطب را درگیر می‌کند؛ ویژگی نادر اشراف به تکنیک فیلمسازی است، در سینمای مستند این نوع نگاه را نداریم، و آوینی او را به عنوان مستندساز قبول داشت. نادر طالب‌زاده مورد وثوق آوینی بود، نادر سوار بر مستند است و سوژه را عریان به مخاطب نشان می‌دهد؛ شاگردهای نادر تلویزیون المنار را تاسیس کردند و او هر جا که باشد منشا خیر است.

من سی و هشت سال است که شاگردی حاج نادر را انجام می‌دهم، ای کاش این مراسم پیش از این در موقعی که حاج نادر دوربین به دست در حال ساخت مستند بود، برگزار می‌شد. حاج نادر تمام فیلم‌هایی که ساخته را خودش فیلم برداری کرده، بجز یکی از آثارش که من فیلمبرداری کردم... رضا برجی عکاس خبری هشت سال دفاع مقدس، مستند ساز

الحق که تو نور شب نوردی بودی

آیینه بی‌غبار و گردی بودی

یک نادره مرد از تو این گونه سرود:

«نادر تو عجب نادره مردی بودی!»...

غلامرضا کافی



نادیون

ستار حجاج

سرمار مچاھد جیہد فی ہنسی انقلاب اسلامی
دیر وقتید ۳۵ فیلمی عمار

تراز رسانه امروز «نادر طالب‌زاده» است

من نادر را از ۲۵ سال پیش می‌شناسم. غالباً در حوزه‌های فرهنگی و مسائل فکری باهم در تعامل بودیم. نادر شخصیتی چندوجهی دارد. برخی در رسانه و برخی در حوزه مسائل هنری با ایشان ارتباط دارند. وجه دیگر شخصیت نادر علاقه، گرایش فکری و نظری و تئوریک او است. به همین جهت بیشترین تعاملی که من با نادر داشتم روی مسائل فکری و نظری است. به این موارد علاقه دارد و دیدگاه‌هایی برای خود دارد و ایده‌هایی را تولید می‌کند، در ذهن می‌پروراند و بعد از مدتی عملیاتی می‌کند. گاهی مواقع در قالب فیلم و مستند است و گاهی در قالب تئاتر تلویزیونی یا برنامه‌های گفت‌وگومحور است. در حوزه مسائل سینمایی، مستندسازی، رسانه ای و هم‌چنین در همایش‌هایی که در سطح گسترده ای و بین‌المللی برگزار می‌کرد، این وجه شخصیت نظری و تئوری را دارد. در بسیاری از حوزه‌ها خوش‌فکر است. رویکردهای مناسبی در مؤسسات سیاسی بین‌المللی دارد. در برخی حوزه‌های فلسفی حرف‌هایی برای گفتن دارد. برخی از گفت‌وگوها موضوعات مشترک من و نادر است و بیشتر مواقع حول محور موضوعات مشترک درگیر مباحثه بودیم. گاهی مواقع موضوعی وجود دارد که احساس می‌کنیم طرف مقابل باید در جریان باشد و مباحثه صورت گیرد. به شوخی به نادر طالب‌زاده می‌گویم در عصر و زمان ما واقعاً نادر هستید. معتقدم تراز رسانه امروز نادر طالب‌زاده است. به دانشجویان علوم ارتباطات، رسانه و هنر می‌گویم اگر شخصیت آینه‌ای ندارید نادر طالب‌زاده را مبنای تراز رسانه‌ای قرار دهید. در تراز رسانه‌ای ویژگی اصلی نادر این است که ۹۵ درصد کاری است که در ذهن پرورش می‌دهد و ۵ درصد کار عملیاتی و چیزی است که جلوی دوربین می‌بینید. ۹۵ درصد کار چیزی است که در پشت‌صحنه انجام می‌دهد و ۵ درصد کاری است که در قالب همایش بین‌المللی می‌بینید.

به عنوان مثال؟ مثلاً برنامه‌های گفت‌وگومحور این‌چنین است که مجری کارشناس یک‌سو قرار می‌گیرد و انتظار می‌رود تهیه‌کننده کارشناسی را بیاورد و سؤال‌های کلیشه‌ای پرسیده شود و ۴۵ دقیقه آنتن تلویزیون پر شود. نادر طالب‌زاده کسی را پیدا می‌کند که در کشورهای مختلف با آن‌ها تعاملاتی داشته و نظرات و دیدگاه‌های آن‌ها را مطالعه کرده است. بعد فرد را به ایران می‌آورد و برای زیارت به مشهد و قم می‌برد و در این مسیر با علما و اندیشمندان مختلفی ملاقات و گفت‌وگو دارند. در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی مختلف مباحثه برگزار می‌کند. عصاره یک جستجوی طولانی و یک همراهی گسترده و یک معرفی جامعه آن فرد را در برنامه ۵۰-۴۰ دقیقه تلویزیونی نشان می‌دهد. این ویژگی نادر است که یک بخش پژوهشگری، بخش اندیشه‌ورزی پشت فعالیت‌های هنری و هم‌چنین رسانهای و فکری او وجود دارد بخشی از آن عصاره را در قالب آثار رسانه‌ی و یا هنری او می‌بینیم. این ویژگی در کمتر کسی از عناصر رسانهای امروز دیده می‌شود. ازین‌رو آقای طالب‌زاده الگوی مناسبی برای جوانان علاقه‌مند به وادی رسانه، ارتباطات و هنر است. صید موضوعات درواقع صید ایده‌هایی است که در ذهن به آن‌ها پرداخته است. حاصل ۹۵-۹۰ درصد وقت و انرژی نادر در پیش‌تولید و مسائل نظری و عملی و عمومی در آن حیطه کار تخصصی است و درنهایت ۱۰-۵ درصد تلاش را در جلوی دوربین مشاهده می‌کنید.

در بخش‌های نظری و تئوریک، ایده‌هایی دارد که غالباً با یکدیگر مباحثه می‌کنیم. ذات بحث‌های طلبگی بالا رفتن صدا و کشمکش و دست‌به‌یقه شدن و دلخوری است. ویژگی نادر در مباحثات فکری و نظری این است که صبر بسیار بالایی دارد. ناراحت نمی‌شود، صدایش بالا نمی‌رود، خوش بحث است و در مواجهه با انسان ایده‌های خود را مطرح می‌کند. در اشاره به ایده‌ها بسیار صادقانه، عمیق عمل می‌کند. برخی اذعان دارند نادر طالب‌زاده را

بیرون مرزهای ایران می‌شناسند و باید در داخل ایران بیشتر شناخته شود. آقای طالب‌زاده از نظر این‌که همه‌جانبه‌نگر است کار مستندسازی، سینما، کارگردانی، رسانه عمومی، همایش‌های فکری و علمی انجام داده است. همه‌جانبه‌نگری نادر سبب شده است با نخبگان حوزه‌های مختلف در سراسر جهان ارتباط دارد و کسی را نمی‌شناسم که در این سطح وجه بین‌المللی داشته باشد. ممکن است سینماگری با سینماگران زیادی در دنیا ارتباط داشته باشد، کسی با رسانه‌ای یا با رسانه‌هایی در دنیا ارتباط داشته باشد، وجه فکری، فرهنگی و دانشگاهی کسی غالب است و با شخصیت‌های دانشگاهی و علمی ارتباط بسیاری دارد، کسی با علمای مختلف در جهان ارتباط دارد، کسانی هم هستند با انقلابیون و نیروهای متعرض در دنیا ارتباط دارند. نادر به خاطر ویژگی که دارد با همه طیف افرادی ارتباط دارد. کسانی که با او ارتباط و تعامل دارند غالباً یک وجه اصلاح‌گری دارند. یکی از حکما و مفسرین قرآن کریم اذعان داشت در تاریخ دانشمند و عالم زیاد داشتیم، فیلسوف و حکیم زیاد داشتیم، عارف زیاد داشتیم، مصلح اجتماعی کم داشتیم.

همیشه مصلح اجتماعی کم است. انبیاء هم عالماند، هم حکیمانند، هم دانشمندند. یک ویژگی انحصاری یعنی مصلح بودن هم دارند. ائمه اطهار (ع) نیز چنین هستند. آن‌ها هم دریای علم و حکمت هستند و یک ویژگی انحصاری دارند و آن مصلح بودن است.

مصلحین در حوزه‌های مختلف اعم از مصلحین اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، هنری و سیاسی وجود دارند. جمع کردن این مصلحین در جهان و صحبت کردن با آن‌ها کار سختی است. دانشگاهیان برای خود دردسر درست نمی‌کنند ولی مصلح اجتماعی این‌چنین است. مصلح اجتماعی کسی است که ورود و خروج او به کشور دیگر ممنوع می‌شود، مصلح اجتماعی کسی است که معترض است و می‌خواهد سیستم دنیا را تغییر دهد، حکومت‌ها و قواعد و شیوه‌هایی



را تغییر دهد، بنیان‌های یک مکتب را به چالش بکشد و یا امر دیگری را جایگزین آن کند.

ممکن است از فرهنگ‌ها، ملت‌ها، تیره‌های اعتقادی و مذهبی متفاوتی باشند و جمع کردن این‌ها کار آسانی نیست. اگر شما مثلاً به سلسله همایش‌های هالیوودیسیم یا سلسله همایش‌های افق نو نگاهی بیندازید می‌بینید چهره‌های اعتراضی و چهره‌های مصلح را دورهم جمع کرده است. در واقع حضور این همه دانشمند در حوزه‌های مختلف دلیل بر اعتبار بین‌المللی آقای طالب زاده است. کسی که می‌تواند مصلحین اجتماعی را در حوزه‌های مختلف در سراسر دنیا بشناسد و گرد هم بیاورد و به اندازه‌ای اعتبار داشته باشد که آن‌ها را فراخوان کند یک وجه بین‌المللی دارد. نادر به همان اندازه که با ایرانی راحت است با کسی که انگلیسی‌زبان یا کانادایی زبان یا آمریکایی زبان است راحت برخورد می‌کند. غالباً افرادی که درگیر مسائل فکری هستند با گروه خاصی راحت هستند ولی این افراد وقتی با نادر روبرو می‌شوند غالباً ارتباط دائمی شکل می‌گیرد و این پیوند ایجاد می‌شود و از بین نمی‌رود. این هنر نادر طالب‌زاده است که زود وصل می‌شود و دیر قطع می‌کند.

یکی از خصوصیت‌های عناصر و افرادی که در حوزه مسائل فکری و نظری کار می‌کنند این است که برخی مواقع جمع را ترک می‌کنند و از همه دور می‌شوند. برخی زایش فکری دارند. از جامعه جدا می‌شوند و این همیشه در جوامع هم مرسوم بود است ولی شما نادر را هیچ‌گاه منزوی نمی‌بینید، هیچ‌گاه دور از بقیه نمی‌بینید، هیچ‌گاه نمی‌بینید برای دیگران وقت نداشته باشد. از این رو طبیعی است که نادر در سطح نخبگان و مصلحین جهان بیش از داخل ایران شناخته شده باشد. دامنه‌ی تحرک و مانور در محیط فکری و فرهنگی ایران باهم وسعت و عظمتی که دارد برای کسی مثل نادر محدود است. از این جهت بین مصلحین جهان بسیار شناخته شده است. خیلی نکته

مهمی است که این اقلیت مصلح اجتماعی تعاملات و مناسبت‌هایی باهم دارند. نادر تراز رسانه، تراز دیپلماسی نخبگان در دیپلماسی نخبگی، در دیپلماسی مصلح اجتماعی است. کسی است که همه را به راحتی دورهم جمع می‌کند. به آثار رسانه هنری و اجتماعی نادر طالب‌زاده نگاه کنید که دغدغه او چیست. مسیح را با تلقی ظهور ایشان در زمان ظهور امام عصر (عج) می‌سازد. برنامه گفت‌وگو محور راز و عصر را می‌سازد که دغدغه آن همان است. همه این‌ها نشان می‌دهد انقلاب اسلامی به‌عنوان یک انفجار معرفتی در عصر تاریخ جاهلیت به‌خصوص مفهوم جاهلیت مدرن، انفجار عقلانیت در حالت بیگ‌بنگی است. انقلاب اسلامی ایران هم در شب ظلمانی جاهلیت مدرن یک انفجار عقلانیت بود که فعلاً مرحله انبساط آن را طی می‌کند. وقتی این مرحله توسعه یابد و به مرحله حرکت برسد حاصل و دامنه و وسعت این انفجار مشخص شود که چند دهه طول می‌کشد، بستر و زمینه انفجار اصلی که ظهور است خواهد شد. سطح دانشی که در زمان فرعون به کار گرفته میشد خیلی حیرت‌انگیز بود. این که ساحر بودند، در دوره فرعون منظور از ساحران، دانشمندانی بودند که جنس سحر آن‌ها از این منظر بود که اگر ۵۰ سال پیش به کسی می‌گفتید می‌توان ۱۰۰ جلد کتاب را در DVD ذخیره کرد و هر زمان آن را به صورت کاغذ پرینت کرد می‌گفتند جادو می‌کنید.

آنها در علم به حدی رسیده بودند که طغیان کردند و موسی باید عصای خود را تبدیل به مار کند تا بتواند سحر آن‌ها را از بین ببرد. در عصری که همه توانایی، تکنولوژی، عمرانی و همه گونه قدرت‌های مادی در اختیار فرعون بود، خود را خدای می‌دانست. موسی این اعتقاد را از بین برد.

عصر امروز، عصر امام خمینی عصری است که این انفجار نوری است که توسط شخص امام راحل مدیریت و رهبری شده و بسط این انقلاب به جهانی می‌رود که توانائی‌ها و تکنولوژی‌ها بشر را سحر و جادو کرده است. جاهلیت

مدرن به دوره‌های گفته می‌شود که تاریکی بر ساحت قدسی انسان سایه افکنده و بخشی از جهت کمیت‌گرایی، بخشی از جهت تکنیک و تکنولوژی و بخشی از جهت اصالت دادن به لذت‌های زودگذر است.

این عصر زمینه‌ساز عصر واقعی است که مفهوم امام عصر در این دوره برای ما رقم می‌خورد و درنوردیدن جاهلیت مدرن با بستری از انفجار نور و عقلانیت شکل می‌گیرد. تلقی نادر از انقلاب اسلامی این است. در مباحث نظری و تئوریک اعتقاد نادر این است و همواره درباره این موضوع بحث می‌کند که این عصر، عصری است که با امام راحل شروع می‌شود والان ادامه دارد و در آینده تا زمان ظهور استمرار خواهد داشت.

این عصر ویژگی‌ها و جوانبی دارد که سرگرم شدن به ساحت‌های تکنولوژی موجب غفلت از حقیقت است. فرورفتن بیش‌ازحد در ظلمت جاهلیت مدرن باعث شده است مدام در مسائل فکری و نظری خود، در برنامه‌های رسانه‌ای خود آن افق نور را ارائه می‌دهد. تلقی نادر از انقلاب اسلامی یک تلقی استدلالی این‌چنینی است. الان تلقی وجود دارد که انقلاب اسلامی در سال‌های ۵۴، ۵۵، ۵۶ و ۵۷ بود والان تمام شد. بعد از ۲۲ بهمن ۵۷ و پیروزی انقلاب، جمهوری اسلامی آمد و انقلاب تمام شده است.

کسانی که در مبارزه انقلاب در کنار امام بودند انقلاب را تمام‌شده فرض می‌کنند و معتقدند که از وقتی جمهوری اسلامی به وجود آمد انقلاب تمام شد. اگر شما از انقلاب بگوئید به ماقبل جمهوری اسلامی برگشتید. از دید آن‌ها انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی دو تا واژه در امتداد هم هستند. از دید نادر طالب‌زاده انقلاب اسلامی یک کلهکشان است که جمهوری اسلامی جزئی از درون یک منظومه است. از دید نادر طالب‌زاده انقلاب اسلامی یک دالان به سمت آینده است... آن آینده "موسوم به ظهور" است و جمهوری اسلامی یک جزئی از این دالان است. همواره بر این تأکید دارد که این عصر

باید سکوی پرتاب و زمینه جهش به سمت آن حرکت آرمانی باشد و این بسیار با تلقی انقلابیون عصر حاضر متفاوت است... استاد دکتر حسن عباسی، پژوهشگر فلسفه غرب، کارشناس رسانه _ باشگاه خبرنگاران پویا

سواد رسانه‌ای ما را نسبت به تولیدات غرب بالا برد

رفتار غرب به خصوص آمریکایی‌ها با ما این گونه است که روایت غیررسمی و نگاه ساختگی و جعلی را به گوش ما می‌رسانند و خبر اصلی را به مخاطب خودشان می‌گویند. بی‌بی‌سی انگلیسی یک خبر را راجع به یک موضوع، متفاوت از بی‌بی‌سی فارسی به مخاطب خود می‌دهد. نادر (طالب‌زاده) روایت غیر رسمی برای مخاطب غربی فراهم کرد، اما جعل نکرد؛ او می‌توانست در جامعه غربی اثرگذاری داشته باشد. طالب‌زاده می‌گفت «درست است فاصله تکنولوژیک داریم، اما قدرت پیام می‌تواند این فاصله را جبران کند. غربی‌ها که علیه سانسور شعار می‌دهند اما دست به سانسور شده‌اند. سر راه مردم فیلتر گذاشته اند. حاج نادر این چیزها را برملا کرد. مدیون او هستیم چون سواد رسانه‌ای ما را نسبت به تولیدات غرب بالا برد. او می‌گفت: «باید به آمریکا خبرنگار بفرستیم. از آژانس‌هایی که انگ حکومتی ندارند باید بفرستیم. این کلاه را سر ما گذاشته اند که رسانه‌های آنجا حکومتی نیستند.» طالب‌زاده شاگرد پروری نمی‌کرد و استاد پروری می‌کرد، کسانی را تربیت کرد که استاد مستندسازی جریان مقاومت هستند. برای دشمن شناسی نباید راه دور برویم، دشمنی که غربی‌ها به حاج نادر می‌ورزند علامت است»

حاج نادر معتقد بود باید که به آمریکا خبرنگار اعزام کنیم تا واقعیت‌های این کشور را بازگو کنند. واقعیت‌هایی که سردمداران امریکایی از افشای آن هراس دارند. حاج نادر از لحاظ اخلاقی نیز الگویی برای ما به شمار می‌رفت و با وجود شخصیت برجسته‌ای که داشت؛ بسیار مهربان و متواضع بود. مرحوم

حاج نادر بدون جعل؛ روایتی غیررسمی برای جامعه غربی و آمریکایی فراهم کرد و این همان واقعیتی است که آنها در میان خودشان نیز کتمان می‌کردند. در واقع و به عبارتی؛ قرائت آن جامعه را از زبان اندیشمندان و دانشمندان شان برجسته کرد. طالب زاده می‌گفت درست است که ما یک فاصله تکنولوژیک با غرب داریم. اما چیزی که ما داریم و آن طرف خریدار دارد و اگرما بتوانیم خوب عرضه کنیم فاصله تکنولوژیکی ما را می‌تواند جبران کند، قدرت پیام است. صفار هرندی،: عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام _ ایرنا

محبوب دل مؤمنان و مغضوب کافران

ظهور پدیده‌هایی چون حاج نادر طالب‌زاده از نفحات انقلاب است، همانگونه که چمران و آوینی و حججی بودند. اینها نفحاتی است که باید خود را در مقابل آن قرار دهیم. امروز بیش از حسرت رفتنش، باید خوشحال زایش و رویش مکتب انقلاب باشیم و امروز باید بیشتر از این مکتب بگوییم. در تاریخ ما کم نیستند انسان‌هایی که دچار انحطاط شدند. طالب‌زاده در مقابل جریان ریزش‌ها قرار دارد. همه بهانه‌هایی که می‌توانست دستاویزی برای انحراف او از ولایت قرار گیرد وجود داشت از زندگی پرزرق و برق تمدن غرب تا دل‌زدگی و دلگیری از اردوگاه مومنین، همه اینها بود اما هیچ کدام او را از صراط مستقیم دور نکرد. رفتن او داغ بر همه ما گذاشت اما مکتب او همچنان زنده و پویاست. او هرچقدر هم شیرین باشد اما میوه‌ای از درخت تناور انقلاب است و همه شکوه و خیر و برکتی که در نادر طالب‌زاده بود برآمده از مکتبی است که در روزگار مدرنیته شخصیت‌های مثل او و آوینی را به بار آورد. او همیشه به سوی این مکتب نشانه گرفته بود. او مصداق انسان‌هایی است که در مسیر ولایت قرار می‌گیرند.

طالب‌زاده از یک سو به مودت با مومنان و غیظ با دشمنان دعوت می‌کرد

و از سوی دیگر محبوب دل مؤمنان و مغضوب کافران بود. راه او همچون همسنگران از تجدد و تحجر غرب عبور می‌کند. او مظهر نوآوری و روشنگری و نگاه به آینده و از طرفی درگیر مقابله با تجدد کور غرب بود. امروز با یک شخص رو به رو نیستیم با یک شاخص رو به رو هستیم. شاگردان و دوستان او نخواهند گذاشت مکتب چمران ساز، آوینی ساز سلیمانی ساز و نادرساز به افول دچار شود. امروز همه کسانی که فراغ برایشان سخت است و همه آن‌ها که رفتن و عروج او برایشان خوشحال کننده است، به همه می‌گوییم مکتب طالب‌زاده زنده است. امروز با تو هم صحبت می‌کنیم حاج نادر عزیز که صدای ما را می‌شنوی و همه ما را می‌بینی. خوش به سعادت تو که برگزیده مکتب ولایت و هدایت شدی. حاج نادر عزیز امروز همه جوش و خروش‌های تو به آرامش تبدیل شد اما مسیر پرجوش و خروش تو ادامه دارد. اگر روزی برای گردآوری مهمانان کنفرانس افق نو خون دل خوردی و از بی مهری‌ها نالیدی و از این سازمان به آن سازمان رفتی و بین دو لبه بی‌مهران داخلی و دشمنان خارجی که مهمانانت را تحریم کردند تحمل کردی اما امروز دیگر نگران نیستی. چند روز پیش وقتی به عیادت آمدم امیدوار بودیم دوباره خداوند تو را برگرداند، امیدوار بودیم در روز قدس کنارمان باشی اما خداوند این‌طور خواست...

حاج نادر در طول عمر پربار خود، همواره چون سربازی فداکار، در صحنه فرهنگ و هنر حاضر بود و با آثار درخشان فرهنگی هویت مدار در عرصه رسانه و در تکاپوی بی‌وقفه فکری، در راه تبیین اندیشه اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی گام برداشت. او همواره در آثار مستند و برنامه‌های تلویزیونی، در برابر تفکرات صهیونیستی و استکباری دست به افشاکاری زد و تفکر عدالت طلبانه و ظلم ستیزانه انقلاب اسلامی را ترویج کرد. او با برگزاری سلسله همایش‌های افق نو و شناسایی و تجمیع اندیشمندان غیر ایرانی و غیر مسلمان

ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی، نقشی بزرگ در شکل گیری جبهه جهانی نخبگان عدالت خواه و ضد ظلم ایفا کرد و اینچنین شد که هدف مستقیم کینه و عصبانیت آمریکای قرار گرفت و به جرم تلاش برای برگزاری همایش های افق نو در لیست تحریم های ظالمانه آمریکا قرار گرفت. وی به عنوان نظریه پرداز متعهد و در جایگاه بنیان جشنواره فیلم عمار، سعی خود را به کار بست و... پیمان جبلی، رئیس سازمان صدا و سیما

انسانیت و معنویت

در مورد حاج نادر ابعاد مختلفی را می توانیم مطرح کنیم، ابعاد ظاهری ایشان برای همگان مبرهن و مشخص است اما از بُعدی صحبت می کنم که شاید دیگران کمتر مطلع هستند و آن نیز بُعد انسانی، عرفانی، معنوی و اخلاقی نادر طالب زاده است. حاج نادر قبل از اینکه یک فعال رسانه ای و دغدغه دار انقلابی باشد و هم و غم این انقلاب را داشته باشد، یک شخصیت معنوی بود. این مبلغ اسلامی با اشاره به آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» گفت: سه ویژگی مهم آسمانی مؤمنان در قرآن و در این آیه بحث ایمان، هجرت و جهاد در زندگی است که دقیقاً در شخصیت حاج نادر دیده می شد؛ ایمان حاج نادر از کفر به طاغوت، ماده، غرب و باطل شروع شد و چون در آن فضا بزرگ شده بود، ابتدا به این مسائل کافر شد و سپس در بُعد هجرت و با اراده ای راسخ و در سنین جوانی تصمیم گرفت زرق و برق دنیای خود را ترک کرده و به کاروان نور ملحق شود. وی با اشاره به فرموده رهبری در مورد جهاد تبیین، مسئله بعدی را هجرت و جهاد بیان کرد و گفت: خیلی از افراد در ابتدای زندگی ایمان و تقوا داشتند اما در انتها از باب نقطه ضعف یا مشکلی ساقط شدند اما حاج نادر مصداق واقعی استقامت بود. از ابعاد انسانی حاج نادر سخن بسیار است اما یکی از مواردی که رخ داد این بود که در اواخر

عمر خانه‌ای در قم اجاره کرده بود، تا متوجه شد یکی از بندگان خدا نیاز به خانه دارد، یکی از طبقات آن خانه را به او داد تا چند سال در آن سکونت داشته باشد بدون هیچ چشم‌داشتی، این اتفاق در سکوت کامل و بدون تبلیغ انجام گرفت که یکی از وجوه شخصیتی او بود که مغفول واقع شد. ایشان در سفری که به واتیکان داشت، سفری که شاید برای همه جذاب است اما او بدون توجه به زیبایی‌های شهر رم، به زیارت قبر یکی از حواریون حضرت عیسی می‌رود چرا که برای ایشان ظواهر هیچ معنایی نداشت و به معنای واقعی انسانی معنوی بود. انسانیت یکی از بارزترین ویژگی‌های شخصیتی نادر طالب‌زاده بود که این جنبه از شخصیت او مغفول واقع شد. سهیل اسعد، مراسم بزرگداشت مرحوم نادر طالب‌زاده با عنوان «بشارت فتح» خبرنگار مهر

ناگفته‌هایی از زندگی نادر طالب‌زاده

نادر طالب‌زاده، پسر تیمسار منصور اردوبادی از فرماندهان ارتش شاهنشاهی بوده است. با این حال روایت شاه‌حسینی قدری متفاوت بود چرا که از سکوت نادر طالب‌زاده (اردوبادی) در قبال مصادره خانه و باغ پدری در سال ۱۳۶۸ با حکم ستاد اجرایی فرمان امام گفت حال آن که خود مرحوم در مصاحبه با حسین دهباشی گفته بود «دلیلی برای این کار نبوده، چون پدرش خانه نشین شده بود. پدر نادر به خاطر همکاری با کودتای نافرجام «قرنی» و مشارکت نکردن در سرکوب عشایر کهگیلویه و بویر احمد خانه نشین شد. میهمان برنامه «جهان آرا» به خاطر همین ویژگی‌ها نادر طالب‌زاده را که در ۱۶ سالگی به آمریکا رفت و در پی پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ زندگی و امکان پیشرفت مادی در آمریکا را رها کرد و به ایران بازگشت شبیه دو شخصیت «مصعب» و «سلمان فارسی» در تاریخ صدر اسلام دانست و او را همچون «مصعب» شایسته لقب «اشراف زاده قهرمان». هر چند که در ادامه بیشتر با

«حاج قاسم سلیمانی» در یک سطح دانست و گفت: «نقش حاج نادر در جبهه فرهنگی و رسانه‌ای مثل نقش حاج قاسم در جبهه نظامی و مقاومت است. میهمان «جهان آرا» مرگ برادر نادر طالب‌زاده در آمریکا را هم مشکوک و عوامل اف بی آی را متهم دانست حال آن که خود او گفته بود درگذشت برادرش، ناصر که کلینیک درمانی در آمریکا داشت طبیعی بوده است.

از نکات قابل توجه این برنامه این سخن هم بود که سال ۱۳۵۸ به عنوان خبرنگار شبکه سی‌بی‌اس آمریکا فعالیت می‌کرده و قرار بوده گزارشی درباره اشغال سفارت تهیه کند، اما پس از آن ترجیح می‌دهد با صدا و سیما همکاری کند و مأموریت به عکس می‌شود در حمایت از تصرف سفارت و علیه آمریکا. در نیمه دوم دهه ۷۰ به خاطر توقف تربیت نیروهای مورد نظر پس از تغییرات وزارت ارشاد و در دهه ۹۰ مخالفت دولت روحانی با کنفرانس «افق نو» با او همکاری نشد و مجری برنامه - امیر حسین ثابتی - هم جملاتی را به نقل از مرحوم طالب زاده خواند که رئیس جمهوری (روحانی) و وزیر خارجه (ظریف) مانع برگزاری کنفرانس افق نو شده‌اند.

طالب‌زاده از مخالفت‌ها نمی‌رنجید و تنها بر این نکته تأکید می‌کرد که مقامات دستگاه دیپلماسی نباید خود را مسؤول پاسخ دادن در قبال سخنان رسانه‌ای‌ها بدانند و هر یک باید کار خود را انجام دهیم. سفر کرده به آمریکا در نوجوانی با پیروزی انقلاب به ایران بازگشت در حالی که آرزوی پدر برای تحصیل در رشته پزشکی و علاقه اول خود - ادبیات - را محقق ن ساخت و دانش‌آموخته رشته سینما در دانشگاه کلمبیا شد.

او فیلم «بشارت منجی» را کارگردانی کرد تا از زبان مسیحیان بگوید ظهور پیامبر اسلام در انجیلی متفاوت با انجیل آنان نوید داده شده است. میهمان برنامه توضیح داد رهبران مسیحی پس از تماشای فیلم گفتند اگرچه این روایت را قبول نداریم، اما از احترام فیلم به عیسی مسیح سپاس‌گزاریم. فیلمی که



پایان آن به زبان انگلیسی هم روایت مسیحان دربارهٔ مصلوب شدن عیسی را بازگفته و هم باور مسلمانان بر اساس آیهٔ قرآن را؛ این که عیسی به صلیب کشیده نشده بلکه به معراج رفته است. (مسیحیان معتقدند پس از سه روز به آسمان عروج کرده است). نوباوه فاش کرد این گونه پایان بندی توصیهٔ سیدحسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان بوده است.

مهم‌ترین چهره‌های تاریخ معاصر انقلاب اسلامی که در این برنامه نادر طالب‌زاده به آن‌ها تشبیه شد سید مرتضی آوینی و حاج قاسم سلیمانی بودند و از این رو قابل پیش بینی است در برنامه‌های صدا و سیما دربارهٔ او توصیفات بر اساس این تشبیهات را نیز بشنویم. به گفتهٔ میهمان برنامهٔ «جهان آرا» همسر طالب‌زاده، لبنانی است (خانم زینب مهنا) و پس از اعمال تحریم‌ها مشکلات فراوانی برای او ایجاد شده است.

نباید این گرامیداشت‌ها فقط به برگزاری یک یا چند مراسم ختم شود، زنده یاد طالب زاده مستقیم با تفکر صیهونیسم مبارزه می‌کرد، پرچمی که وی بر علیه مبارزه با استعمار و صیهونیسم در دست داشت نباید زمین بماند. از دست دادن چنین شخصیتی خیلی سخت است. متأسفانه یکی از مشکلاتی که داریم این است که درصد تربیت نیرو برای جبهه فرهنگی و هنری انقلاب نبوده‌ایم. متأسفانه افراد برای این جبهه تخصصی تربیت نشده‌اند یا به لحاظ فکری و اندیشه‌ای خوب پرورش پیدا نکرده‌اند. ما برای جبهه فرهنگی و هنری انقلاب باید فردی را پرورش بدهیم و تربیت کنیم که هم متخصص باشد و هم به لحاظ اعتقاد و باور مرد عمل باشد. فقدان هنرمندان و عالمان متعهد جهادی در عرصه هنر واقعاً خالی است.

تا مدت‌ها هم جای خالی مرحوم طالب‌زاده و امثال او پر نخواهد شد. زنده‌یاد نادر طالب‌زاده مرد میدان فرهنگ بود، تکلیفش با خودش، نظامش، افکار، اندیشه و اعتقاداتش معلوم بود، متأسفانه ما در جامعه هنری خودمان

آدم‌های بلاتکلیف زیاد داریم. زنده یاد طالب زاده آدم نان به نرخ روز خور و منفعت طلبی نبود، در واقع حزب باد هم نبود که هرکجا به نفعش باشد به آن سمت پرچمش بچرخد. زنده‌یاد طالب‌زاده در یک مسیر حرکت می‌کرد و تکلیفش با خودش، باورهایش، افکارش به روشنی مشخص بود. در این زمینه هم با دشمنان خارجی و هم متأسفانه با دشمنان داخلی مواجه هستیم و نیاز است از تأکیدات مقام معظم رهبری در خصوص توجه به مقوله فرهنگ در کشور غفلت نکنیم، چرا که صدمات بزرگی از ناحیه فرهنگ دیده ایم. وظیفه ما اگر انقلابی، پیرو ولایت فقیه و سرباز رهبر هستیم در این زمینه سخت و دشوار است و نباید غفلت کنیم باید طرح‌ها و ایده‌های فرهنگی و انقلابی خود را را پیاده کنیم و منحصه ظهور برسانیم و جهادگران در این زمینه تلاش کنیم...مجید شاه حسینی

مردی صادق و بی کینه

زمستان هنوز تمام نشده بود که زنگ زد، با صدای خسته و مریض گفت: فقط می‌خواستم حالت را بپرسم، سابقه نداشت همینطوری زنگ بزند، شرمنده شدم، مدتی در بیمارستان بستری بود و من برای احوالپرسی از او کوتاهی کرده بودم. خیلی حرف زد، بابت رفتاری که با جشنواره جهانی شده بود اظهار تاسف می‌کرد و از شرایط فرهنگی و اوضاع مدیریتی کشور گله‌مند بود و البته مثل همیشه حرف‌هایش را با امید و ایمان به آینده‌ای زیبا تمام کرد. حالا که دیگر نیست خیلی‌ها خیلی چیزها درباره‌اش می‌گویند، خوب و بد، درست و غلط، موافق و مخالف، و رد کینه‌های کهنه در این هیاهوی به‌راه افتاده پررنگ است، برای مردی که مثل همه ما بی‌عیب نبود ولی صادق بود و بی کینه، و قصه پرفراز و نشیب زندگی‌اش مثل خودش نادر بود...

رضا میرکریمی، کارگردان سینما

عین تهدیدشناسی، فرصت‌ها را می‌شناخت

نادر طالب زاده در عین تهدیدشناسی، فرصت محور بود و در هر صحنه مشترکات را بدون اینکه از مرزبندی‌ها غفلت کند، پیدا می‌کرد. طالب زاده یک پدیده بود و باید نگاه پدیدار شناسانه به این شخصیت داشت. در سیره معصومین داریم که فرد می‌تواند با حب الهی مسیر را طی کند. این پرسش مطرح می‌شود که با شخصیت‌هایی همچون مرحوم طالب زاده، شهید آوینی و امثالهم می‌توانیم این سیر را طی کنیم که باید گفت این شخصیت‌ها به دلیل اینکه با تفکر و حیانی رشد و فعالیت‌های آنها بر پایه این تفکر بوده، می‌توان این سیر را طی کرد. در دنیای تفکر معمول است که نمادها حاوی فرهنگ است به همین سبب ادعای ما این است که مرحوم طالب زاده خود یک نماد است. این پرسش مطرح است که آیا انقلاب اسلامی یک بستر تاریخی است که شخصیت‌های نهفته در خود بوجود بیاورد یا همچون انقلاب‌های دیگر مانند انقلاب الجزایر و مصر، این رویکرد را ندارد، باید در پاسخ این سوال گفت ماهیت انقلاب اسلامی تربیت و عرضه شخصیت‌های نهفته و برجسته همچون قاسم سلیمانی‌ها و نادر طالب زاده‌ها است که هر روز بر جمعیت این شخصیت‌ها اضافه می‌شود. در معارف اسلامی داریم که حضور اسلام باید منجر به تکامل انسان شود، به همین جهت انقلاب اسلامی فرزندان در خود دارد که هر روز متولد می‌شوند، فرزندان که سیر تکامل معنوی و انسانی خود را طی و تبدیل به انسان کامل می‌شوند. فرزندان انقلاب اسلامی با هویت خاص که ابعاد مختلف انقلاب را که در خود ظهور می‌کنند، آشکار می‌کنند چه آنها که در تاریخ دیروز ما هستند همچون شهید قاسم سلیمانی، شهید آوینی یا مرحوم نادر طالب زاده که نماد گفتمان امروزی انقلاب اسلامی است. مرحوم نادر طالب زاده به خوبی متوجه شد که

انقلاب اسلامی ایران در وهله اول جایگاه جهانی دارد و در وهله بعد متوجه شد که این انقلاب جوابگوی تقاضای فرهیختگان امروزی است.

تاکیدی که رهبر معظم انقلاب به آینده انقلاب دارد شرط درک این جمله سلوک است، رهبری فرمودند: جفا به ملت ایران و مردم ایران است که عنوان شود این انقلاب به بن بست رسیده است. دلیل صحبت رهبری درباره آینده انقلاب این است که انقلاب اسلامی ایران در یک حیات توحیدی حاضر شده است.

مرحوم نادر طالب زاده پدیده خاصی است که باید نسبت به وی بسیار اندیشید تا در آینده انقلاب اسلامی که تنها با سلوک خاص محقق می‌شود، حاضر گشت. اکسیری که آوینی را شهید آوینی و نادر طالب زاده را ژنرال جنگ نرم و چمران را شهید چمران کرد، همه و همه حضور در تاریخی بود که با حضرت امام (ره) به ظهور آمد و همچنان ادامه دارد.

حضور تاریخی یعنی اگزیستانسیالیست امروز شماست، یعنی نجات از همه پوچی‌ها و نهیلیستی‌ها که جهان را فرا گرفته‌اند. نادر طالب زاده حضور جهانی انقلاب را می‌فهمید و مخاطبانش در جهان زندگی می‌کردند، مخاطبانی که در دهکده ای به نام اصفهان و ایران زندگی می‌کردند، بلکه در سرتاسر جهان حضور داشتند.

آوینی فهمید که با روشنفکران مذهبی و غیر مذهبی بدون امام امکان حیات ایران که شأن آن است، وجود ندارد به همین خاطر آوینی به اندیشه‌ها و مکتب امام مسلط بود و به دنبال اشاعه آن در قالب هنر بود.

خطراتی همچون سروش‌ها و ملکیان ما را تهدید می‌کند چرا که این افراد حرف دارند ولی نه در افقی که امام (ره) جلوی ما گذاشتند و باید گفت شهید آوینی و طالب زاده افق‌های روشنی هستند که امام راحل جلوی ما گذاشته‌اند. مرحوم طالب زاده کنفرانس جهانی با افق جهانی را پایه گذاری کرد، کنفرانسی که به افشای سیاست‌های آمریکایی می‌پرداخت و این سلسله

کنفرانس‌ها که طی چند سال توسط نادر طالب زاده برگزار شد به دنبال این بود که همه بفهمند انقلاب اسلامی ایران جایگاه جهانی دارد و جوابگوی تمام فرهیختگان جهان امروز است. نادر طالب زاده می‌دانست فرصت‌هایی در غرب وجود دارد و این از ویژگی‌های است که قابل مورد توجه قرار گرفتن برای نسل جوان انقلابی است. باید بدانیم طالب زاده در عین تهدیدشناسی، فرصت محور بود و در هر صحنه مشترک‌ها را بدون اینکه از مرزبندی‌ها غفلت کند، پیدا می‌کرد... اصغر ظاهر زاده در مراسم یادبود نادر طالب زاده _ یکشنبه ۱۱/ اردیبهشت/۱۴۰۱ به گزارش خبرنگار ایمن، کتابخانه مرکزی

طالب زاده را نوگرای انقلاب می‌دانم

برای شناساندن افکار و شخصیت و آثار حاج نادر به اقشار مختلف مردم، همه دستگاه‌ها باید تلاش کنند. حاج نادر در کنفرانس افق نو که در دنیا بی نظیر است با چشم انداز بلند انقلابی برای دستیابی به اهداف بزرگ ایران و انقلاب اسلامی و فلسطین تلاش کرد و با ارتباط موثر با اندیشمندان آمریکایی توانست از داخل دستگاه حاکمه آمریکا افرادی را شناسایی نماید که به شکست آمریکا اذعان می‌کردند و می‌کنند. من با مرحوم طالب زاده از سالیانی دور آشنا بودم و تفکرات او و شهید آوینی را خوب می‌شناختم. همین روحیه انقلابی وی سبب شد تا جمعی از نخبگان را در رسانه هدایت و رهبری کند. وی افراد خوش فکر را شناسایی و انتخاب و به آن برای نشر باورهای شان در رسانه کمک می‌کرد. نوگرا به این دلیل که انقلاب اسلامی در عصر حاضر نوگرا بود و نادر هم نوگرای واقعی بود که کوشید و توانست؛ اهمیت رسانه را ترسیم کند و بحث رسانه را در تراز بالاتری قرار داد. نگاه طالب زاده به جوانان هنرمند در جشنواره فیلم عمار، نشان از توجه ویژه او به استعدادهای ناشناخته داشت. او با راه اندازی جشنواره عمار فضا را برای بروز و ظهور جوانان خوش

فکر و انقلابی فراهم کرد و امروز ثمراتش را می‌بینیم. ما باید تلاش کنیم راه طالب زاده را با همان افق جدید و دیدگاه‌های تازه ادامه دهیم.

درگذشتِ نادر طالب‌زاده برای شناخت بیشتر و بهتر نسبت به او باید همه دست‌اندرکاران امر، تلاش کنند مکتب نادر طالب‌زاده را برای اقشار مختلف نگه دارند تا ابعاد مختلف زندگی شخصی و کاری او بر همگان آشکار شود. کنفرانس جهانی «افق نو» که برای اولین بار در ایران برگزار شد و شاید در دنیا هم کم‌نظیر باشد که طی آن مرحوم طالب‌زاده با چشم‌انداز بلند انقلابی و اسلامی به کنکاش در مورد مسائل مختلف بین‌المللی از جمله جبهه فرهنگی انقلاب، مسائل انقلاب اسلامی، مسائل فلسطین و مسائل ظلم و جور که معمولاً استکبار علیه کشورهای ضعیف انجام می‌دهد، مبادرت می‌کرد.

این مسئله بسیار مهم بود که مرحوم نادر طالب‌زاده از داخل دستگاه حاکمه این کشورها مثل آمریکا و انگلیس با افراد مختلفی ارتباط برقرار می‌کرد که شاید باورنکردنی باشد که ژنرال ارتش آمریکا را در برنامه بیاورید و خودش تجاوز آمریکا به عراق و افغانستان را نقد کند. افرادی بودند که وقتی به ایران آمدند دیگر امکان بازگشت آنها نبود و یا ممنوع‌التصویر و ممنوع‌المصاحبه شدند. من نظیر مرحوم طالب‌زاده را ندیده‌ام. من با ایشان از دوران جنگ آشنا بودم، وی از نزدیکان مرتضی آوینی بود و با تفکرات او خیلی نزدیک بود و همین روحیه‌اش باعث شده بود تا جمعی از نخبگان کشور را در امر رسانه، افرادی که خوش‌فکرند، هدایت و رهبری می‌کرد.

امثال مرحوم نادر طالب‌زاده کسانی‌اند که نوگرایی‌شان می‌تواند درسی برای جامعه رسانه‌ای کشور باشد که از قالب‌های سنتی بیرون بیایند و نگاه بایسته‌ای را به ارزش‌ها و عظمت انقلاب اسلامی و ارزش‌های انسانی داشته باشند. از این جهت من نادر طالب‌زاده را نوگرایی انقلابی می‌دانم. چون انقلاب ما در عصر حاضر یک نوگرایی بود و نادر یک نوگرایی واقعی در درون

نوگرایی بود که بحث رسانه را در تراز بالایی، پایه گذاری کرد. نادر به عنوان یک انقلابی نوگرا در امر رسانه کاملاً جایگاه دارد.

مرحوم طالبزاده در امر هنر نیز فعالیت می‌کرد، خودش کارگردان بزرگی بود در مورد حضرت عیسی مسیح کار زیبایی انجام داد، یکی از بنیان‌گذاران جشنواره عمار بود که به کشف استعدادهای تازه و جوان مبادرت می‌کرد و این کار بسیار موفق بود و نشان‌دهنده این بود که مرحوم نادر طالبزاده فردی نوگرا است و به تربیت نسل جدید اهتمام خیلی زیادی دارد و این از جایگاه بسیار بالایی در انقلاب اسلامی و جامعه رسانه‌ای برخوردار است و این امتیاز مخصوص نادر طالبزاده است. او درباره صراحت طالبزاده در ساخت برنامه و سریال‌سازی مثل «بشارت منجی» که سیر استکبارستیزی و اسرائیل‌ستیزی در آن مشهود است، به تقارن زمان درگذشت او با روز قدس اشاره کرد و گفت: خداوند واقعاً یک عنایت خاصی به نادر داشت. چرا که او سال‌ها عمرش را وقف استکبارستیزی و صهیونیسم‌ستیزی کرد و این ستیز او ناشی از اطلاعات بسیار وسیع‌اش بود. شاید کمتر مسیحی پیدا کنید که همه چهار، پنج قرائت کتاب مسیحی‌ها را خوانده باشد اما نادر کسی بود که همه کتب مسیحی‌ها را به خوبی مطالعه کرده بود.

مسیحی‌ها به این تفکر احترام می‌گذاشتند. چون رفتارشان آگاهانه بود؛ فیلم «بشارت منجی» با اینکه با قرائت برخی از مسیحی‌ها فرق داشت اما هیچ‌کس از نادر ایراد نگرفت، چون می‌دانستند او همیشه آگاهانه رفتار می‌کند و با اطلاعات کامل و جامع وارد مسائل می‌شود.

او در خصوص این موضوع که نادر طالبزاده همیشه به سریال‌سازها و سبک سریال‌سازی‌شان گلیه داشت که چرا در تراز بین‌المللی و نگاه جهانی، ساخته نمی‌شوند و این انتظار را از تلویزیون داشت به خبرنگار تسنیم گفت: اساساً هر سریال‌سازی یک سبکی دارد و با میزان اطلاعاتش کار می‌کند. نادر فراتر از

این‌ها بود و بسیاری از فیلمسازان داخل کشور فاقد این اطلاعات و تجربیات‌اند. نادر خیلی جلوتر از دیگران بود؛ نادر یک سریال‌ساز و ایدئولوژیست و طراح واقعی رسانه‌ای بود که برای آینده می‌تواند مکتب باشد. وقتی آیندگان در مورد کار صحبت می‌کنند تراز و معیار را کارکردها و عملکردهای نادر قرار می‌دهند این نکته حائز اهمیت است. ما باید تلاش کنیم راه امثال مرحوم طالب‌زاده را با همان افق جدید و دیدگاه‌های تازه ادامه دهیم.

از ویژگی‌های مرحوم طالب‌زاده این بود که با طیف‌های مختلف مردم ارتباط نزدیکی را داشت. امیدوارم ضایعه عدم وجود ایشان را پیروان جبهه فرهنگی و نیروهای جدید که در تلاش بوده پرورش دهد، پر کنند.

از برنامه‌ها و تحرکات مختلف فرهنگی ایشان کاملاً می‌شود این مسئله را دریافت کرد. کنفرانس جهانی «افق نو» که برای اولین بار در ایران برگزار شد و شاید در دنیا هم کم‌نظیر باشد که طی آن مرحوم طالب‌زاده با چشم‌انداز بلند انقلابی و اسلامی به کنکاش در مورد مسائل مختلف بین‌المللی از جمله جبهه فرهنگی انقلاب، مسائل انقلاب اسلامی، مسائل فلسطین و مسائل ظلم و جوری که معمولاً استکبار علیه کشورهای ضعیف انجام می‌دهد، مبادرت می‌کرد. این مسئله بسیار مهم بود که مرحوم نادر طالب‌زاده از داخل دستگاه حاکمه این کشورها مثل آمریکا و انگلیس با افراد مختلفی ارتباط برقرار می‌کرد که شاید باورنکردنی باشد که ژنرال ارتش آمریکا را در برنامه بیاورید و خودش تجاوز آمریکا به عراق و افغانستان را نقد کند. افرادی بودند که وقتی به ایران آمدند دیگر امکان بازگشت آنها نبود و یا ممنوع‌التصویر و ممنوع‌المصاحبه شدند.

من نظیر مرحوم طالب‌زاده را ندیده‌ام. من با ایشان از دوران جنگ آشنا بودم، وی از نزدیکان مرتضی آوینی بود و با تفکرات او خیلی نزدیک بود و همین روحیه‌اش باعث شده بود تا جمعی از نخبگان کشور را در امر رسانه، افرادی

که خوش فکر هستند، هدایت و رهبری می‌کرد.

مرحوم نادر طالب‌زاده با تسلط زیادی که به مسائل سیاسی و زبان خارجه داشت و همچنین تحصیلاتی که داشت کاملاً در حوزه کاری‌اش مسلط بود و حتی می‌توانست خدمت‌های بزرگ‌تری را هم در کشور انجام دهد.

به نظر می‌رسد یک ترور بیولوژیک علیه مرحوم طالب‌زاده انجام شده بود و در طول چند ماه قلبش آن‌قدر ضعیف شد که حتی امکان حرکت را از او سلب کرد و پزشکان هم تشخیص نمی‌دادند چه بیماری گرفته است. امثال مرحوم نادر طالب‌زاده کسانی هستند که نوگرایی‌شان می‌تواند درسی برای جامعه رسانه‌ای کشور باشد که از قالب‌های سنتی بیرون بیایند و نگاه بایسته‌ای را به ارزش‌ها و عظمت انقلاب اسلامی و ارزش‌های انسانی داشته باشند.

مرحوم طالب‌زاده در امر هنر نیز فعالیت می‌کرد، خودش کارگردان بزرگی بود در مورد حضرت عیسی مسیح کار زیبایی انجام داد، یکی از بنیان‌گذاران جشنواره عمار بود که به کشف استعدادهای تازه و جوان‌ها مبادرت می‌کرد و این کار بسیار موفق بود و نشان‌دهنده این بود که مرحوم نادر طالب‌زاده فردی نوگرا است و به تربیت نسل جدید اهتمام خیلی زیادی دارد و این از جایگاه بسیار بالایی در انقلاب اسلامی و جامعه رسانه‌ای برخوردار است و این امتیاز مخصوص نادر طالب‌زاده است. ما باید تلاش کنیم راه امثال مرحوم طالب‌زاده را با همان افق جدید و دیدگاه‌های تازه ادامه دهیم.

مثل شهید زندگی کرد و شهادت را زیست...

گفتنی درباره آقای نادر زیاد است، اما آن چیزی که من باید بگویم این است که ما باید بدانیم در ازای کارهای او چه کنیم؟ فیلم ساز زیاد داریم اما فیلم سازی که بگریاند. نه اینکه روح تعهد را به غلیان بندازد. هنر و مستند ما روح آوینی و زبان نادر است. در زمانی که در مجلس شورای اسلامی بودم، با دست خالی برای گرفتن حداقل امکانات برای جشنواره عمار تمام تلاش‌های

خود را با همکاری حجت السلام پژمانفر انجام دادیم. ما باید هم افزایی داشته باشیم. نادر یکی از افرادی است که خدا به او لطف کرده است. امیدواریم ما هم در جهت نادر طالبزاده حرکت کنیم تا کاری مثبت در جامعه رقم زده باشیم. بیژن نوباوه نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی ترور بیولوژیک نادر طالبزاده بعید نیست

بزرگترین هنر نادر طالبزاده این بود که زندگی در غرب با تمام زرق و برقش را رها کرد و جذب انوار نورانی انقلاب اسلامی شد. او تمام عقبه زندگی خود در غرب را رها کرد، به ایران آمد و در سخت‌ترین عرصه‌های حضور پیدا کرد. از آنجایی هم که رشته تحصیلی او سینما بود، طبیعی بود بعد از عزیمت به ایران در همین عرصه مشغول شود. اولین کارهای ایشان هم مستندهایی بود که در جبهه و در ایام دفاع مقدس فیلمبرداری کرد.

فیلم «والعصر» بهترین گواه است که نشان می‌دهد نادر طالبزاده در چه صحنه‌های پرخطری حضور پیدا کرده و با دوربین ۳۵ میلیمتری اقدام به ضبط تصاویر کرده بود. بعد از پایان جنگ هم او در عرصه‌های مختلف فرهنگی ظاهر شد و به تعبیری هر آنجا که انقلاب اسلامی نیاز پیدا کرد، او حضور خود را نشان داد. نادر طالبزاده در این سال‌ها توانست با بسیاری از اندیشمندان غربی که به دنبال حقیقت بودند وارد گفتگو شود و آن‌ها را به سمت انقلاب اسلامی رهنمون شود. او می‌دانست یک حقیقت بزرگ در این انقلاب جلوه کرده و تلاش می‌کرد دیگران را با این حقیقت آشنا کند.

مشخصاً در یک دهه اخیر نادر طالبزاده از طریق رسانه ملی و برنامه «عصر» که خود اجرای آن را هم برعهده داشت، توانست بسیاری از اندیشمندان و متفکران و هنرمندان غربی را به میدان بیاورد و از زبان آن‌ها به تبیین حقیقت انقلاب اسلامی بپردازد. مرحوم طالبزاده از این منظر یکی از هنرمندان و فعالان رسانه‌ای منحصر به فرد دوران ما بود و به معنای واقعی کلمه وجودش

نادر بود. بعید می‌دانم به این راحتی بتوان جای او را پر کرد و به همین دلیل احتمال می‌رود دشمنانی که کینه انقلاب اسلامی را در سینه دارند، برای حذف او اقدام کرده باشند.

درباره این موضوع طبیعتاً به این راحتی نمی‌توان نظر دارد. نقلی که خود ایشان در تلویزیون داشت و در دیدارهای خصوصی هم مطرح می‌کرد بر این مسئله تأکید داشت که چنین اتفاقی رخ داده است اما اینکه واقعاً در ماجرای ربایش وسایل در سفر آیا توطئه‌ای در جریان بوده و منجر به آسیب به سلامتی ایشان شده است، امری پزشکی است که ما به راحتی نمی‌توانیم درباره آن اظهارنظر کنیم. در مجموع اما نمونه‌ها و موارد بسیاری از دست را پیش‌تر شاهد بوده‌ایم. یاسر عرفات کسی بود که از طریق ترور بیولوژیک حذف شد و بعدها همین سرویس‌های اطلاعاتی موساد به آن اذعان کرد. به همین دلیل اصلاً بعید نیست چنین اتفاقی درباره مرحوم طالب‌زاده هم رخ داده باشد چه اینکه او همواره در معرض هجمه‌ها و تهمت‌ها از سوی جریان‌های نفوذی داخلی هم قرار داشت و همه این‌ها می‌تواند به یک فرد آسیب برساند.

زنده‌یاد طالب‌زاده مصداق کسی است که وقتی پا از منزل بیرون می‌گذاشت در راه خدا حرکت می‌کرد و از آنجا که در این مسیر هم جان عزیز خود را از دست داد، بعید نیست بتوان جایگاه «شهید» هم برای او در نظر گرفت. من از سال ۶۴ با او آشنا شدم و از همان زمان هم علاقه‌ای بر مبنای دغدغه‌های مشترک در میان ما شکل گرفت. همواره این ارتباط را با یکدیگر حفظ کردیم و در مقطعی هم که بنده مسئولیت سازمان سینمایی را برعهده داشتم، همایش «افق نو» را راه‌اندازی کردیم و مدیریت آن را برعهده نادر طالب‌زاده گذاشتیم. او هم این بار سنگین و خطرناک را بر دوش گرفت و فکر می‌کنم یکی از پروژه‌هایی بود که او دوست داشت با حجم و ثمره بیشتر

ادامه پیدا کند اما در دولت قبل گرفتار تعطیلی شد! این رویداد در دولت جدید و برای سال‌های آینده باید احیا شود.

حتی برنامه «عصر» او در تلویزیون هم به راحتی به تولید نمی‌رسید. خاطریم هست زمانی برایم می‌گفت برای هر قسمت این برنامه مشقات بسیاری را متحمل می‌شود. بالاخره بخشی از مهمانان او در این برنامه خارجی بودند و برخی نسبت به این مهمانان خارجی دچار کج‌فهمی‌هایی بودند. کمااینکه در نمونه اخیر درباره کاترین شکدم شاهد این مسئله بودیم. به نظر می‌رسد دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی ما در این زمینه‌ها باید بیشتر هوشیار باشند و اینگونه نباشد که اگر خطایی هم رخ داد، بخواهند بار آن را بر دوش یک سردار جبهه فرهنگی انقلاب بیندازند. باید این موارد را به‌عنوان ضعف سیستم خود بپذیرند. شخصاً درباره مورد کاترین شکدم اطلاع دارم که زنده‌یاد طالب‌زاده و دوستان‌شان پیش‌تر هشدارهای لازم را درباره او داده و گفته بودند که او فرد قابل اعتمادی نیست اما به هشدارهای آن‌ها توجهی نشد و مجموعه‌های دیگر به او میدان دادند. نهایتاً اما زمانی که او خودش اعلام کرد من آن کسی نیستم که در ایران شناخته شده‌ام و مشخص شد با دستگاه‌های اطلاعاتی خارج از کشور ارتباطاتی دارد، متأسفانه هجمه و بار آن را به دوش آقای طالب‌زاده انداختند که این کار به ناحق صورت گرفت چراکه ایشان و تیم همراه‌شان پیش‌تر درباره او هشدار داده بودند.

امید داریم پرچم این هنرمند عزیز بر زمین نماند و یاران، هم‌سنگران و به خصوص نسل جوانی که از شاگردان او بودند، راه او را در مسیر تبیین هر چه بهتر و بیشتر انقلاب اسلامی با زبان فرهنگ و هنر ادامه دهند و این پرچم را برافراشته نگه دارند...

بزرگ‌ترین هنر نادر طالب‌زاده این بود که زندگی در غرب با تمام زرق و برقش را رها کرد و جذب انوار نورانی انقلاب اسلامی شد. او تمام عقبه زندگی

خود در غرب را رها کرد، به ایران آمد و در سخت‌ترین عرصه‌های حضور پیدا کرد. از آنجایی هم که رشته تحصیلی او سینما بود، طبیعی بود بعد از عزیمت به ایران در همین عرصه مشغول شود... اولین کارهای ایشان هم مستندهایی بود که در جبهه و در ایام دفاع مقدس فیلمبرداری کرد. مشخصاً در یک دهه اخیر نادر طالب‌زاده از طریق رسانه ملی و برنامه «عصر» که خود اجرای آن را هم برعهده داشت، توانست بسیاری از اندیشمندان و متفکران و هنرمندان غربی را به میدان بیاورد و از زبان آن‌ها به تبیین حقیقت انقلاب اسلامی بپردازد. مرحوم طالب‌زاده از این منظر یکی از هنرمندان و فعالان رسانه‌ای منحصر به فرد دوران ما بود و به معنای واقعی کلمه وجودش نادر بود. بعید می‌دانم به این راحتی بتوان جای او را پر کرد و... جواد شمقدری کارگردان سینما و تلویزیون و معاون اسبق سینمایی در گفتگو با خبرنگار مهر

نادر طالب‌زاده نخواست «مدیر» باشد

ابوالقاسم طالبی درباره شائبه ترور بیولوژیک هنرمندانی همچون زنده‌یاد نادر طالب‌زاده و چالش‌های موجود در زمینه اثبات این ترورها سخن گفت و تأکید کرد که نباید در ترور بودن این‌ها تردید کنیم. نادر این اواخر به این نتیجه رسیده بود که باید خودش تبدیل به یک رسانه شود. کما اینکه واقعاً یک رسانه شده بود. هم او به خوبی شناخت پیدا کرده بود و هم دنیای غیر او را شناخته بود. نادر طالب‌زاده یک «رسانه» بود. زمانی شاید به رسانه‌های دیگر احتیاج داشت اما بعد از تولید و اجرای برنامه «عصر» خودش تبدیل به یک رسانه شد. یادگارهای بسیاری از نادر طالب‌زاده باقی مانده است. خودش زمانی به من می‌گفت حدود ۲۰۰ ساعت فیلم ضبط‌شده است جبهه‌های جنگ دارد که هنوز نگاتیو است و تبدیل نشده است. او کارهای بسیاری کرد که نتایج آن همچنان باقی مانده است. مورد هجوم‌های سنگینی هم

قرار داشت. ناگهان هزاران کامنت علیه او از ریاض منتشر می‌شود که مدعی می‌شوند نادر با مردم نبود! بالاخره همه این موارد را دیده و همچنان هم می‌بینیم. با وجود این موارد نادر هنوز نمرده است و او هنوز هست. نادر خودش علاقه‌ای به این سمت‌ها نداشت. نادر در عرصه رسانه و فعالیت‌های رسانه‌ای قوی‌تر از یک «مدیر» عمل می‌کرد و این واقعیتی بود که خودش هم به آن رسیده بود. به همین دلیل هم خودش انتخاب کرد که مدیریت را نپذیرد. نادر هر جایی احساس خلا می‌کرد، آنجا حاضر می‌شد و عرصه مدیریت هم هیچ‌گاه خالی نیست! در زمینه مدیریت همیشه ما شاهد صف مدعیان هستیم و همه می‌خواهند مدیر شوند. اما نادر طالب‌زاده در جاهایی حاضر بود که حالا که رفته است متوجه خواهیم شد که خالی خواهد ماند. من معتقدم که نادر طالب‌زاده یک «شهید» است، هم به دلیل مسیری که انتخاب کرده بود و هم به دلیل اینکه مقابل کسانی ایستاده بود که از هیچ فرصتی برای زدن او دریغ نمی‌کردند. اختلاف همواره وجود دارد و حتی در یک خانواده هم می‌توان شاهد اختلافاتی بود. موقعی ممکن است شما در خانواده با پدر یا برادران هم قهر کنید اما این دلیل نمی‌شود که پدری و برادری آن‌ها را منکر شوید. اختلاف سلیقه همواره وجود دارد اما این به معنای اختلافات مبنایی نیست. همه ما درباره مبانی انقلاب اسلامی و مرجعیت تفکر حضرت امام (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار این انقلاب و نظریه ولایت فقیه ایشان که مشکلی با هم نداریم. آن‌هایی که با این مبانی دچار اختلاف می‌شوند را باید جزو «ریش‌ها» به حساب بیاورید.

واقعیت این است که در جبهه انقلاب هیچ خبری نیست. خود من ۳۴ سال است ساکن اکباتان هستم و نتوانسته‌ام خانه‌ام را جابه‌جا کنم. عده‌ای فکر می‌کنند در این جبهه بخوربخور است، به میدان می‌آیند و وقتی می‌بینند خبری نیست، تازه به آن سوی دیگر می‌روند و تازه می‌فهمند که آنجا چه

خبر استوی افزود: این یک نفر با ریش و ظاهر انقلابی به صحنه می‌آید و دو فیلم انقلابی هم می‌سازد اما بعد می‌بیند در این جبهه خبری نیست و می‌رود داستان‌ش متفاوت است. کما اینکه برخلاف آنچه می‌گویند این‌ها مدام دارند می‌خورند، واقعیت این است که در جبهه انقلاب هیچ خبری نیست. خود من ۳۴ سال است ساکن اکباتان هستم و نتوانسته‌ام خانه‌ام را جابه‌جا کنم. عده‌ای فکر می‌کنند در این جبهه بخوربخور است، به میدان می‌آیند و وقتی می‌بینند خبری نیست، تازه به آن سوی دیگر می‌روند و تازه می‌فهمند که آنجا چه خبر است؛ جایزه خارج از کشور دارند، دلار دارند، بنیاد فارابی به سفر می‌برده‌شان، مهمان توها می‌شوند، همه خبرها آنجاست!

شما تصور کن یک فیلم بسازی که ۱۰ هزار دلار جایزه از یک جشنواره بگیرد، این مبلغ به ریال چقدر می‌شود؟ بعد رایت همان فیلم را چندین شبکه خارجی می‌خرند و هر کدام آن‌ها هم ۱۰ هزار دلار می‌دهند. این پول‌ها چه می‌شود؟ چنین فیلمسازی می‌گوید من چرا وارد جبهه انقلاب شوم و هرکس دلش خواست هر لیچاری بار من کند. آن طرف همه راحتند و هر کس هر کاری دلش بخواهد می‌کند! انقلاب اسلامی یک سری فیلمساز دارد که این‌ها «جوشش» انقلاب محسوب می‌شوند. برخی از همین‌ها هم در میانه راه می‌برند و از جوشش می‌افتند اما برخی همچنان مسیر را ادامه می‌دهند تا به مرحله پرواز برسند، مانند حاج نادر طالب‌زاده. این ماجرا در همه صنفی هم وجود دارد از روحانی تا مسئول و هیچکس نمی‌تواند تضمین بدهد که همواره در حال جوشش است. برای انقلاب کار کردن یک توفیق است که گاهی از فرد سلب می‌شود، دلیل آن هم هر چیزی می‌تواند باشد، از نان حرام گرفته تا بلای اولاد و خیلی بلایای دیگر.

انقلاب اسلامی یک موضع حق است که ایستادن بر سر آن تبعات و هزینه‌های دارد. هزینه‌های آن هم یکی دو تا نیست. هژمونی غرب و هژمونی لیبرالیسم

علیه تو می‌شوند. لیبرالیسم در حال حاضر در ایران یک هژمونی پیدا کرده است، بالاخره هشت سال ریاست جمهوری را در دست داشتند. زمانی حضرت امام (ره) در نامه برکنار منتظری این نکته را متذکر شدند که چون می‌خواهید کشور با به لیبرال‌ها و از طریق آنها به منافقین بدهید، صلاحیت رهبری را ندارید. حالا امام کجاست که ببند، لیبرال‌ها در این مملکت رئیس جمهور هم شدند! به مردم هم دروغ گفتند. اعلام کردند همه مشکل ما این است که با غرب دست نداده‌ایم و اگر این سید دست از لجبازی بردارد، ما حرف زدن با غرب را بلد هستیم! مردم هم باور کردند و به آن‌ها رأی دادند و آن‌ها رفتند با غرب دست دادند و به اندازه کل ۴۰ سال انقلاب به آن‌ها خندیدند، هیچ اتفاقی هم نیفتد!

واقعاً ایستادن پای موضع انقلاب، در این دنیا برای شما آورده‌ای نخواهد داشت. من از ۱۷ سالگی پای این انقلاب بوده‌ام و همچنان هم ایستاده‌ام، اما این ایستادگی غیر از آنکه بین خودت و خدای خودت شاید چیزی عایدت کند، هیچ عایدی ندارد. شرط همان هم این است که همین حرف‌هایی که من الان دارم می‌زنم هم از سر اخلاص باشد، نه اینکه بخواهم منم منم کنم. خدا خیلی سخت می‌پذیرد و شرط پذیرشش هم اخلاص است. برخی هم می‌گویند اگر این راه اینقدر سخت است، بگذارید برویم آن سوی دیگر که راحت بتوانیم زندگی کنیم. واقعیت این است که ترور بیولوژیک یک ترور خاموش است و ویژگی آن این است که قابل اثبات نیست. نادر طالب‌زاده فردی بود که به شدت سلامت زندگی می‌کرد. با قد ۱۸۶ یک فرد بسیار قوی بنیه بود که ناگهان فروپاشید. نمی‌شود که فردی به صورت ناگهانی، اینگونه فروپاشد. نادر اگر اینگونه هدف قرار نمی‌گرفت به راحتی تا ۹۰ سال دیگر عمر می‌کرد. آن‌ها که به ترور بیولوژیک معتقد نیستند را هم کاری نمی‌توان کرد. این‌ها شاید در وجود خدا هم شک کنند!



گویی به همه چیز شک دارند غیر از آنچه خودشان به آن باور دارند.

با این وجود ابزارهای علمی در برابر این پدیده تسلیم شده‌اند، کما اینکه علم در برابر پدیده‌ای علمی مانند کرونا، تسلیم شده و نمی‌تواند به سوال‌ها جواب بدهد. هنوز که هنوز است، نمی‌دانند ماهیت این ویروس چه بوده است. برخی می‌گویند همین ویروس هم محصول یکی از فعالیت‌های بیولوژیکی آمریکا بوده است که از آزمایشگاه به بیرون درز کرده است، برخی دیگر هم آن را تکذیب می‌کنند می‌گویند کار چینی‌ها بوده است. اما در اینکه این پدیده وجود دارد و اینگونه جهان را درنوردیده است که نمی‌توانیم تردید کنیم. زنده‌یاد سلحشور تنها فیلمسازی بود که سریال‌ها و آثارش بسیاری از کشورها را درنوردیده بود. تمام کشورهای عربی را تسخیر کرده بود. طبیعتاً ایشان هم به مراسم‌های مختلف در کشورهای دیگر دعوت می‌شد و بدون هیچ ملاحظه‌ای به این مراسم‌ها می‌رفت، آن‌ها هم کارشان را بلد بودند. سوال من این است اگر شما به جای صهیونیست‌ها بودید و هنرمند موثری وجود داشت که اینگونه شما را هدف قرار داده بود، اگر آن هنرمند در دسترس شما قرار می‌گرفت، با او چه می‌کردید؟

ما درباره رژیم صحت می‌کنیم که سیدعباس موسوی را که با خانواده عازم مسافرت بود را با موشک هدف قرار داد و کل خانواده‌اش را سوزاند. چنین رژیمی چرا نباید یک هنرمند را ترور کند؟ قطعاً این کار را می‌کند و ابایی هم از اعلام آن ندارد. این‌ها از آنجایی که می‌دانند ترور هنرمند هزینه دارد، سراغ ترورهای خاموش می‌روند و معمولاً هم آن را اعلام نمی‌کنند، اما سال‌ها بعد احتمالاً اسناد آن هم درخواهد آمد. مطمئن باشید همان زمان هم باز عده‌ای هستند که در این مسئله تشکیک کنند! این‌ها همان دنباله‌های تقی‌زاده هستند که همواره در تاریخ بوده‌اند و بازهم خواهند بود... ابوالقاسم طالبی در برنامه تلویزیونی روایت جالبی تعریف کرد؛ از وقتی که رهبر معظم انقلاب

فرزندشان را مامور می‌کنند تا خانه مصادره‌ای پدر نادر طالب زاده را به او پس بدهند... ابوالقاسم طالبی کارگردان سینما و تلویزیون، خبرنگار مهر

شاخص نادر طالب زاده فعالیت قرارگاهی در جبهه فرهنگی انقلاب بود

جبهه فکری و فرهنگی انقلاب را جدی نگرفتیم زیرا به یکدیگر حسادت داریم ولی حاج نادر طالب زاده همیشه در جبهه‌های فکری و فرهنگی دست می‌گرفت بخصوص جوانان را کمک می‌کرد تا در این زمینه رشد کنند و امثال طالب زاده‌ها کم نیستند بنابراین باید با شناسایی هنرمندان انقلابی و مردمی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی را تقویت کرد.

ستاد نادر طالب زاده در دوره دوم جشنواره عمار به عنوان دبیر علمی و بنده به عنوان دبیر اجرایی حضور داشتم و در آن زمان جشنواره عمار هنوز رشد نکرده بود و آثاری که ارسال کرده بودند کمتر ۵۰۰ آثار بود و در آن زمان شاهد بودم که استاد نادر طالب زاده بسیار به نوجوانان و جوانان اهمیت ویژه می‌دادند و امروز همان جوانان مستند ساز شده‌اند.

نادر طالب زاده مانند شهدا زندگی ساده ای داشت و فعالیتش در جبهه‌های فرهنگی قرارگاهی بود که هنرمندان و جوانان را با انقلاب اسلامی پیوند می‌داد. خیلی از کسانی که مسئول می‌شوند با هر گرایش سیاسی درب اتاق‌هایشان بسته است و در فضای توجه و اهمیت به جوانان نیستند و این اتفاق را به وضوح در جامعه می‌بینیم به بسیار آسیب می‌زند.

پیام‌های رهبر حکیم انقلاب اسلامی در یک جزوه ۶۰ صفحه‌ای با عنوان «قرارگاه فرهنگی» گردآوری شده که آغشته به درد و انقلابی‌گری است. پیشنهاد می‌کنم که این جزوه را مطالعه کنید نسخه‌ای است که برای همه تجویز می‌شود. انقلاب اسلامی هنر را مردمی کرد پس نباید بین مردم و هنرمندان انقلابی فاصله باشد که نادر طالب زاده با رویه شهیدوارانه، مردمی

و انقلابی این فاصله را کم کرد از این رو در دل مردم جای دارد... حسین قرایی، مدیرکل روابط عمومی صداوسیما _ به گزارش خبرنگار مهر

تمایز نادر طالب زاده با دیگر برنامه سازان

وی درباره وجوه تمایز نادر طالب زاده با دیگر برنامه سازان و فعالان رسانه‌ای هم گفت: یکی از این وجوه تمایز همین فهم رسانه‌ای بود که به آن اشاره کردم و دیگری شجاعت و صراحت او بود. نادر طالب زاده زمانی که به درستی یک مطلب می‌رسید و احساس می‌کرد باید آن را بیان کند، خیلی صریح آن را مطرح می‌کرد و به اصطلاح در این موارد تعارف نداشت. وجه تمایز دیگر او دغدغه‌مندی‌اش بود. او به معنای واقعی کلمه قائل به این بود که باید حرف انقلاب اسلامی را صریح و بلند اعلام کرد. از آنجایی که او این ویژگی‌ها و دغدغه‌ها را داشت، همین امر باعث می‌شد که خروجی کارش هم خروجی متفاوتی نسبت به افراد دیگر باشد. واقعاً دغدغه‌ای در این زمینه نداشت و به جز دوره کوتاهی که مدیرکل تأمین برنامه خارجی سیما بود، در باقی موارد همواره دوست داشت با مخاطب حرف بزند و گفتگو کند. علاقه‌مند به تبیین موضوعات برای مخاطبان بود و به همین دلیل همواره پیش از آنکه به دنبال گرفتن مسئولیت اجرایی باشد، بیشتر به فکر برنامه‌سازی بود. چه در دوره‌ای که بیشتر مستندسازی می‌کرد و آثار ماندگاری همچون «خنجر و شقایق» و «عصر انتظار» را تولید کرد چه بعدها که در حوزه برنامه‌سازی برنامه‌های چون «راز» و «عصر» را به آنتن رساند.

نهضتی که نادر طالب زاده در زمینه تربیت نسلی از مستندسازان به راه انداخت را هم نباید فراموش کرد که برخی از آن‌ها امروز به قله رسیده‌اند کارهای تأثیرگذار و ارزشمندی را به ثمر می‌رسانند. نادر طالب زاده در عرصه آموزش هم همین نگاه را دنبال می‌کرد که همواره می‌خواست برای مردم و از مردم

صحبت کند. در همه این سال‌ها پیشنهادهایی برای ورود به عرصه مدیریت داشت اما به جز حضور در شوراهای مشورتی که بیشتر جنبه فرآوری و تکمیل فرآیندهای دیگر را داشت، هیچ‌گاه مسئولیت اجرایی برعهده نگرفت.

در این زمینه هم بچه‌های بسیاری در کنار ایشان کار یاد گرفتند و بعدها به صورت مستقیم وارد عرصه برنامه‌سازی شدند. خیلی از دوستانی که بعدها وارد عرصه برنامه‌سازی شدند، همواره با ایشان در ارتباط بودند و از مشورت‌ها و راهنمایی‌های او بهره می‌گرفتند. در مقام قیاس طبیعتاً در این جریان در فضای مستندسازی گسترده‌تر بود چرا که اساساً ایشان فعالیت را از حوزه مستندسازی آغاز کرده بود و قائل به این بود که بسیاری از مسائل را می‌توان از طریق ساخت آثار مستند حل کرد. به همین دلیل همواره «مستندسازی» در گوشه ذهن او وجود داشت.

غفوری در پایان گفت: زمانی که بحث راه‌اندازی شبکه مستند مطرح شد، تأکید نادر طالب‌زاده بر این بود که ما خیلی از مسائل را از طریق ساخت مستند می‌توانیم رفع بکنیم. بعدها هم که بنده مدیر شبکه شدم، همواره در این زمینه به من تأکید داشت که اگر ما مستندهای صریح و موشکفانه داشته باشیم، بسیاری از مشکلاتمان حل خواهد شد. توجه به شبکه مستند هم ریشه در همین مسئله داشت که قرار بود این شبکه تبدیل به آینه جامعه شود. اگر بخواهم درباره حاج نادر در یک جمله بگویم او در هر زمانی پیش‌تاز عرصه رسانه بود. با فهم درست از نیاز آن مقطع، وارد فضای رسانه می‌شد. وقتی به زمان جنگ او نگاه کنیم ساخت مستندهای دوران دفاع مقدس را با شکل و شمایلی درست پیش می‌برد. اگر به روایت مظلومیت مردم بوسنی رسید که در مقطع خودش بهترین کار بود، «خنجر و شقایق» را ساخت. کارهای مختلفی که در حوزه مقاومت در دستور کار قرار داد مثل مجموعه «عصر انتظار» و مجموعه «نسل فراموش شده» که راجع به

اردوگاه‌های فلسطینی‌ها بود جزو کارهایی است که هنوز هم ماندگارند و درباره‌شان می‌توان ساعت‌ها صحبت کرد.

در عرصه تولید برنامه‌های تلویزیونی به جمع‌بندی رسید که باید خیلی صریح‌تر رسانه جریان مستقل ضد غربی باشد؛ افراد مستقلی که به رسانه‌های جریان حاکم، اعتماد ندارند و به آن نقد دارند. نسبت به آن چیزی که در غرب می‌گذرد انتقادات جدی دارند، باید برای این‌ها فضا و بستری را به وجود بیاورد و در آن فضا و بستر بتوانند حرف خودشان را بزنند. شاید مهم‌ترین برنامه‌ای که در این زمینه تولید کردند مجموعه «عصر» بود که در شبکه افق تولید شد. چهره‌های مختلفی را از اروپا و آمریکا آوردند و بعد از آن کنفرانس افق نو را برگزار کردند و باز بستری بود برای حضور این افراد؛ یعنی جریان مستقل غربی ضد غربی. جریان مستقلی در غرب زیسته بودند و فضای غرب را کاملاً درک کرده بودند اما به سیاست‌های سلطه نقد جدی داشتند. به هر حال جریان جدیدی را راه‌اندازی کرده بودند. قبل از «عصر»، برنامه خاطرانگیز و با قدمتی به نام «راز» را روی آنتن داشت که یک مقدار متفاوت بود. «راز» بحث جدی‌اش خصوصاً در فصل اول معرفی چهره‌های رسانه‌ای و چهره‌های فرهنگی جبهه انقلاب بود. او تلاش کرد چهره‌های گمنامی که سال‌ها در این عرصه فعالیت داشتند را به جامعه معرفی کند.

مهم‌ترین نکته‌ای که طالب‌زاده در عرصه برنامه‌سازی داشت فهم کامل نسبت به موضوعی بود که در دستور کار خودش قرار می‌داد. بنابراین دست روی نقاطی می‌گذاشتند شاید برای خیلی از افراد، این نقاط مکشوف نبود و پنهان مانده است. نقاط پنهان را می‌آوردند و روی آن ذره‌بین می‌گذاشتند و آن نقاط پنهان را برجسته می‌کردند. در تلاش بودند خودشان را تسلیم جریان غالب رسانه‌ای نکنند؛ واقعاً اگر در یک موضوعی به چیزی می‌رسیدند و می‌آمدند خیلی آن را شجاعانه و با صراحت بیان می‌کردند.

در واقع وجوه تمایز او صراحت، فهم درست موضوع و تلاش برای کشف حقیقت بود. شما در مجموعه «خنجر و شقایق» این تفاوت و وجوه تمایز را می‌بینید. این فقط یک مستند جنگی صرف نیست و گزارش از نبرد جنگ در بوسنی نبود. «خنجر و شقایق» در پی کشف حقیقتی بود که در ظاهر و پوسته جنگ جریان داشت و این «خنجر و شقایق» را به عنوان اثری متفاوت خلق کرد. او همیشه مهمتین دغدغه‌اش این بود آن چیزی که به عنوان صهیونیست جهانی شناخته می‌شود را معرفی کند. این خط را او در برنامه «راز» دنبال کرد و در کارهای دیگر او می‌توان به وضوح مشاهده‌اش کرد. در سریال «بشارت منجی» هم این نگاه دیده می‌شود. به هر حال آن چیزی که به عنوان صهیونیست شناخته می‌شود ریشه تاریخی دارد. ریشه تاریخی‌اش در ظلمی است که بخشی از متنفعین یهودی و کاهنان یهودی بر حضرت مسیح روا داشتند، او می‌خواست این را مطرح و معرفی کند. بحث آن سریال هم نشأت گرفته و ریشه در نوع نگاه طالب‌زاده به رسواسازی پروژه صهیونیست و شناخت ریشه‌های تاریخی‌اش داشت. به همین خاطر کاملاً در آن سریال، شاهد نگاه آخرالزمانی هستیم.

طالب‌زاده در دوران جنگ برای مستندسازی دفاع مقدس از هیچ تلاشی دریغ نکرد و در طول ۳۰ سال دیگر، عمرش را صرف مبارزه با صهیونیست کرد. نکته مهمی است که او در روز منتسب به مبارزه با صهیونیست و حمایت از مردم فلسطین، این دنیا را ترک کرد. به نظرم بزرگترین پیام فوت ایشان در روز قدس این است نادر طالب‌زاده قهرمان مبارزه با صهیونیست و اسرائیل بود. به نظرم این نکته نباید در هیچ مطلبی از طالب‌زاده، مغفول بماند. یا ماجرای تحریم او از سوی آمریکایی‌ها که بابت برپایی افق نو اتفاق افتاد. چرا که افق نو در پی افشای ماهیت صهیونیست جهانی بود و آنها متوجه شدند او خلاف جریان رسانه‌ای مسلط بر جهان عمل می‌کند.

او بزرگترین آرزوی طالب‌زاده را از بین رفتن رژیم صهیونیستی دانست و گفت: بزرگترین آرزویش این بود روزی را ببیند رژیم صهیونیستی در این دنیا نیست و رژیم صهیونیستی دچار زوال شده است. سال‌ها برای مسئله افشای ماهیت جریان صهیونیستی در دنیا تلاش کرد. شاید به حق باید بگوییم ایشان سردار رسانه‌ای مبارزه با صهیونیسم و سردار جبهه فرهنگی انقلاب بودند.

از این نکته غافل نشویم که او در طول این سه دهه برای پرورش نیرو در فضای هنر و رسانه از هیچ تلاش و کوششی دریغ نکرد. آموزش به بچه‌های رسانه‌ای خارج از کشور مثل دویستان لبنانی و افغانستانی تا داخل کشور که دوره‌های مختلفی برگزار کرد و ساعت‌ها کارشان را می‌دید و راهنمایی‌شان می‌کرد. برای رشد و آموزش بچه‌های رسانه‌ای جبهه انقلاب واقعاً وقت می‌گذاشت. شاید یکی از بزرگترین کارهای او نسلی باشند که امروز در این عرصه فعالیت چشمگیری دارند و شاگردانِ نادر طالب‌زاده‌اند.

طالب‌زاده همیشه به ما می‌گفت در برابر حق کوتاه نیایید حتی اگر به مذاق برخی خوش نیاید و صاحبِ شجاعت و صراحت بی‌بدیلی بود. یعنی اگر در موضوع FATF ورود می‌کرد تا مسائل مختلف غرب و جهان اسلام، فلسطین و یمن؛ هرجایی احساس می‌کرد که می‌توان مؤثر بود و حرف تازه‌ای زد ورود می‌کرد. حتی جایی دیدم در موضوع آب خوزستان و بازسازی خوزستان به ویژه خرمشهر و آبادان در نگاه اول خیلی این مسائل پراکنده است اما آنجایی که احساس می‌کرد دغدغه مردمی در پشت آن وجود دارد کوتاه نمی‌آمد...
سلیم غفوری مدیر شبکه افق

غرب‌شناسی از شاخصه‌های مهم مرحوم طالب‌زاده بود

نادر طالب‌زاده فردی نبود که از دور دستی بر آتش داشته باشد. طالب‌زاده یک مجاهد خستگی‌ناپذیر و دارای تفکر جهانی بود. جهاد یعنی تلاش

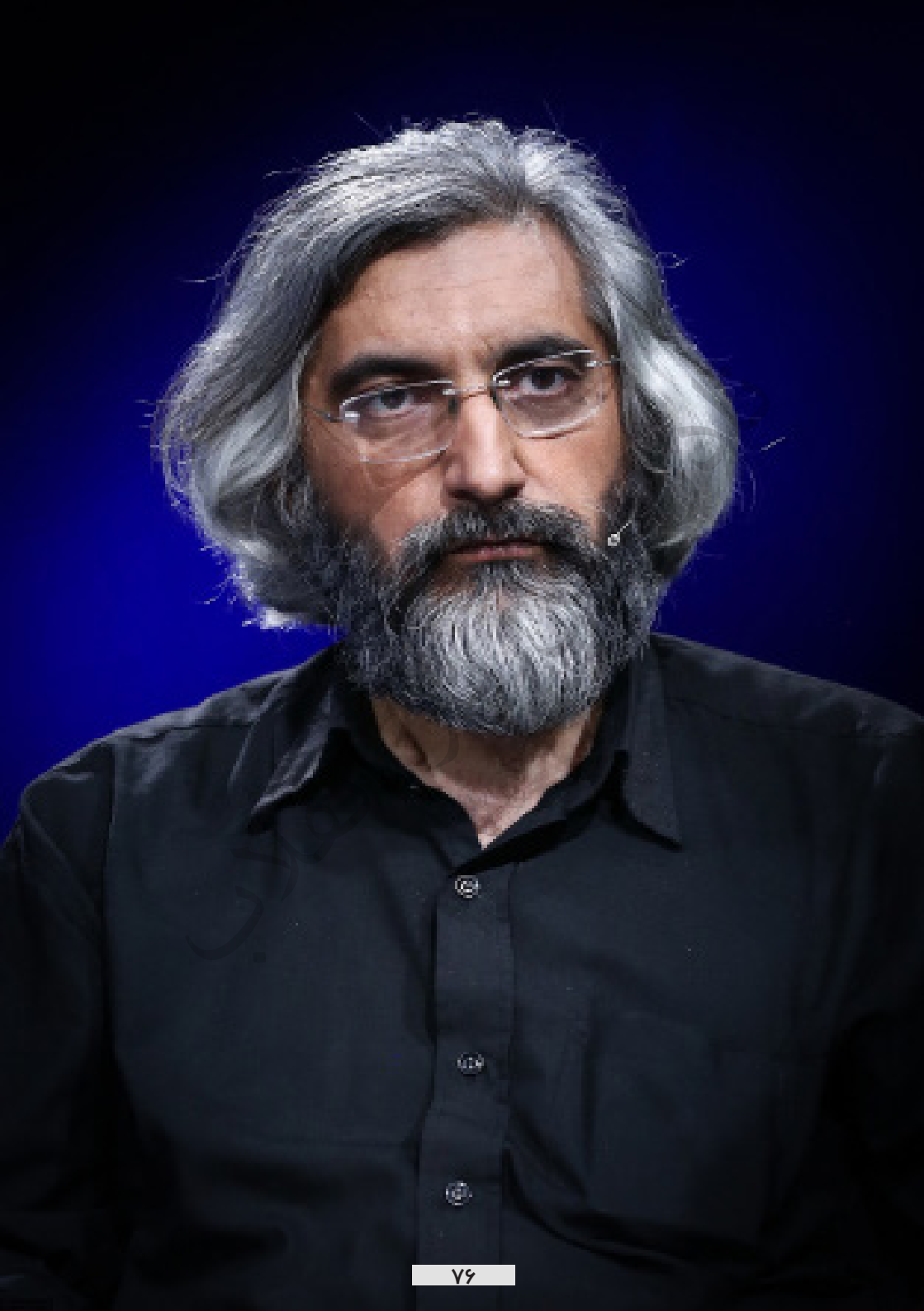
و کوشش در حالی که دشمن را مقابل خود می‌بینید و موانعی پیش روی شما قرار دارد و این توصیف مصداق طالب زاده است زیرا دشمن را به درستی می‌شناخت و با موانعی که در راه مبارزه وجود داشت کاملاً آشنا بود. طالب زاده خستگی را در خاک مدفون کرد و درخت استقامت را در جغرافیای جبهه مقاومت بارور کرد. نادر در بسیاری از حوزه‌ها از جمله هنر و غرب‌شناسی نادر بود و اندیشه تحول خواه داشت و به وضع موجود راضی نبود. طالب زاده در حالی که در غرب مشغول تحصیل بود دغدغه تحول ایران زمین را داشت و از نظام شاهنشاهی رنج می‌برد، زمانی که صدای عزت بخش امام را شنید همچون تشنه‌ای به سمت ایران پرکشید تا در تحولات ایران سهیم باشد.

در اندیشه طالب زاده هنر یک ابزار و مقصد برای اهداف دنیایی نیست بلکه عطیه خداوندی است که بر دل انسان نازل شده تا هنرمند با بهره‌مندی از کشش هنر، دیگران را به کوششی دوباره برای گام نهادن در طریق نیک فرجامی کمک کند. وقتی در جنگ صفین یاران پیامبر (ص) در تشخیص جبهه حق دچار سرگردانی شدند، پیامبر فرمود ببینید عمار در کدام جبهه قرار دارد و او را ملاک حق دانست، در آسمان شبهه و اشکال عرصه هنر هم، طالب زاده عمار عرصه شد و پایه گذار جشنواره‌ای با همین نام شد تا مسیر درست را روشن کند، او بذر این نهال را کاشت و ما موظف به ادامه راهیم. نادر طالب زاده فردی نبود که از دور دستی بر آتش داشته باشد، اندیشه‌های غربی را کاملاً می‌شناخت و عالمانه و آگاهانه روشنگری می‌کرد به همین دلیل دنیای غرب از او وحشت داشت...

غلامرضا منتظری نماینده مردم گرگان و آق قلا در مجلس شورای اسلامی، به گزارش خبرنگار مهر

طالبزاده به شکوفایی انقلاب کمک می‌کرد

مرحوم طالبزاده به معنای واقعی کلمه مصداق آیه شریفه «آن الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی نور» بود، گفت: ایشان از ظلمات مدرنتینه به سمت ولایت خارج شد. تقوا و استقامت از ویژگی‌های بارز شخصیت او بود؛ ایشان از همه چیز در زندگی برخوردار بودند بدون هیچ کمبودی، با بهترین تحصیلات اما خلأ معنوی غرب بود که باعث شد به سمت انقلاب، وحی و ولایت بیاید. طالبزاده یک شهید، شاهد، گواه و حجت بر همه ما است، او دیگر شخصیت نیست بلکه یک شاخص است و باید از «مکتب حاج نادر» حرف زد، همان مکتبی که حاج قاسم‌ها و آوینی‌ها را پروراند و باید این مکتب را تکثیر کنیم. متجددین، طالبزاده را یک متحجر می‌دیدند، ایشان آدمی سنتی بودند و نمازهایشان طبق تکه کلام خودشان، حال خوبی داشت، به شدت سنتی و اهل تهجد بودند، یکی از نزدیک‌ترین ایرانی‌های عصر جدید به تجدد بود. ایشان در لفظ با غرب‌زده‌ها درگیر نمی‌شد، شاید آن را یک مرض می‌دانست و برای آنها حس ترحم داشتند اما تمام وجودش به چالش کشیدن جریان غرب‌زدگی در کشور بود. تواضع عجیب این شخصیت برای غرب‌زده‌ها ناراحت کننده بود، هر چه از او دیدیم تواضع آرمان‌خواهی، نگاه به هدف و دوری از خود بود. نادر در راهبرد فرهنگی نگاه متفاوتی داشت و در عین حال این تهدیدها را عمیقاً می‌شناخت، به شدت آدم فرصت‌محوری بود و برای فرصت‌هایی که در بین جوانان بود، دغدغه شکوفایی آنان را داشت، به شکوفایی انقلاب کمک می‌کرد و حجت بزرگ ما در برابر ریزش‌ها است. ایشان آرمان‌گرا بودند. یک شاخص درباره آرمان‌گرایی عرض کنم که آقای طالبزاده از نمونه‌های خوب این شاخص است. آرمان‌گراها از حاشیه دور هستند. برخی در ظاهر ارزشی و انقلابی هستند ولی بسیار اهل حاشیه هستند و این امر دلایل مختلفی دارد. یک دلیل این است که خیلی متن



ندارند و دست‌شان پر نیست. در ۲۰-۱۰ سال اخیر به بهانه‌های مختلف سعی شد آقای طالب‌زاده را دچار حاشیه کنند.

به یاد دارم فردی که الان مشخص شده است ضدانقلاب است، در مقطعی به همه برچسب ضد انقلابی بودن می‌زد. در مقطعی هم این مسائل را درباره آقای طالب‌زاده مطرح کرد. آقای طالب‌زاده می‌دانست اگر بخواهد دفاع کند هم وقت و انرژی از او می‌رفت و هم‌توان بسیاری از جبهه انقلاب را متوجه خود می‌کرد، بنابراین ایشان همواره با هنرمندی از کنار این حاشیه‌ها گذشت. به نظر من این امری است که باید همه بیاموزند اگر می‌خواهند در مسیر آرمان‌گرایی قدم بردارند. نکته دیگر درباره آقای طالب‌زاده مواجهه ایشان با غرب است. کسانی هستند که وقتی یک بار به کشورهای اروپایی حتی به ترکیه سفر می‌کنند دیدگاه‌شان تغییر می‌کند. آقای طالب‌زاده کسی است که آفتاب امام(ره) و انقلاب را دید و به ایران آمد. اعتمادبه‌نفسی که در آقای طالب‌زاده وجود دارد، قدری ناشی از این سخن شهید آوینی است که درباره خود نوشته: «از یک راه طی شده با شما سخن می‌گویم.

اگر کسی تجربیات آقای طالب‌زاده را داشت به سمت غرب گرایش پیدا می‌کرد، لیکن اصالت و آرمان‌گرایی‌ای که در آقای طالب‌زاده وجود دارد، ایشان را به یکی از چهره‌های انقلابی نظام اسلامی تبدیل کرده است. نکته دیگر در شخصیت آقای طالب‌زاده مربوط به غرب‌ستیزی ایشان است. برخی در ستیز با غرب دو نکته را فراموش می‌کنند؛ فرصت‌هایی که انقلاب اسلامی در غرب دارد و فرصت‌هایی که خود جمهوری اسلامی در کشور خود دارد.

آقای طالب‌زاده جزو کسانی است که دوستان انقلاب اسلامی را در غرب پیدا و آنها را به جامعه ایرانی معرفی می‌کند و از تهدیدهای داخلی و خارجی غافل نیست. در عین اینکه دشمنی آمریکا را با اقلان و توضیح برای مخاطب جا می‌اندازد، به تهدیدهای داخلی انقلاب هم اشاره می‌کند.

بحث محرومیت‌های خرمشهر و آبادان و مشکلات کشاورزان در برنامه‌های آقای طالب‌زاده بیان‌شده و بسیاری از ایشان الگوبرداری کرده‌اند. ما در عین استکبارستیزی باید فرصت‌هایی را که در غرب وجود دارد ببینیم. این از ویژگی‌هایی است که قابلیت الگو شدن برای نسل جوان انقلابی ما را دارد. نکته دیگر درباره آقای طالب‌زاده فرصت‌محور بودن ایشان است. به عبارت دیگر در عین تهدیدشناسی، فرصت‌محور است. در هر صحنه‌ای تلاش دارد مشترکات را بیابد که در این مساله ظرفیتی لازم دارد. برخی به بهانه جذب حداکثری روی مشترکات کار کردند و کار آنها از جایی ایراد دارد که به مرزبندی‌ها توجه ندارند و به جای اینکه جذب کنند، جذب شدند چراکه نتوانستند مرزبندی‌ها را حفظ کنند. آقای طالب‌زاده روی مشترکات تمرکز و مرزبندی‌ها را هم حفظ می‌کند. شما در مصاحبه‌های آقای طالب‌زاده نمی‌توانید ایرادی پیدا کنید یا بگویید مرزبندی‌ها را مخدوش کرده است. این نکته مهمی است که یک چهره را به یک شخصیت قابل‌الگوبرداری تبدیل می‌کند. به عبارت دیگر تیپ را به شخصیت تبدیل می‌کند. این امور فوت‌وفن‌های کوزه‌گری است که از یک فرد معمولی یک شخصیت می‌سازد. ایشان آدم جبهه فرهنگی است. این جبهه بسیار گسترده است و آقای طالب‌زاده تا حدی این جامعیت را دارد. مثلاً در برنامه راز از معماری و طب سنتی تا مثلاً جنگ یمن و مشکلات کشاورزان اصفهان نیز مطرح می‌شود.

نکته مهم دیگر درباره تعریف جبهه این است که جبهه خط درگیری است. ما به هیچ پادگانی جبهه نمی‌گوییم چرا که ظواهر جبهه را دارد لیکن خط درگیری نیست. وقتی کارنامه آقای طالب‌زاده را در ۴۰-۳۰ سال اخیر بررسی می‌کنید در بسیاری از خطوط درگیری حضور داشته‌اند؛ از شروع انقلاب اسلامی که آمریکا را رها می‌کند و به ایران می‌آید تا مصاحبه ایشان قبل از پیروزی انقلاب، با خود حضرت امام(ره) تا تشکیل جهاد سازندگی و شروع جنگ و ۱۱

سپتامبر و غیره. در خطوط درگیری انقلاب اسلامی چه در فضای جهانی و چه در فضای داخلی آقای طالبزاده حضور داشته است. این ویژگی آدم جبهه‌ای است. از نظر فرهنگی هم آقای طالبزاده کسی است که تفکر سیاسی دارد و کار سیاسی می‌کند. حتی ایشان در ستاد انتخاباتی هم حضور داشت ولی کسی ایشان را به‌عنوان فرد سیاسی نمی‌شناسد. عده‌ای سعی دارند ادای فرهنگی بودن را دریاورند لیکن باز در بین مردم به‌عنوان فرد سیاسی شناخته می‌شوند. آقای طالبزاده رسماً و عملاً کار سیاسی کرده است و حتی کاندیدای مجلس هم شده ولی همه ایشان را به‌عنوان آدم فرهنگی می‌شناسند چراکه ذاتاً به اصالت فرهنگ و کار فرهنگی معتقد است. اگر کسی می‌خواهد درباره انقلاب اسلامی نظریه‌پردازی کند یکی از روش‌ها تحلیل سبک عملی و رویکردهای چهره‌های انقلاب اسلامی است. بخشی از زندگی آقای طالبزاده در این مقطع که به آن نیاز داریم این قابلیت را دارد در عرصه فرهنگ و رسانه مدل‌سازی شود و به جوانان معرفی شود.

یکی از ویژگی‌های آقای طالبزاده معلم بودن ایشان است. معلمی به معنای کلاسیک مدنظر نیست. به معنای استاد - شاگردی است که ما در سنت خود طی هزار سال داشتیم. یکی از مشکلاتی که ما در جذب رسانه‌های مدرن در جامعه ایران داشتیم، این بود که نتوانستیم با روش‌شناسی تمدنی خود اینها را جذب کنیم. مثلاً حوزه هنرهای سنتی مثل نگارگری، خوشنویسی و منبت‌کاری هم حفظ شده‌اند و هم رشد کرده‌اند. شاید در سینما هم باید این روش را در پیش می‌گرفتیم. حداقل به‌عنوان یکی از سبک‌های سینمای انقلاب اسلامی باید به این امر توجه زیادی می‌کردیم.

آقای طالبزاده نمونه عینی کسی است که به همان شیوه استاد-شاگردی افراد را تربیت کرده است. این نیز یکی از برکات کار و سبک ایشان است. جشنواره عمار به‌نوعی برآیند مجموعه ویژگی‌هایی است که عرض کردم، یعنی حضور

در خط درگیری، اعتقاد به کار فرهنگی، پرهیز از حاشیه و پرداختن به متن مساله، فرصت‌محوری و توجه جدی به فرصت‌های جامعه ایرانی. قاعدتاً وقتی شخصیتی مثل آقای طالب‌زاده برای همکاری در جشنواره عمار دعوت شد، با آن مجموعه ویژگی‌های شخصیتی که ایشان داشت، خیلی خوش نشست. شاید اگر آقای طالب‌زاده این لطف را نمی‌کرد و در این جریان فرهنگی این نقش را به عهده نمی‌گرفت خیلی از موفقیت‌ها به دست نمی‌آمد. این به نظر من توفیقی برای جشنواره عمار بود که از ذخیره و گنجینه تجربیات و نگاه‌ها و رویکردها و منش‌های استاد طالب‌زاده توانست بخوبی برخوردار شود.

نکته‌ای که من فراموش کردم بیان کنم تکلیف‌گرایی و اخلاص آقای طالب‌زاده بود. مثلاً روزی که با دوستان جشنواره عمار خدمت حضرت آقا رسیدیم، طوری برنامه‌ریزی کردیم که آقای طالب‌زاده کنار رهبری بنشینند. وقتی مقام معظم رهبری تشریف آوردند ما برای استقبال از ایشان چند قدمی به جلو رفتیم، وقتی برگشتیم آقای طالب‌زاده در جای دیگری نشسته بود درحالی‌که ما برای حضور در یک عکس در کنار نماینده مجلس سر و دست می‌شکنیم. اینها مسائلی است که یک فرد را به چنین شخصیتی تبدیل می‌کند و بخشی از توفیقات آقای طالب‌زاده ناشی از همین روحیه معنوی و خلوص نیت ایشان است. ایشان ریاکاری نمی‌کند. اینها مسائل مهمی است. تواضع ایشان بی‌نظیر است. در مقابل همه مثلاً یک نوجوانی که عکاسی می‌کند و عکس‌های خود را می‌آورد ببینید، آقای طالب‌زاده با روی گشاده‌ای استقبال می‌کند. به عقیده بنده اینها محصول و نتیجه همان نگاه معنوی به عالم، به هستی و به حیات است که نکات مهم و ارزشمندی است که باید به آنها توجه و برای نسل جوان الگو برداری کرد...

وحید جلیلی، فعال رسانه‌ای و فرهنگی، از پایه‌گذاران دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی _ به گزارش مشرق

طالب‌زاده بزرگ‌تر از میزهای مدیریتی بود

یکی از خصیصه‌های مهم حاج نادر طالب‌زاده بیش از اینکه از اهل رسانه یا از فعالان فرهنگی باشد این است که یک استاد یا معلم دلسوز بود. خیلی از هم نسلی‌های من که بخشی از فضای رسانه را در سایه کمک‌ها و راهنمایی‌های نادر طالب‌زاده زیست کرده‌اند این را به خوبی حس کرده‌اند که او چه مقدار به فعالان هم نسل ما دلسوز بود و با آنها همراه و همقدم می‌شد. زنده یاد طالب‌زاده در تمام طول مسیری که جوانان کاری انجام می‌دادند، فیلم یا مستندی می‌ساختند، داعیه دارانه مثل یک مشاور، دوست و همراه، کنار آنها قرار می‌گرفت و موجب رشد و بالندگی شان می‌شد. بزرگ‌ترین خصیصه او این بود که یک سرمایه انسانی را پس از خودش ایجاد کرد که این سرمایه انسانی رویش فضای رسانه‌ای ما در جبهه فرهنگی انقلاب خواهد شد. شاید مهم‌ترین دستاورد نادر طالب‌زاده غیر از آثاری که تولید کرده است همین سرمایه انسانی است که به یادگار گذاشته است. بعید می‌دانم به این سادگی‌ها ثلمه‌ای که با درگذشت او ایجاد شده جبران شود و بتوانیم فرد دلسوز و استاد کاربلدی برای نسل جوان فضای رسانه‌مان پیدا کنیم. امثال نادر طالب‌زاده بزرگ‌تر از میزهای مدیریتی بودند. ملزومات و اقتضات اداره یک سازمان و مدیریت اینقدر موضوعات را تنگ می‌کند و درگیر موضوعات جاری می‌شود که امثال او خیلی بزرگ‌تر از این هستند که خود را درگیر این ساختارها و محدودیت‌ها کنند... مهدی جوادی مدیر عامل بنیاد فارابی در گفتگو با خبرنگار مهر

و همین طور آقای طالب‌زاده

سال ۱۳۹۶... جلسه جمعی از مستندسازان با رهبر انقلاب... محسن مومنی در ابتدای جلسه از سید مرتضی آوینی یاد می‌کند... می‌گوید یاد او را گرامی

بداریم که نقش ویژه‌ای در شکل‌گیری چنین جمع‌هایی داشت... و تلاش‌های او باعث پا گرفتن جریان مستند انقلاب شد... آقا در صحبت آقای مومنی ورود می‌کند... با دست حاج نادر طالب زاده را نشان می‌دهد و می‌گوید:
«و همین طور آقای طالب‌زاده...» و این کلمات، تذکر به جایی بود به همه ما که یادمان بیاید حاج نادر عزیز چه حق بزرگی به گردن نسل ما داشته و دارد... راوی: علی صدری نیا، فعال رسانه و مستندساز انقلابی

«شهادت می‌دهند این زخم‌ها»

تو هم سهم خودت را بردی از دنیا و مافیها
هزاران زخم، هر زخمی هم از یک گوشه دنیا
هزاران زخم با خون جگر گرد هم آوردی
که گر لب وا کنند از لب، قیامت می‌شود فردا
یکی از زخم‌ها با لهجه کشمیر می‌مویید
یکی، خونین‌ترین‌شان، شروه‌خوان با لهجه صنعا
یکی، ساکت‌ترین‌شان، زخم هر روز و شب کابل
یکی، غمگین‌ترین‌شان، یادگار سربرنیتسا
یکی، خندان‌ترین‌شان، اهل لبنان، عضو حزب‌الله
یکی، سوزان‌ترین‌شان، رد شلاقی بر آفریقا
یکی کهنه‌ترین، تازه‌ترین زخم زمین باری
که خونش می‌چکد از سطر سطر سوره‌آسرا
از این شش گوشه غربت چه باید برد جز تربت؟
جهان شام غریبان است بعد از ظهر عاشورا
به غیر از زخم و چندین پنجره نادر!

چه داری؟ هیچ؟ شهادت می‌دهند این زخم‌ها هم: أشهد أن لا

محمد مهدی سیار

نقشی ماندگار در حوادث تسخیر لانه جاسوسی

همان جا که سخنان امام خمینی (ره) را از مطبوعات درست چندماه قبل از عزیمت شان به پاریس پیگیری می‌کرد و در خاطراتش عنوان کرد که از این سخنان بسیار متأثر شده است. کارگردانی که معتقد بود به هیچ جبهه‌ای جز انقلاب تعلق ندارد، خودش می‌گوید «من در آمریکا مشاهداتی داشتم که بعدها خیلی به دردم خورد» همین هم شد بعدها هم در قالب جشنواره «عمار» و هم کنفرانس افق نو ابعادی تازه از این کشور را هویدا کرد.

طالب‌زاده اما نقشی در ماندگاری حوادث تسخیر لانه جاسوسی را هم دارد، او که در سال‌های اخیر به واسطه فعالیت‌های ضد استکباری‌اش در لیست تحریم‌های آمریکا هم قرار گرفت، از اولین کسانی بود که در قالب تیم مستندسازی در صحنه تسخیر سفارت آمریکا حاضر شد و وقایع آن روزگاران را ثبت و ضبط کرد، ساخت همین مستند هم سرآغاز همکاری او با صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران شد.

برنامه «عصر» را می‌توان یکی از مهمترین‌های فعالیت‌های او در بستر تلویزیون محسوب کرد، برنامه‌ای که پلی ارتباطی و البته حلقه‌ای برای گردآوری چهره‌های استکبارستیز بود، همان هدفی که نادر طالب‌زاده دنبالش می‌کرد. طالب‌زاده البته همین هدف را در کنفرانس افق نو هم پیگیری کرد، همایشی که ابتدا با عنوان «هالیوودیسیم» آغاز به کار کرد اما بعدها با تغییر نام چهره‌هایی از کشورهای مختلف جهان را به خود دید. کارگردانی که اعتقاد داشت «همیشه دوست داشتم که بتوانم تجربیاتی را که در ایران و غرب کسب کرده‌ام به فیلمسازان جوان منتقل کنم، جوانانی که نمی‌توانستند در مسیر درست رسانه‌ای قرار گیرند؛ عمار توانست این کار را در سراسر ایران انجام دهد و وقتی فال و قرعه به نام من افتاد، من با اشتیاق پذیرفتم.

نادر طالب‌زاده را شاید بسیاری به عنوان یک مستندساز و مجری برنامه‌های



نمایشی دینی به سمت گلیه‌های صریح رفت و گفت: بی‌اهمیتی صدا و سیما نسبت به «بشارت منجی» دلیل فعالیتش در فیلمسازی است. من چندین سال است که در صداوسیما رفت و آمد و با مدیران زیادی برخورد دارم؛ در این سال‌ها ندیدم سازمان صداوسیما کسانی را که توانایی ساخت فیلم‌های مذهبی و تاریخی دارند را در یک اتاق جمع کنند و ایده‌هایشان را مرور کنند. این مسائل اصلی که نیاز به فکر و تمرکز دارد برای سازمان اهمیتی ندارد و اتفاق نمی‌افتد. بازیگر نقش مسیح این سریال به دلیل ماندگاری این نقش در اذهان، از ادامه کار بازیگری خودداری کرد و در حال حاضر در دیگر بخش‌های سینما فعالیت دارد. سریال «بشارت منجی» در ابتدا قرار بود ۶ قسمت باشد که پس از بازبینی به ۲۰ قسمت تبدیل شد؛ اما به اندازه همان ۶ قسمت تدوین مجدد شده است تا به دو زبان فارسی و انگلیسی دوبله و عرضه شود. «بشارت منجی» تنها کاری است که صداوسیما تولید کرده و ۳۰ یا ۴۰ مقاله درباره آن در آمریکا نوشته شده است؛ اما هیچ‌وقت صداوسیما به این موضوع پرداخت که یکی از آثار صداوسیما مورد توجه جوامع غربی قرار گرفته است! پس از این ماجرا دیدم که صداوسیما متوجه ارزش کارم نیست و تصمیم گرفتم دیگر کاری نسازم و به برنامه‌سازی بپردازم. یادم است که یک زمانی داود میرباقری می‌خواست سلمان را کار کند به او گفتند مختار را کار کند. ای کاش همان موقع سلمان را می‌ساخت که همه دنیا سلمان را می‌شناسند اما همه دنیا مختار را نمی‌شناسند. مثلاً مختار را می‌توان در عراق نشان داد اما در لبنان نمی‌توان این کار را کرد. همان موقع و این روزها که با مسئله خلق آثار دینی و ماندگار مواجه می‌شوم این پرسش را مطرح می‌کنم که چه کار می‌توانیم انجام دهیم این آثار جهانی شوند؟ یا چگونه فیلمی درباره حضرت رسول بسازیم که جهانی بشود؟ واقعاً در این زمینه کم‌کاری شده است... مجتبی برزگر، دبیر جشنواره فیلم «عمار» - خبرگزاری تسنیم

افق نو، مؤسسه‌ای که صحنه‌ای از جنگ نرم را اکتشاف کرد

شما که در جرگه‌ی جنگ نرم وارد شده‌اید و از جمله مبارزان این میدان به حساب آمده‌اید، و که فهرست‌های تجاری تهیه می‌بینید از شرح اقدام‌های نمایشی خود، چرا از آن همه کار و پندارتان، صدای آخی و ناله‌ی آهی از دشمن شنیده نشده است؟! و چه اندکند کاربلدهای مخاطره‌کار بی‌ادعا، که دشمن، آن‌ها را به هیبت می‌شناسد و به کینه می‌نگرد؛ لیکن آنان که علی‌القاعده دوست تلقی می‌شوند و همراه، و که همه‌ی امکانات و ادعاها را در اختیار و احتکار خود دارند، اینان را به کوچکی می‌شناسند و به تحقیر می‌نگرند. افق نو، مؤسسه‌ای که صحنه‌ای از جنگ نرم را اکتشاف کرد. در عمق اقتدارهای اروپا و آمریکای استعمارگر، و برای اولین بار، از مبدأ مردمان جهان سوم، آشوب‌های بزرگ سیاسی و امنیتی به پا کرد در متراپل‌های استعمار، این‌بار نیز، با شهادت مجاهد جنگ نرم، شهید نادر طالب‌زاده، برای چندمین بار، یتیم شد؛ و کار آن به خدا واگذار گردید...

محمود مهدی دیپلمات سابق ایران در اروپا

جامعه آخر الزمانی حق و باطل را می‌شناخت

تلقی من درباره حاج نادر این است که وی رویکرد فلسفه تاریخی داشت اما به خوبی درگیری جامعه آخر الزمانی حق و باطل را می‌شناخت و درگیری میان آرمان شهرهای مدرن و امروزی را با هنر واقعی می‌فهمید. او می‌توانست جامعه مدرن غربی را نقد کند و از دل آن مسیر درست را به نمایش بگذارد. در حالی که ماموریت غرب تحقیر جوامع اسلامی در مقابل رویای آمریکایی و مدرن است؛ حاج نادر با شناخت کامل از آخر الزمان و آرمان شهرهای دنیای مدرن، نقطه درگیری میان حق و باطل در مقیاس دنیا معاصر را به خوبی می‌شناخت. حاج نادر فرق این دو جهان را در مقیاس جامعه تمدنی و لایه‌های

آن را خوب می فهمید و به هیچ سمت دنیا غرب وابسته نبود. طالب زاده اهل مبارزه کور داعشی و غرب گریزی نبود. او وسط میدان بود و بین انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی تفکیک قائل نمی شد. او در حد توان گفتمان سازی و جبهه سازی کرد و قیاس او قیاس نخبگانی بود. نادر طالب زاده ساختار سازی و گفتمان سازی می کرد و می دانست در درگیری دنیای مدرن لبه‌هایی وجود دارد که مهمترین آنها لبه صهیونیست است. او به دنبال راهکارهای تحقق تمدن اسلامی بود... میرباقری رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم

تلاش خستگی ناپذیر و همیشگی

پیام زندگی هشتمین امام شیعیان ما چیزی به جز مبارزه دائمی و خستگی ناپذیر بر علیه باطل نبود و ما هم اگر بخواهیم در زندگی از ائمه اطهار الگو برداری کنیم باید مثل نادر طالب زاده مبارزه دائمی بر علیه باطل داشته باشیم. فعالان عرصه هنر برای آنکه بتوانند در جنگ روایت‌ها پیروز میدان باشند باید مثل طالب زاده تلاش خستگی ناپذیر و همیشگی داشته باشند تا بتوانند مانند شهید آوینی در فضای انقلاب اسلامی قلم بزنند. رهبر ما در پیام تسلیت خود طالب زاده را پژوهشگر خواند، اگر طالب زاده اهل پژوهش و مطالعه نبودند نمی‌توانستند این آثار فاخر را خلق کنند. تلاش زیاد طالب زاده به دلیل مبارزه همیشگی است و از انگیزه زیاد داشتن او همین بس که جوانان شرکت کننده در جشنواره عمار هرگز باور نمی‌کردند طالب زاده شخصاً با آنها تماس گرفته و آنها را دعوت به کار کند. طالب زاده خدمات فرهنگی شایسته‌ای داشتند و همچون شهید آوینی پیرو خط امام بود، زمانی پیام رهبری را شنید از آمریکا برگشت تا در سایه رهبری امام به مردم کشور خدمت کند... سیدحسام بنی فاطمه، رئیس حوزه هنری گلستان _ به گزارش مهر

رویش در آتش، از آمریکا تا بوسنی

آشنایی ام با طالب زاده به دوران کیهان بر می گردد. در سال ۷۰ به اتفاق او و چند تن دیگر برای گزارش مکتوب و تصویری جنگ بوسنی به بالکان سفر کردیم که حاصل کار من و سه همکارم، انتشار ویژه نامه جنگ بوسنی به ضمیمه کیهان و محصول کار طالب زاده مستند «رویش در آتش» بود. طالب زاده قبل از این نیز به بوسنی رفته بود و مستند «خنجر و شقایق» را با ایده دهی و متن گذاری شهید سید مرتضی آوینی ساخته بود. طالب زاده که به همراه خانواده اش ساکن آمریکا بود با شروع انقلاب اسلامی به ایران سفر کرد و تحت تاثیر تحولات انقلابی در ایران ماند و با شروع جنگ تحمیلی به جبهه رفت. از آنجا که فرماندهان جنگ به او اجازه فیلم برداری را به دلیل سالیهای سکونتش در آمریکا نمی دادند، برای مدتی به عنوان راننده لودر در عملیات های مختلف فعالیت کرد و پس از مدتی موفق شد به کار مستندسازی در جبهه ها بپردازد. طالب زاده علاوه بر فیلم سازی و اجرای برنامه های متعدد تلویزیونی، طی سالیهای در صدا و سیما نیز مسئولیت اجرایی داشت. در گذشت این هنرمند عزیز و سخت کوش را به خانواده و بازماندگان و فرزندان و همه دوستانش تسلیت می گویم و برای او و خود در این ماه رحمت، طلب مغفرت از خداوند مهربان دارم... مهدی نصیری روزنامه نگار و نویسنده»

حضور همیشگی و جدی در سینما داشت

امیدمان این است که امروز نادر طالب زاده هم نشین انبیا و اولیا باشد و خدا را شکر می کنم که ما هم توفیق داشتیم هرچند اندک در خدمت ایشان باشیم. آشنایی من با حاج نادر، غیر از ایام نوجوانی، از جشنواره فیلم «عمار» آغاز شد. علاوه بر اینکه دبیر و بزرگ تر جشنواره «عمار» بودند، خاطریم هست در دوره ای برای تعداد اندکی از فیلمسازان جوان در دفتر ایشان کلاسی تشکیل شد



که بسیار هم بابرکت بود. پیش از این جلسه وصف جلسات نادر طالبزاده را از رفقای فیلم ساز خود شنیده بودم که در اوایل دهه ۸۰ صبح‌های پنجشنبه در دانشگاه صداوسیما تشکیل می‌شد. این کلاس در جشنواره «عمار»، شبیه همان دوره‌ها برای ما بود. اینکه احساس می‌کردیم با کسی درباره کارگردانی و مسائلی همچون دکوپاژ صحبت می‌کنیم که در مسیر کاری‌اش استادان بزرگی داشته است، اتفاق بسیار خوبی برای ما بود و به‌قول معروف فوت کوزه‌گری را در قالب این جلسات به ما یاد می‌داد. این جلسات برای من منجر به معاشرت نزدیک‌تر با آقای طالبزاده شد. البته ایشان همواره فرد سرشلوغی بود و به قول معروف همزمان با چند شمشیر می‌جنگید. اکثر روزهایی که ما با او کلاس داشتیم، همزمان جلسات و مهمان‌های دیگری هم داشت و یا برای سخنرانی دعوت بود و مشغول ساخت کاری بود. همه این کارها همزمان در جریان بود و در میانه این فعالیت‌ها ما می‌توانستیم برای دقایقی وقت آزاد پیدا کنیم و از محضرشان استفاده کنیم. حاج نادر هیچ دریغی نداشت که بخواهد در رسانه‌ها از بچه‌های «عمار» صحبت کند و یا آن‌ها را به برنامه‌های خود در تلویزیون دعوت کند. حاج نادر طالبزاده به خیلی‌ها اعتماد به نفس داد تا کارهای بزرگ‌تری را انجام دهند این کارگردان جوان تأکید کرد: حاج نادر را باید با انسان‌های هم سطح خودش مقایسه کنیم. چه از نظر علمی، چه از نظر سوابق کاری و تولیدی و چه از منظر سوابق اجرایی و مدیریتی، اگر همه ویژگی‌های او را مدنظر قرار دهید، تعجب می‌کنید که چقدر او فرد در دسترسی برای ما بود. خودم شخصاً در این سال‌ها در چند نوبت به منزل ایشان رفتم. در تمام این سال‌ها واقعاً هر بار کاری پیش می‌آمد به راحتی با او تماس می‌گرفتیم و با روی باز استقبال می‌کرد. خاطریم هست در سال ۹۶ مسئولیتی در جشنواره «عمار» داشتم و به بهانه آن دوره‌ای را برگزار کردیم. به سادگی توانستیم برای این دوره‌ها با حاجی ارتباط بگیریم

و از حضورش بهره‌مند شویم. در این تعاملات بزرگ‌ترین اتفاقی که برای ما می‌افتاد تزریق اعتماد به نفس بود. ایشان خیلی ما را به جلو هل می‌داد و انرژی بسیار زیادی داشت. واقعاً برای اکثر کارهای ما وقت می‌گذاشت و کارهای ما را می‌دید. بخش داستانی «عمار» برای ایشان بسیار حائز اهمیت بود و در سخنرانی‌های خود هم تأکید می‌کرد که باید وقت بیشتری برای «سینمای داستانی» بگذاریم. حاج نادر هیچ دریغی نداشت که بخواهد در رسانه‌ها از بچه‌های «عمار» صحبت کند و یا آن‌ها را به برنامه‌های خود در تلویزیون دعوت کند. حاج نادر طالب‌زاده به خیلی‌ها اعتماد به نفس داد تا کارهای بزرگ‌تری را انجام دهند. نفس حضور نادر طالب‌زاده به جشنواره «عمار» اعتبار داده بود اما برای بچه‌ها واقعاً وقت می‌گذاشت. خیلی از رفقای که در دهه ۹۰ فیلم‌ساز، مستندساز و یا برنامه‌ساز شدند، شروع کارشان در دهه ۸۰ با کلاس‌های حاج نادر بود. بخش عمده‌ای از این کلاس‌ها هم در قالب مجموعه «راه» و جشنواره «عمار» رقم می‌خورد. از دوره چهارم یا پنجم جشنواره «عمار» بود که توجه به سینمای داستانی، مسئله اصلی ایشان شد و تأکید بسیاری برای توجه به این حوزه داشت. پشت و پناه بچه‌های عمار بود. بودن حاج نادر در موارد بسیاری باعث می‌شد که خیلی‌ها نتوانند بچه‌های «عمار» را نادیده بگیرند. در سال ۹۵ اولین دوره «دارالفنون» در جشنواره جهانی فیلم فجر برگزار شد. حاج نادر فهرستی ۱۰، ۱۲ نفره از بچه‌های عمار به مازیار میری به‌عنوان مسئول برگزاری این دوره داد. بچه از این فرصت استفاده کردند و مشخصاً من و حسین دارابی به‌صورت جدی در این دوره حضور داشتیم. اگر حاج نادر نبود، احتمالاً این فرصت را نداشتیم و امروز ما در صحنه سینما نبودیم. او از اعتبار خود در سینما خرج می‌کرد و ابایی نداشت پشتیبان بچه‌ها باشد. حاج نادر بسیار به الیور استون علاقمند بود و در جریان سفر او به ایران هم مجدد بچه‌ها را جمع کرد و گفت الیور

استونی که بارها در کلاسها درباره‌اش صحبت کردیم آمده است. آن جلسه معروف سینما فلسطین تشکیل شد که حاجی قبل از آن به ما گفت داخل بروید و از الیور استون سوالها خوب پرسید. حاج نادر طالبزاده حضور همیشگی و جدی در سینما داشت و تلاش می‌کرد تا بچه‌ها را هم با خود همراه کند تا بتوانیم حرف خود را با جسارت و صدای بلند در سینما مطرح کنیم... امیر داسارگر، کارگردان «منطقه پرواز ممنوع» _ خبرگزاری مهر

طالبزاده محل رفع اختلافات جبهه فرهنگی انقلاب بود

زنده یاد نادر طالبزاده ابعاد متفاوتی داشت از اتفاقات بین‌المللی و کار در صحنه جهانی گرفته تا ابعاد هنری و حتی رویکرد بدیع او در تولید و محتوا سازی همه وجوه متفاوت او بود. آنچه که به نظرم در بیش از سایر حوزه‌ها می‌توان به آن پرداخت بعد مربی‌گری نادر طالبزاده است. برخی در عمر هنری خود تعداد آثار زیادی برنامه تلویزیونی، فیلم و سریال می‌سازند و شاید طالبزاده از این حیث تعداد بالای محصول هنری نداشت. با این حال محصول اصلی او تعداد افرادی بودند که یا غیرمستقیم آنها را تربیت کرد و یا غیرمستقیم منشاء الهام آنها شد. او از این حیث هیچ کم نگذاشت و اساساً پرانرژی و امیدبخش بود. من خودم معلم هستم و وقتی کلاس تمام می‌شود همه چیز تمام می‌شود اما او اینگونه نبود برای آنکه شاگردش حتی بهتر از او شود تلاش می‌کرد و بین شاگردهایش اختلاف می‌افتاد.

نادر طالبزاده جزو افراد قلیلی بود که محل رفع اختلاف بچه‌های جبهه فرهنگی انقلاب می‌شد. وقتی کار به نقطه‌ای می‌رسید که انگار همه دکترها جواب می‌کردند بچه‌ها پیش حاج نادر می‌رفتند. او کمش نمی‌آمد از بزرگ شدن دیگری از اینکه شاگردانش از خودش بزرگ‌تر شوند و می‌توان گفت او یک معلم مستغنی بود. او یک برنامه تلویزیونی داشت و یک ویدئووال و در

قالب برنامه گفتگومحور براساس سوژه با یک سناتور امریکایی به گفتگو می‌نشست و با زبان مسلط انگلیسی با او دیالوگ برقرار می‌کرد. بعد به استودیو برمی‌گشت و باز به تناسب موضوع با عضو مجلس سنای انگلیس صحبت می‌کرد. چه کسی چنین اتفاقی را در دیگر برنامه‌های تلویزیون دیده است؟ چه کسی می‌تواند اینقدر اعتبار داشته باشد که آنها به خاطر او در برنامه ظاهر شوند؟ آنتن تلویزیون که هست و برنامه سازان هم هستند اما چه کسی توانسته است به این ترتیب چهره‌های بین‌المللی را درگیر کند و آنها را برای یک دغدغه و یک گفتمان هدفمند پای میز بیاورد و به نظرم سال‌ها باید بگذرد تا بفهمیم چه کسی را از دست داده‌ایم... صادق باطنی تهیه کننده و برنامه ساز در گفتگو با مهر

پیشتازی در عرصه آموزش و تربیت نیروهای متعهد رسانه‌ای

حقیقتاً ایشان بخش اعظمی از حیات خود را وقف مجاهدت در راه تبیین و تصویر معارف، حقایق و پیروزی‌های مجاهدان اسلامی نمود؛ از روایت مسیر پیشرفت انقلاب اسلامی، از بدو ورود امام (ره) و هشت سال دفاع مقدس گرفته تا تصویرگری مظلومیت مسلمانان و مجاهدان بوسنی و نشر معارف حقیقی اسلام در قالب مستندهای چندزبانه... همچنین نقش بی‌پدیل و پیشتازی ایشان در عرصه آموزش و تربیت نیروهای متعهد رسانه‌ای بر کسی پوشیده نیست. از طرفی تأسیس روزنامه انگلیسی زبان تهران تایمز، راه‌اندازی همایش ضد استکباری هالیوودیسیم و سینما، بنیانگذاری کنفرانس علمی و ضدجنگ افق نو، جشنواره مردمی فیلم عمار و مجموعه‌های بی‌شمار مستندهای تحقیقی تنها گوشه‌ای از فعالیت‌ها و کنش‌های ماندگار آن مرحوم است که تا سالیان سال، مستمر و مؤثر، توسط شاگردان و علاقه‌مندان ادامه خواهد داشت. همزمانی رحلت این مرد پیشگام در مبارزه‌ی رسانه‌ای علیه صهیونیسم و استکبار، با روز

قدس، گویی ایشان را به مصداق یاران آخرالزمانی سیدالشهدا (ع) بدل کرد و در این روز میهمان یاران شهیدش شد... حجت الاسلام محمد قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی

پایمردی و تداوم در جبهه حق علیه باطل

کارنامه پرافتخار و پربرآ آن هنرمند فقید که از همراهی با سیدالشهدای اهل قلم شهید سید مرتضی آوینی تا تربیت نسل جدیدی از مستندسازان و هنرمندان جوان انقلابی را دربرمی گیرد، بی شک باقیات الصالحات و ذخیره ارزشمندی برای آن فقید سعید می باشد. پایمردی و تداوم در جبهه حق علیه باطل از اوان روزهای انقلاب تا آخرین روزهای حیات ایشان و حضور در جبهه های بین المللی جهان اسلام و ثبت و ضبط وقایع جنگ های سخت و طاقت فرسا و ویژگی بارز وی بود که درنهایت در روز جهانی قدس و ایام الله انزجار از رژیم غاصب و نامشروع صهیونیستی به دیدار معبود شتافت.... سید محمدباشار نادری رئیس بنیاد فرهنگی روایت فتح

مجاهدی آگاه و دغدغه مند و سردار فرهنگی مقاومت

طالبزاده مجاهدی آگاه و دغدغه مند در عرصه مبارزه با استکبار جهانی و افشای جنایات قدرت های استعمارگر در مقیاس جهان اسلام و حتی مظلومان قلمروی به وسعت جهان بود. افکار متعالی و بغض بینشورزانه او، شعاع آرمان خواهی نادر طالبزاده را در دایره های پهناور از انقلاب اسلامی ایران گرفته تا بوسنی، افغانستان، سوریه، لبنان، یمن، عراق، بحرین، کشمیر و... فلسطین گسترد و لطف خداوند، او را واسطه رویش هایی ریشه دار از متفکران و علاقه مندان به اندیشه پویای انقلاب جهان شمول اسلامی ساخت. همکاری و همراهی مشفقانه و تمام قد او با رسانه های برون مرزی ج.ا.ا. و به ویژه

شبکه پرس تی‌وی، هم گواهی است بر صدق مجاهده او و هم درسی بزرگ و جاودان برای پویندگان این مسیر... احمد نوروزی معاون برون مرزی صداوسیما نادر با استفاده از متفکران غربی‌ها علیه آنها عملیات می‌کرد

نادر قلب بسیار بزرگی داشت و عاشق مردم بود. او نام ایران را در محافل بین‌المللی ارتقا داد و این کار را بسیار هوشمندانه انجام داد. نادر این کار را با تشکیل کنفرانس‌های ضدصهیونیستی و کنفرانس «افق نو» انجام داد. فرق این کنفرانس با سایر کنفرانس‌ها این بود که نادر با استفاده از متفکران غربی‌ها علیه آنها عملیات می‌کرد. نادر مخلصانه نگران جوانان ایران بود و به همین خاطر هم برنامه‌سازی در صدا و سیما را آغاز کرد. موضوعاتی که در برنامه‌هایش مطرح می‌کرد به شکلی بود که مهمانان غربی با او تماس می‌گرفتند و اصرار می‌کردند که بتوانند در برنامه‌اش حضور پیدا کنند. به همین دلیل هم ترور بیولوژیک شد...

استاد عزیز ما حاج نادر طالب‌زاده، مقارن با غروب روز قدس آسمانی شد. کمتر کسی مثل نادر طالب‌زاده عرصه رسانه را عملاً درک کرده بود. تقریباً همه عمرش به تربیت گذشت، جای کار نمایشی و پست‌های مدیریتی از هر لحظه عمرش برای آموزش استفاده کرد و امروز خیل شاگردانش از فلسطین و سوریه و لبنان گرفته تا افغانستان و کشمیر باقیات الصالحاتش هستند. می‌توان او را از نخستین آغاز کنندگان روشننگری در خصوص تمدن غرب و نیز از پیشگامان جهاد تبیین در حوزه فرهنگ و سیاست در عرصه رسانه دانست. انقلابی بودی انقلابی ماندی و انقلابی از دنیا رفتی. آنقدر مأخوذ به حیا و فروتن بود که وقتی رسیده بود جبهه، گفته بودند چه کاری بلدی؟! نگفته بود فیلم‌سازم! احتمالاً فکر کرده بود آنجا کارهای دیگری واجب‌تر است. گفته بود رانندگی بلد. نشانده بودندش پشت بولدوزر و خاکریز می‌زد. طالب‌زاده نمونه بارز تعهد همراه با تخصص و نوآوری بود. عاقبت بخیری یعنی این...

نادر انسانی حقیقتاً خون‌گرم، مهربان، سخاوتمند و به طور غیرمعمولی شجاع بود. هر کس او را می‌دید، علاقه‌ی شدیدی به او پیدا می‌کرد. تماس جوانان با طیف وسیعی از دیدگاه‌های ضدامپریالیستی جهانی از طریق کنفرانس‌ها و برنامه‌های نادر، به آن‌ها کمک می‌کند تا همزمان با گذار جهان به رویکرد چندقطبی، خود را به ابزارهای لازم برای پیدا کردن راهشان در چشم‌انداز در حال تغییر ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک دنیا مجهز کنند. نسلی که خط را می‌شکستند از روی شهدا رد نمی‌شدند اما در فرهنگ و هنر پاهای خود را روی افراد خط شکن انقلاب می‌گذارند، باید از تجربیات آنها استفاده کنیم... نادر به مفهوم واقعی «آتش به اختیار» بود. ایشان صاحب بصیرت، تکنیک مخصوص خود بود، چرا آثار آوینی و طالب زاده ماندگارتر از افراد دیگر است، چون خودش را ساخته بود و تولید محتوا یش برای خدا بود و بس، نه به خاطر شهرت و پست و مقام و یا چیز دیگر...

نادر، دبیر کنفرانس بین‌المللی افق نو، دبیر جشنواره فیلم عمار و از افراد مؤثر در تأسیس شبکه افق سیما و عضو هیئت اندیشه‌ورز این شبکه بود. طالب‌زاده گوش شنوا و ذهنی قوی برای یادگیری داشت. او اگر چه یاد می‌داد اما یاد هم می‌گرفت. همین خصلت اخلاقی و شخصیتی او بود که موجب می‌شد سال به سال برنامه‌های او قوام و پختگی بسیار بهتر و بیشتری بیابد. طالب‌زاده هیچ راهی را به سوی دانستن و یاد گرفتن نبسته بود. حاج نادر در انبوه رسانه‌ها، صداها، روایت‌ها و استبدادهای هنری و رسانه‌ای تلاش کرد تا فریاد خود را بزند. فریادی که حقیقت را صدا می‌زد و البته اصلاً گوش خراش و مخاطب‌گریزان نبود. او حقیقت را هنرمندانه فریاد زد. چه تعبیری مرتض آوینی برای نادر داشت، دوست داشتنی و بی نظیر، فقط برای نادر انقلاب، آنجا که برایش نوشته بود: برای دوست و برادر عزیزم نادر که با چشمان دریایی‌اش دیده است چگونه، خورشید از مغرب سر می‌زند. روایتی از ناصر کاوه

همسر لبنانی نادر طالب‌زاده، او ترور بیولوژیک شد!

«او قلبی بزرگ داشت و عاشق همه مردم بود. عشق به ایران را در محافل بین‌المللی فریاد زد و همچنین با تشکیل کنفرانس افق نو از متفکران غربی علیه غرب کمک گرفت.»

«او ترور بیولوژیک شد و در فهرست ترور غربی‌ها قرار گرفت. غربی‌ها او را در فهرستی قرار دادند که عماد مغنیه را قرار داده بودند و طالب‌زاده برای‌شان این قدر خطرناک بود. هیچ هنرمندی این جایگاه را نداشت. راه همسرم ایمان و حق طلبی بود.»

«پدر آقای طالب زاده یک نظامی زمان شاه بود و خیلی‌ها می‌خواستند از این نکته به عنوان یک حربه علیه او استفاده کنند. اما این نکته را در نظر نگرفتند که این پدر در دوران پهلوی سه سال در حبس خانگی قرار داشت و در واقع ضد شاه بود.»

در یکی از دوره‌های کنفرانس بین‌المللی افق نو که در شهر مشهد برگزار شده بود، یکی از مهمانان خارجی به من گفت: (طالب‌زاده، آن کسی بود که توانست اختلافات دامن زده شده توسط رژیم صهیونیستی بین ملل اسلامی را برطرف کند). این روحیه و خصیصه از تفکر و اهداف بزرگ او نشات می‌گرفت. او تنها یک مرد استثنایی نبود، مردی معنوی و چند بعدی بود.

«نادر» در فهرست ترور تروریست‌ها بود چون دشمنان، به خصوص دولت آمریکا را به شدت عصبانی کرده بود. او همچنین توانایی ارتباط برقرار کردن با دشمنان دولت آمریکا را داشت. مخالفانی که از مسئولان سابق آمریکا بودند ولی آنها را به شهر مشهد آورد. امیدوارم جوانان از راه و روش زندگی او یاد بگیرند و راهش متوقف نشود. طالب‌زاده روی جوانان حساب باز کرده بود که راه ایمان و حق طلبی او را ادامه دهند...

زینب مهنا، همسر شهید نادر طالب زاده _ منبع: تسنیم

مرغ شب خوان که با دم می خواند
رفت و این آشیانه خالی ماند
آهوان گم شدند در شب دشت
آه از آن رفتگان بی برگشت _
سید محمود رضوی

زود بود ای نفس سبز که پرواز کنی
همدلان را بگذاری، سفر آغاز کنی
وقت آن بود که از آن همه اشراق و شهود
ذره‌ای را به رفیقان ره ابراز کنی
چشم در راه تو بودیم مگر برگردی
سمت تنهایی مان پنجره‌ای باز کنی
با صدایی که از اندوه علی (ع) سرشار است
شب خاموشی ما را گل آواز کنی
ساحران هنر از هر طرفی آمده‌اند
نیستی تا که در این معرکه اعجاز کنی
مصطفی محدثی

نادر تو عجب نادره مردی بودی
نادر نه که منحصر به فردی بودی
درد از سر درک وه چه نادر افتد
توصاحب درک واهل دردی بودی
غلامعلی حداد عادل

معلم تمام‌عیار و اندیشه‌ورز قهار

گر غربال ابتلائات نباشد، چگونه خبیث از طیب جدا شود و چگونه انسان به کمال رسد؟... معلم تمام‌عیار و اندیشه‌ورز قهار که با مشی پدران و تلاش مؤمنانه‌اش، راه را برای ما که پای در این مسیر نهاده بودیم، باز می‌کرد از میامان رفت. او از برجستگی بود که نهالِ پرطراوتِ هنر و اندیشه انقلاب را در سیل ابتلائات بزرگ زمانه، با شوق و ایمان راسخ خویش پاسداری کرد و به شکوفایی و رویش‌های تازه در نسل‌های بعدی رساند؛ نسلی که جز تشویق و اعتماد از او چیزی ندید و سعه صدر و متانت را از او آموخت... حمیدرضا جعفریان رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری

مدیرعامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس

کسی که در حیات و امروز در نوع وفاتش به ما آموخت. بهتر از همه حرف‌های یار دیرینش سید شهیدان اهل قلم را فراگرفته و به آن جامه عمل پوشانده، اینکه هنر در ذات خود واجد دو وجه کلی است. قبله و جبهه. هنری که جهت نداشته باشد و روی به قبله‌ای نکند و به تعبیر بلند سیدمرتضی انصراف وجه از جهات دیگر نداده باشد و هنری که جبهه و مواجهه با ظلم و کفر و استبداد و بیداد را سرلوحه خود نسازد اساساً هنر نیست از حیز هنر بودن ساقط است. و این مفهوم چه عمیق و درست و مشهود در تار و پود تمام رفتارهای عمار سینمای ایران حاج نادر طالب زاده عزیز تنیده شده بود. روح شاد که در رفتن از این دنیا هم محراب ماه علی (ع) و روز مبارزه با استبداد را برگزیدی و دوباره پرده از رازی برداشتی برای اینکه به ما و به همه آزادی خواهان جهان با رفتن شهادت گونه‌ات درس پایداری و استقامت دهی. حاج نادر عزیز بدان که شاگردانت راهت را ادامه خواهند داد و دیر نخواهد بود زمانی که روز قدس را به یاد تو در قدس گرامی دارند. سیدمحمد حسینی

او بر سر ولایت با هیچ‌کس معامله نکرد و در ولایت‌مداری چیزی کم نگذاشت ممکن است کسی بگوید شهید کجا بود؟ حاج نادر مریض بود و در بیمارستان درگذشت، اما از نظر من آقا نادر شهید است. او ترور بیولوژیک شد و ما برای این مدعا هزاران دلیل داریم که اکنون مجالش نیست همه آنها را باز کنیم. حاج نادر فرماندهی لشکر سایبری ما را برعهده داشت و امروز در همه کشورهای دنیا هزاران شاگرد دارد. هنر حاج قاسم این بود که آرزو و آمال حضرت روح‌الله (ره) را که تا آن زمان مغفول مانده بود، احیا کرد. حاج نادر هم همین آرمان را داشت. هنر حاج قاسم جمع کردن محرومین و باز کردن کریدوری برای آزادی قدس شریف بود. او به مردم مسلمان منطقه یاد داد که چطور مانور و عملیات مشترک انجام دهند. آموزش‌هایی که حاج نادر به جوانان ارائه می‌داد هم از همین جنس است. به‌ویژه آموزش‌هایی که به جوانان لبنانی داده است، بعدها گل خواهد کرد. اگر به حاج نادر امکانات کافی می‌دادیم، کارهای غوغاتری انجام می‌داد. اما برخی به او راه ندادند. برای مثال، پخش «خنجر و شقایق» که آن را با همراهی شهید آوینی ساخته بود، از قسمت نهم به بعد متوقف شد. آقا نادر فرماندهی بود که می‌دانست چطور سازماندهی، ساماندهی و آموزش دهد. ده روز پیش حاج نادر به من زنگ زد. مثل همیشه محکم بود. مثل همیشه انرژی مثبت داد و گفت که کارهایتان را دیدم. دمتان گرم. سپس درباره مواضع انقلاب اسلامی، آمال‌های ما و اینکه استراتژی آینده چه باید باشد، ۲۰ دقیقه صحبت کرد. تعجب کردم که این آدم که روی تخت بیمارستان افتاده چطور دارد درباره این موضوعات صحبت می‌کند. پسر حاج نادر می‌گفت که او تا دقیقه ۹۰ حواسش جمع بوده و شب قدر امسال لحاف و بالشتش را جمع کرد، بیدار ماند و شب‌زنده‌داری کرد. ماه اربعین با نادر به کربلا رفتیم. افراد بسیاری از اروپا، آمریکا، لبنان و... قربان صدقه او می‌رفتند. نادر ویژگی‌هایی داشت که مشخص می‌کرد

چرا باید او را بزنند. کسی که شاگرد اول دانشگاه کلمبیا، شاگرد حضرت روح الله(ره) و حضرت آقا بود را باید هم می‌زدند. مهم‌ترین ویژگی آقا نادر ولایتی بودن او است. چه برای حضرت روح‌الله(ره) و چه برای حضرت آقا. او بر سر ولایت با هیچ‌کس معامله نکرد و در ولایت‌مداری چیزی کم نگذاشت. آقا نادر دائم الوضو بود و این را همه رفقاییش می‌دانستند. به نحوی که بی‌وضو دست به دوربین نمی‌برد. او همچنین اعتقاد ویژه‌ای به ظهور داشت. همین ده روز پیش که به من زنگ زد، گفت: حاجی حواست باشه ما در مراحل ظهور هستیم. در آخرالزمان هستیم. باید کارهای ویژه‌ای انجام دهیم. کار تشکیلاتی کردن و اعتقاد به آموزش و انتقال تجربه، ویژگی دیگر حاج نادر بود. او همچنین به فلسطین و چالش آخرالزمانی اعتقاد راسخ داشت. حضرت آقا هم فرمودند که در قصه ظهور، فلسطین در قلب داستان قرار گرفته است. کما اینکه حاج قاسم هم گفت که فلسطین به دست شیعیان آزاد می‌شود. مبارزه و قرار دادن موضوع مبارزه در برنامه زندگی، همراه با چالش همیشگی با آمریکا، خصلت دیگر حاج نادر بود. او اهل مطالعه و تحلیل بود، اهل ذکر، دعا و نماز شب بود. به رفقاییش توجه ویژه‌ای داشت. همین شب عید بود که به گلعلی بابایی زنگ زد و گفت دم برای حسین بهزاد تنگ شده. برایش چی بخرم؟... آقا نادر همه مال و اموالش را در راه انقلاب خرج کرد. اموال پدرش همگی به ناحق مصادره شد اما او دم نزد. او اهل سازش‌کاری نبود، ولو برای یک لحظه. دلگرم کردن دوستان و شاگردانش به استمرار مسیر، خصلت دیگری بود که حاج نادر از آن بهره برده بود. حضور در صحنه‌های بین‌المللی و خط‌شکنی حول موضوعات روز ویژگی دیگر حاج نادر بود. او جگر به خط زدن را داشت. هرجایی که چالش اتفاق می‌افتاد، در وسط میدان حاضر بود و هرگز از دور نگاه نمی‌کرد. متأسفانه برخی آخرین برنامه‌ای که حاج نادر برای کنفرانس «افق نو» گرفت را هوا کردند و گفتند ما در دوره پسابرجام هستیم



کتابخانه دیجیتال
پایان انقلاب

و داریم به پیروزی نزدیک می‌شویم. این کنفرانس‌ها نباید برگزار شوند. با شهادت حاج نادر، خیال صهیونیست‌ها راحت شد، آنها کار خود را کردند و به اهدافشان رسیدند، چراکه ترور بیولوژیکشان جواب داد. اما این را بدانید که شهادت حاج نادر و حاج قاسم کاتالیزوری برای نابودی منافقین در داخل و نابودی رژیم اشغالگر قدس خواهد بود...

نادر طالب‌زاده بی‌وضو دست به دوربین نمی‌برد... قبل از اینکه بالا بیایم، کسی به من گفت یادت نرود بگویی شهید طالب‌زاده. بله، حتما همینطور است. او شهید است. ممکن است کسی بگوید شهید کجا بود؟ حاج نادر مریض بود و در بیمارستان درگذشت، اما از نظر من آقا نادر شهید است. او ترور بیولوژیک شد و ما برای این مدعا هزاران دلیل داریم که اکنون مجالش نیست همه آنها را باز کنیم. حاج نادر باید شهید می‌شد. من از نادر به عنوان حاج قاسم جبهه رسانه یاد می‌کنم. حاج نادر فرماندهی لشکر سایبری ما را برعهده داشت و امروز در همه کشورهای دنیا هزاران شاگرد دارد. هنر حاج قاسم این بود که آرزو و آمال حضرت روح‌الله را که تا آن زمان مغفول مانده بود، احیا کرد. نادر هم همین آرمان را داشت. هنر حاج قاسم جمع کردن محرومین و باز کردن کريدوری برای آزادی قدس بود. آموزش‌هایی که نادر به جوانان ارائه می‌داد هم از همین جنس است. به‌ویژه آموزش‌هایی که به جوانان لبنانی داد، که بعدها گل خواهد کرد. مهندس، سردار سعید قاسمی

اصل ولایت فقیه است

اینکه جوانانی هستند که مستقل از ما می‌توانند روشنفکران امریکایی را به ایران بیاورند، خوشحال کننده است، روشنفکر آمریکایی دنبال حرف زدن است و اجازه حرف زدن در کشورش را ندارد، دیدن ایران برایشان بسیار مفید خواهد بود، آرمانخواهی و عدالت‌خواهی نیز در بین روشنفکران غربی وجود دارد.

تا زمانی که ولایت فقیه وجود دارد، هر دولتی که در کشور سر کار باشد، اهمیتی ندارد، البته غرب نیز این موضوع را به خوبی متوجه شده است و به آن اذعان دارد. پویایی زمان و کدهایی که رهبر معظم انقلاب می‌دهند، به ما می‌گوید که چه کار کنیم، صحبت مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه «بنده به آینده خوشبینم»، خیلی مهم است و خودش یک برنامه می‌خواهد که باید درباره آن کار شود. امروز غربی‌ها و حتی یهودی‌ها طور دیگری روی ایران حساب می‌کنند و می‌گویند که باید با ایران تعامل کرد. ایران هیچوقت یک تهدید نبوده و ما را با دروغ تحریم کردند. سخنان طالب زاده با مسئولین بسیج دانشجویی دانشگاه تهران

اولین اقدام دولت روحانی و آقای ظریف، تعطیل کردن کنفرانس افق نو بود با تغییر و تحولات سیاسی در کشورمان در سال ۱۳۹۲، وزیر وقت وزارت فرهنگ و ارشاد، علی جنتی، حمایت از این کنفرانس را از دستور کار خارج می‌کند. به عبارت دیگر قبل از اینکه این کنفرانس در سال ۱۳۹۷ توسط مقامات امنیتی و قضائی آمریکایی در لیست تحریم‌های قرار بگیرد، از دایره حمایت‌های وزارت ارشاد وقت کنار گذاشته می‌شود. طالب زاده درباره تحریم‌ها و دست‌اندازهای داخلی این کنفرانس گفت: دست اندازی در دولت نهم برای برگزاری این کنفرانس وجود نداشت و دولت دهم از این کنفرانس حمایت می‌کرد. در دوره آقای روحانی اولین اقدام دولت، متوقف کردن کنفرانس افق نو بود. وقتی که صلاحیت آقای ظریف توسط مجلس تأیید شد، در اولین اقدام با آقای علی جنتی تماس گرفت و گفت جلوی این کنفرانس را بگیرید. این کار برنامه ما را هفت الی هشت ماه عقب انداخت. من هم سئوالم این بود که «افق‌نو» را به چه دلیل متوقف می‌کنید...

منبع: سینما پرس - جمعه ۳ اسفند ۱۳۹۷

پنج ویژگی برجسته و شاخص شهیدطالبزاده

- ۱- معرفت دینی عمیق،
- ۲- بصیرت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی،
- ۳- اخلاق و ادب به‌عنوان خصلت ثابت، بنحوی که هرگز کسی از زبان ایشان توهین و تهمت و دشنامی ندیده و نشنیده،
- ۴- مهربانی و محبت به همهٔ بندگان خدا حتی نسبت به کسانی که با او اختلاف نظر داشتند،
- ۵- بهره‌مندی از زبان و بیان شیوا و زیبا و صحیح و سنجیده که حاصل مطالعه، خواندن، و نوشتن فراوان ایشان بود. نتیجهٔ این پنج ویژگی آن بود که هرکسی در اولین مواجهه با ایشان به‌سرعت مجذوب علم، اخلاق و معلومات مرحوم نادر طالبزاده می‌شد. علیرضا مختارپور رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی

زود بود ای نفس سبز که پرواز کنی
همدلان را بگذاری، سفر آغاز کنی
وقت آن بود که از آن همه اشراق و شهود
ذره‌ای را به رفیقان ره ابراز کنی
چشم در راه تو بودیم مگر برگردی
سمت تنهایی مان پنجره‌ای باز کنی
با صدایی که از اندوه علی(ع) سرشار است
شب خاموشی ما را گل آواز کنی
ساحران هنر از هر طرفی آمده‌اند
نیستی تا که در این معرکه اعجاز کنی
مصطفی محدثی خراسانی

عنوانی که برای نادر طالب زاده استفاده شده که ایشان سردار فرهنگی بوده‌اند، برای ایشان کم است. در جایگاه‌های نظامی تعداد سردارها زیاد است، اما نادر طالب‌زاده ویژگی‌هایی داشت که عنوانی فراتر از سردار باید برای او استفاده شود. یک متخصص قدر بود و در بهترین دانشگاه‌های دنیا تحصیل کرده بود. دغدغه و تعهدی که نسبت به عقبه کارهای فرهنگی‌اش داشت او را در پیشبرد اهدافش کمک می‌کرد. ویژگی بارز طالب‌زاده که نیازمند توجه بیشتری است، نگاه بین‌المللی او بود. طالب‌زاده معتقد بود اگر انقلاب بخواهد در مرزهای ایران محدود شود در دراز مدت جواب نخواهد داد. از این رو سعی می‌کرد شبکه‌ای از افراد که در نقاط مختلف دنیا تشکیل دهد که برای انقلاب کار کنند. طالب‌زاده در کارهایش به غرب انتقاد می‌کرد، رقیب اصلی ما در حوزه‌های فرهنگی، تفکراتی است که از کشورهای غربی به ایران منتقل می‌شود. طالب‌زاده در جنگ نرم دشمن فراتر از سردار ظاهر شده بود. متوجه شده بود، آن چیزی که در این حوزه کمبود دارد نگاه بین‌المللی به انقلاب است که امیدواریم با درگذشت ایشان این نگاه در کشور متوقف نشود. راه نادر طالب‌زاده نباید فراموش شود و مسئولین باید بیندیشند که چگونه راه او را ادامه دهند.

شهادت قاسم سلیمانی خللی در حرکت نیروهای قدس ایجاد نکرد، در واقع با شهادت قاسم سلیمانی راه ایران برای رسیدن به اهدافش نزدیک‌تر شد، چون پس از شهادتش، خطر او برای دشمنان با ادامه مسیرش بیشتر شد، اما در حال حاضر برای نادر طالب‌زاده ادامه‌دهنده‌ای وجود ندارد که توجه به این موضوع از سوی متولیان امر بسیار اهمیت دارد...

عقبه اسلامی و عرفانی مقدمه توفیقات او بود که وی را تبدیل به آقای نادر کرد، علاوه بر آن، برای منحصر به فرد بودنش به غیر از ابعاد رسانه‌ای و

مستندسازی، شاخصه او تعهد و تخصص و در عین حال نگاه بین‌المللی بود... طالب‌زاده از ابتدای انقلاب اسلامی متوجه شد که اگر انقلاب بخواهد به فراتر از مرزها صادر شود، باید نگاه بین‌المللی داشت، تجربه سال‌ها زندگی در غرب و تحصیل در بهترین دانشگاه‌های دنیا، او را نه تنها شیفته غرب نکرد، بلکه به منتقد جدی آن تبدیل کرد...

نگاه نادر به جوانان هنرمند در جشنواره فیلم عمار، نشان از توجه ویژه او به استعدادهای ناشناخته داشت. او با راه‌اندازی جشنواره عمار فضا را برای بروز و ظهور جوانان خوش‌فکر و انقلابی فراهم کرد و امروز ثمراتش را می‌بینیم. ما باید تلاش کنیم راه طالب‌زاده را با همان افق جدید و دیدگاه‌های تازه ادامه دهیم. خداوند واقعاً یک عنایت خاصی به نادر داشت. چرا که او سال‌ها عمرش را وقف استکبارستیزی و صهیونیسم‌ستیزی کرد و این ستیز او ناشی از اطلاعات بسیار وسیع‌اش بود. نادر کسی بود که همه کتب مسیحی‌ها را به خوبی مطالعه کرده بود. مسیحی‌ها به این تفکر احترام می‌گذاشتند. چون رفتارشان آگاهانه بود؛ فیلم «بشارت منجی» با اینکه با قرائت برخی از مسیحی‌ها فرق داشت، اما هیچکس از نادر ایراد نگرفت، چون می‌دانستند او همیشه آگاهانه رفتار می‌کند. در ساخت سریال‌ها گله داشت، چرا در تراز بین‌المللی و نگاه جهانی، ساخته نمی‌شوند.

طالب‌زاده در مسائل دینی و معنوی نگاهی به شدت سنتی داشت؛ یعنی در حین انجام اعمال دینی و ارتباط با خدا حس و حال خوبی داشت. او پاسخ عملی به غرب‌زدگان بود و شاید نگاه ترحم‌بر‌انگیزی، به جریان غرب‌زدگی در کشور داشت. تواضع عجیب طالب‌زاده یکی دیگر از خصایای او بود. بیشتر از همه سوابق آکادمیک و همجواری با اساتید مطرح آمریکا به راننده بلدوزر بودن خود در جبهه می‌بالید...

بیشتر از فخر فروشی‌های رسانه‌ای و نخبگانی رایج، آرمان‌خواه بود و به

مسئولیت‌های خود و بار روی زمین مانده فکر می‌کرد. همه را به پرداختن به متن کار تشویق می‌کرد و از حاشیه‌ها حذر می‌کرد... او از ظلمات مدرنیته به نور اسلام و انقلاب فرار کرد و قرار پیدا کرد. استقامت و مجاهدت‌های حاج نادر، او را از سایرین متمایز می‌کرد... فواد ایزدی، هیئت علمی دانشگاه تهران

روایت عملیاتِ استشهادی در بوسنی

صرب‌ها قدم به قدم جلو می‌آمدند. همان شب تصمیم گرفته شد که یکی از خبرنگارانِ ایرانی دست از جان بشوید و به بهانه مُصاحبه، خودش را به «رادوان کارادزیچ» برساند و با انفجارِ بمبی که داخلِ دوربین‌اش بود، او را به درک و هزارنفر انسانِ بی‌گناه و دستِ خالی را به آزادی و آرامش و خود را به شهادت رساند. و هیچ کس دلش را نداشت و تنها یکی بود که پا پیش گذاشت و برای اینکه دیگران شرمنده ترس خود نشوند، دلیل آورد که تنها کسی در میانِ جمع است که چهره‌ای با پوستِ سپید و چشمانِ آبی و مویِ بور و شبیهِ غربی‌ها دارد و انگلیسی به لهجه و اصطلاحاتِ فاخرِ شرقِ آمریکایی صحبت می‌کند و تازه تحصیل‌کرده «گلمبیا» و هم دانشگاهیِ «رادوان کارادزیچ» است. و تنها داوطلبِ آن عملیاتِ محرمانه کسی نبود، جز، «نادرِ طالب‌زاده»! البته دهباشی یادآوری می‌کند که آن عملیات هرگز انجام نشد؛ زیرا همین که خبرش به تهران رسید، گویا شخصِ آقایِ خامنه‌ای اجازه ندادند.

نگاهی به زندگی، یکی از نادرتین یاران انقلاب

نادر طالب‌زاده اردوبادی چهارم دیماه سال ۱۳۳۲ برابر با شب کریسمس ۱۹۵۳ در تهران به دنیا آمد، پدر نادر طالب‌زاده منصور طالب‌زاده با درجه سرتیپی و مادرش سیده وحیده امیر ملوک شرفی نوه آیت‌الله شرف‌العالی اصفهانی می‌باشد. وی تهیه‌کننده، کارگردان و مجری برنامه‌های متعدد تلویزیونی بود که تمام برنامه‌ها و مباحثی که مطرح می‌کرد همواره با بازتاب و جریان‌سازی همراه بود. طالب‌زاده دارای مدارک تحصیلی کارشناسی ادبیات انگلیسی از دانشگاه راندولف میکن و کارشناسی ارشد کارگردانی سینما از دانشگاه کلمبیا است. او فعالیت هنری خود را از سال ۱۳۵۹ در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با ساخت فیلم‌های مستند آغاز کرد. تدریس در مرکز اسلامی آموزش فیلمسازی و مدیریت مرکز تحقیقات و مطالعات سینمایی معاونت سینمایی

طالب‌زاده و شروع مستندسازی با ماجرای تسخیر لانه جاسوسی

طالب‌زاده خودش می‌گوید ابتدا دانشجوی پزشکی بود، بعد به ادبیات علاقه‌مند شد و در نهایت در رشته سینما تحصیل کرد. او دانشجوی تحصیلات تکمیلی فیلم دانشگاه کلمبیا بود که پس از انقلاب به ایران آمده بود تا از آن فیلمبرداری کند. او فیلمی ۳۵ دقیقه‌ای به نام «واقعیت درباره ی گروگانگیری سفارت آمریکا» ساخت. او در سال‌های اول انقلاب در ایران برای شبکه سی‌بی‌اس کار می‌کرد و به دلیل تسلطش به انگلیسی به هماهنگ‌کردن امور برای آن شبکه در ایران می‌پرداخت. بعد از مدتی در اعتراض به نحوه پوشش رسانه‌های غربی از ایران از این شبکه جدا شد.

از تاسیس «تهران تایمز» تا اعزام به جبهه

وقتی طالب‌زاده در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت، به گفته خودش ده روز پس از پیروزی انقلاب مجوز روزنامه‌انگلیسی زبان «تهران تایمز» را گرفت. امتیاز این نشریه بعداً به سازمان تبلیغات اسلامی واگذار شد و هنوز هم منتشر

می‌شود. او از سال ۱۳۵۹ در سیمای جمهوری اسلامی مشغول به کار شد و به عنوان مستندساز به جبهه رفت و بعد از بازگشت، در مرکز تولید فیلم تلویزیون کارش را ادامه داد. او سابقه همکاری با مرتضی آوینی را هم داشت که به گفته خودش بعد از پایان جنگ بوده است.

پایان جنگ و آغاز یقه‌گیری آمریکا

وی در سال ۱۳۶۰ بعنوان مامور صدا و سیما به جبهه‌های جنگ اعزام شد و آنجا مستند «شوش، شهر شهیدان گمنام» را ساخت و به تهران بازگشت. سپس بعنوان فیلمساز در مرکز تولید فیلم در تهران مشغول به کار شد تا جنگ به پایان برسد. طالب زاده بعد از جنگ به مدیریت مرکز اسلامی آموزش فیلمسازی رسید و کم‌کم بعنوان منتقد سیاست‌های رسانه‌ای آمریکا در تلویزیون در قامت کارشناس حضور پیدا کرد.

ازدواج و تشکیل خانواده

طالب‌زاده در مورد زندگی خانوادگی و ازدواجش با خانم «اعظم باقری» می‌گوید: من در فاصله آمدن از آمریکا تا ایران ازدواج کردم و ۴ فرزند، ۱ پسر و ۳ دختر دارم که یکی در ابتدای دانشگاه، یکی دانشگاهی و دوتای دیگر در بازار کار هستند. نادر طالب‌زاده برای بار دوم با خانم «زینب مهنا» ازدواج کرد که این زوج هر دو در لیست تحریم‌های وزارت دارایی آمریکا قرار دارند. زینب مهنا پژوهشگر و فعال حقوق بشر اهل لبنان است و دوست نزدیکی با مرضیه هاشمی گوینده آمریکایی تبار شبکه پرس تی وی دارد. خانم مهنا در کنفرانس افق نو که با تلاش آقای طالب‌زاده همه ساله در نقد سیاست آمریکا و رژیم صهیونیستی برگزار می‌شود با یکدیگر آشنا شدند.

آمریکا برای اولین بار با عدم صدور ویزا با طالب‌زاده سرشاخ می‌شود

طالب‌زاده در سال ۱۳۷۱ به عنوان مستندساز در جنگ بوسنی حضور یافت و مستندهایی از جنگ در این کشور و آنچه بر مسلمانان بوسنیایی می‌گذرد را

به تصویر کشید. وی از منتقدان دائمی سیاست‌های رسانه‌ای آمریکا بود و در برنامه‌های تلویزیون ایران به عنوان کارشناس سینمایی حضور داشت. آمریکایی‌ها برای وی جهت همراهی ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد در سفر به آمریکا ویزا صادر نکردند. طالب‌زاده تأکید کرد که آمریکایی‌ها تنها به خاطر آثارش به او اجازه سفر به آمریکا را نداده‌اند. توماس اردبرینک خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز طی یادداشتی در ۱۸ فوریه ۲۰۱۳ میلادی از او با عنوان «فیلم‌ساز ایرانی-آمریکایی» یاد کرد. طالب‌زاده در مصاحبه‌ای با باشگاه خبرنگاران جوان در ۱۵ فروردین ۱۳۹۴ با رد کردن این مطلب گفت: «من حتی گرین کارت هم ندارم. من با اینکه تحصیلاتم را آنجا گذرانده بودم، تابعیت آمریکایی ندارم بعد از انقلاب هم امکان گرفتنش برایم بود، اما هیچ‌گاه نخواستم.»

مستند سازی نادر طالب زاده

طالب زاده در تابستان ۱۳۵۹ قبل از شروع جنگ مستند خوزستان را می‌سازد و در اواخر شال ۵۹ مستندی بنام واقعیت از ماجرای گروگانگیری را شروع کرده. طالب زاده در آذرماه ۱۳۹۶ در سازمان هنری و رسانه ای اوج، موسسه ای مستقر در تهران که آثار انقلابی در هنر و سینما را تولید می‌کند، جایزه یک عمر دستاورد هنری را دریافت کرد. نادر طالب زاده مجری برنامه تلویزیونی عصر شبکه مستند صدا و سیما است که به بررسی مسائل با تحلیلگران در حوزه های مختلف می‌پردازد.

موسسه افق نو مهمترین اتفاق اندیشه‌ای ضد امپریالیستی طالب‌زاده

نادر طالب‌زاده دلیل این پرتنگی اتفاقات سال ۸۸ در رسانه‌های خارج از ایران را نبود اطلاع‌رسانی کافی در داخل و مبارزه نکردن با عدم برگزاری مناظره دانست. طالب‌زاده که مسئولیت مؤسسه افق نو را بر عهده داشت، کنفرانس معروف «هالیوودیسیم و بیداری اسلامی» را برگزار کرد و مهمان‌هایی، همچون



الکساندر دوگین را از اروپا و آمریکا و چهره‌های دیگری از کشورهای غیرغربی را برای شرکت در این کنفرانس به ایران دعوت کرد. طالب‌زاده همواره از جایگاه و اعتبار خود برای دعوت چهره‌های سیاسی و فرهنگی آمریکایی که به گفته او «منتقد آمریکا» بودند استفاده می‌کرد که به ایران بیایند. او در کنفرانس سالانه «افق نو» چند چهره فرهنگی سیاسی آمریکا را به ایران آورد و در برنامه زنده تلویزیونی «راز» شبکه چهار سیما نیز با برخی از این افراد مصاحبه می‌کرد.

موضع طالب‌زاده در مورد کاترین شکدم

طالب‌زاده در مصاحبه‌ای در مورد اتهام باز کردن پای کاترین شکدم به ایران گفت: «کاترین شکدم را من به ایران دعوت نکردم. «او میهمان کنفرانس فلسطین بود و جزو ششصد میهمانی بود که از آنجا دعوت شده بودند و با تایید سیستم دعوتی آن‌ها و چک و بازرسی آنجا به ایران آمد و ما پیش از این او را نمی‌شناختیم. خانم شکدم نامه‌ای از شبکه روسی آر تی داشت که در آن درخواست کرده بود تا با رئیسی صحبت کند من نیز بر اساس وظیفه و از آنجایی که در تیم حمایت از رئیسی بودم با مشورتی که با دوستان انجام دادم، اجازه گفتگو برای او گرفتم... گفت‌وگوی او با رئیسی در زمان خودش یک گفت‌وگوی خوب بود چرا که بر مبنای این موضوع بود که چرا آقای رئیسی بهترین کاندیدای ریاست جمهوری در آن زمان است.»

طالب‌زاده و گفتگوی ادیان با ساخت سریال «بشارت منجی»

طالب‌زاده در راه اندازی «جشنواره فیلم عمار» نقش داشت و دبیر این جشنواره بود. این جشنواره محل نمایش فیلم‌های کوتاه، مستند و بلندی بود که به موضوعاتی، چون «مقاومت»، «مبارزه با استکبار و صهیونیسم» و تحولات خاورمیانه مانند جنگ سوریه می‌پرداخت. بشارت منجی نام سریالی است که به کارگردانی طالب‌زاده ساخته شد. این سریال بر اساس زمینه‌های مشترک بین

اسلام و مسیحیت ساخته و پرداخته شده است. از نادر در سی و یکمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر به عنوان پیشکسوت سینما تجلیل شد.

ماجرای طرح فرضیه ترور بیولوژیکی

در خرداد ۱۳۹۵ نادر طالب‌زاده در مصاحبه با رسانه‌ها گفت که هدف ترور بیولوژیکی قرار گرفته است. او به خبرگزاری فارس گفت: یک سال و نیم پیش به گروهی از لبنان برای راهپیمایی اربعین به عراق رفتم که چمدان من را از هتللی که در نجف بودم از میان صدها چمدان برداشتند و ۵ الی ۶ روز بعد در کربلا نصفه شب تحویلم دادند. لپ تاپ من را خالی و بررسی‌های کامل را انجام داده بودند. از همان روز که چمدان را تحویل گرفتم حامل بد شد، اما متوجه این ماجرا نبودم.

طالب‌زاده در مورد محتوای داخل لپ‌تاپ مذکور گفت: «لیست مهمان‌های افق نو بود، کنفرانسی که یک سال و نیم پیش در تهران برگزار شد. کنفرانسی که انجمن «ADL» آمریکا با آن مخالفت می‌کرد که متخصصین و متفکرین‌شان به ایران نیایند و صحبت نکنند. درست بعد از آن بود که این اتفاقات افتاد، اما فکر می‌کردم آن‌ها محتویات لپ‌تاپ را می‌خواهند و گمان نمی‌کردم با خودم کاری داشته باشند. از همان روز به بعد سرفه‌های خونی داشتم. و متوجه بروز مشکلات جسمی شدم که با سرعت شدید می‌شد. مشکل تنفسی مهم‌ترین مشکل بود، زیرا سرفه‌های شدیدی داشتم و در ادامه توان راه رفتن را هم تا حدی از دست دادم... با مراجعه به پزشک، خصوصاً پس از بازگشت به ایران تحت مداوا قرار گرفتم که در ابتدا تشخیص درستی از بیماری داده نمی‌شد، اما در ادامه کارشناسان و پزشکان احتمال آلودگی عمدی را دادند و با تعریف ماجرای سرقت چمدان موضوع احتمال آلودگی قوت گرفت. این گونه تحت درمان قرار گرفتم و الان به لطف خدا بهتر هستم و در منزل درمان را ادامه می‌دهم. لحظاتی استاد به زبان انگلیسی با همسرش صحبت کرد و

وی با یک سینی شربت از گروه پذیرایی کرد. حین صحبت با استاد خودم را خبرنگار خبرگزاری فارس معرفی کردم که حاج نادر از حضورم خوشحال شد و گفت که اسنادی از جنایات صهیونیست‌ها را در اختیار دارم و قصد دارم با حضور در خبرگزاری فارس این اسناد را منتشر کنم.

ماجرای بستری شدن در بیمارستان

به تاریخ ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۰ در مراسم افتتاحیه جشنواره عمار عنوان شد که نادر طالبزاده به دلیل نارسایی قلبی به سی‌سی‌یو منتقل شده است. او پس از چند روز مراقبت و رسیدگی بهبود یافت و از بیمارستان مرخص شد، اما هفته پیش از درگذشتش به دلیل عود کردن مجدد علایم بیماری، دوباره در بیمارستان بستری شد. نادر طالبزاده، اما پس از چهار دهه همراهی با انقلاب و برگزاری صدها نشست و برنامه، عصر روز نهم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان درگذشت. پزشکان علت درگذشت وی را عوارض ناشی از عارضه قلبی و لختگی خون اعلام کردند. رهبر انقلاب بعد از درگذشت طالبزاده برای وی پیام تسلیت نوشت. سیدابراهیم رئیسی، محمد باقر قالیباف، محسن رضایی، حسین امیرعبداللہیان، ابراهیم حاتم‌کیا و مسعود دهنمکی از جمله مقامات و شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای هستند که برای درگذشت نادر طالبزاده پیام تسلیت دادند.

مراسم تشییع پیکر مرحوم نادر طالبزاده، مجری و از برنامه‌سازان پیشکسوت سینما و تلویزیون در مسجد بلال صدا و سیما و با نوای صادق آهنگران برگزار شد. صابر خراسانی اجرای مراسم را بر عهده داشت که در ابتدا به قرائت پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت درگذشت نادر طالبزاده پرداخت و در ادامه علیرضا قزوه به شعرخوانی پرداخت. حسن رحیم‌پور ازغدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی که یکی از چند سخنران این مراسم بود، با اشاره به اینکه ما عادت کردیم مردان بزرگ را تا هستند اذیت و بعد از درگذشت تجلیل کنیم. در

پایان این مراسم با امامت حجت‌الاسلام سیدمحمد قائم مقامی بر پیکر زنده یاد طالب‌زاده نماز میت خوانده شد. پیکر این هنرمند پس از تشییع مقابل مسجد بلال به بهشت زهرا (س) انتقال یافت و در کنار مزار شهیداهل قلم سیدمرتضی آوینی به خاک سپرده شد...

آلودگی پاک‌ترین آب جهان به آرسنیک

در دیدار با استاد به سال ۱۳۹۵ با جمعی از فعالان رسانه‌ای از ایشان درباره موضوع آلودگی آب زمزم به آرسنیک جوینا شدم و ایشان به شرح ماجرا پرداخت... سال ۱۹۷۱ انگلیسی‌ها در گزارشی آب زمزم را یکی از پاک‌ترین و مفیدترین آب‌های جهان معرفی کردند که دارای مقادیر زیادی فلوراید، کلسیم و منیزیم بوده که در صورت نوشیدن یک لیوان از آن، تا ساعت‌ها شاداب خواهید ماند. اما همین آب پاک و مفید در سال ۲۰۰۶ به عنوان آب آلوده معرفی شد و نشریه گاردین مسلمانان را از استفاده از آب مقدس برحذر داشت. موضوع مسمومیت آب زمزم به آرسنیک از سال ۱۳۶۶ و بعد از ماجرای حج خونین رخ داده و پس از این ماجرا آب زمزم که به گواهی خود غربی‌ها یکی از بهترین و گواراترین آب‌های جهان بود، مسموم شده است. این موضوعی است که باید نهادهای مسئول فوری به آن رسیدگی کنند. البته شرح مفصل این ماجرا و چند جنایت دیگر را در خبرگزاری فارس مطرح می‌کنم...

مرهون مرحوم والدینم هستم

انقلاب همچنان پر قدرت است، به عنوان نمونه اربعین مانور خداوندی است. «پایپر» نویسنده کتب مختلف آمریکایی که چندی پیش از دنیا رفت. دو سال پیش در کنفرانس هولوکاست حضور داشت و به طور مشکوک از دنیا رفت؛ او ده کتاب مشهور نوشت که ترجمه شده و اعتقاد دارم مسلمان از دنیا رفته است. من توفیق داشتم در برنامه‌های مختلف افراد انقلابی را نشان دهم، این محفل برای من نیست؛ ما تنها نیستیم خارجی‌ها باید بیایند و بشنویم،

دوران تحول را ببینیم، اما آنها برای ما نقشه می‌کشند و باید هوشیار باشیم... حول انقلاب یک عرصه‌ای را نشان داد که خارجی‌ها هم آن را درک می‌کنند. برایم سخت بود برخی از صحبت‌ها را بشنوم، این جشن انقلاب است و تحولی در جهان شکل گرفت و من هم در این میدان بودم. من مرهون مرحوم والدینم هستم... ششمین محفل اوج هنر، پاسداشت نادر طالب‌زاده طالب‌زاده و ساعت ۲۵

همان وقتی ساعت ۲۵ را ساختیم من نیویورک بودم. مسئول آن زمان جمهوری اسلامی در سازمان ملل بحثی با من داشت و می‌گفت در مورد چه چیزی می‌خواهی مستند بسازی؟ گفتم فروپاشی تدریجی آمریکا. گفت آخر آمریکا از لحاظ اقتصادی هر روز قوی‌تر می‌شود. گفتم این‌طور نیست. تو در این کوچه‌ها نبودی، تو با بنز می‌آیی و می‌روی و نمی‌دانی آمریکا چیست. البته تاریخ نشان می‌دهد آمریکا چه شد و چه روندی را طی خواهد کرد. امروز دلیل توجه آقا به شما جوان‌ها روشن‌تر می‌شود. در نسلی از نسل انقلابی‌ها یک‌بخشی آلوده شدند. بعد از رحلت امام بخشی از پیرهای انقلابی خودشان را آلوده کردند؛ فضایی پیش آمد که خودشان را با مال و اموال آلوده کردند. شما بروید و ببینید مکانیسم آلوده کردن مسئولان چگونه اتفاق افتاد. نباید فرصت‌ها را از دست بدهیم. آقا خیلی توجه می‌کند به نسل جوان؛ چون آلوده نیستند. از اموال بد چیزی در جیب‌شان نرفته است...

گفتگویی اختصاصی با نادر طالب زاده

پدر من در زمان کودتای ۲۸ مرداد اصلاً در تهران نبود
آقای طالب زاده شما تا به حال ویکی پدیای خود را خوانده‌اید؟ در ویکی
پدیای شما به مسائلی اشاره شده که کنجکاو‌های ما را در مورد شما بیشتر بر
می‌انگیزد آیا آنچه که در ویکی پدیا در خصوص پدرتان آورده شده است،
صحت دارد؟

بله، من ویکی پدیای خود را خوانده‌ام. چیزهایی که در ویکی پدیا آمده،
بیشتر تنظیم صدای آمریکا است. آنها دوست دارند کسانی را که از یکسری
ارزش‌ها دفاع می‌کنند، هدف قرار دهند و ضربه‌ی خود را به جاهای دیگر
وارد کنند و من هم چون از یکسری ارزش‌ها حمایت می‌کنم، اکنون هدف آنها
هستم. مرحوم پدر بنده سال ۴۳ خانه نشین، سال ۴۴ دادگاهی و سال ۴۵ حکم
بازنشستگی‌اش زده شد. ماجرای کامل پدر من در کتاب «قیام عشایر جنوب» (ص
۴۸۶ تا ۴۹۵) نوشته دکتر کشواد سیاهپور نوه‌ی غلامحسین سیاهپور (کسی که
در سال ۴۳ علیه شاه قیام می‌کند) و هفته‌نامه‌ی فردوسی (شماره ۳۶۰ سال
۱۳۳۷) آمده است. بعد از سخترانی امام خمینی (ره) در قم یک نبرد در جنوب
بین مردم کهگیلویه و بویر احمد و شاه اتفاق می‌افتد که غلامحسین سیاهپور
در رأس این ماجرا بود و من افتخار داشتم ایشان را از نزدیک ببینم. همان
موقع شاه ایشان را اعدام و پدر من را به اتهام حمایت از عشایر خانه نشین
می‌کند. کتاب «نبرد گجستان» محمد کرم رزم جو و همچنین سخنان مورخ
آکادمیک و معروف ایران دکتر عبدالله شهبازی هم شاهد بر این مدعا است.
کسی که در کودتای ۲۸ مرداد باشد، ۲ سال دادگاهی و در سن جوانی و ۲۰ سال
قبل از بازنشستگی خانه نشین می‌شود، پدر من جوان‌ترین افسری بود که
بازنشسته شد. در کتاب «تاریخ معاصر ایران» (سال ۱۳۲۰ شماره ۳۰) مقاله‌ای

به نام «سرلشگر اردوگاه کیست» نوشته‌ی دکتر سیاه‌پور مفصل به زندگی پدر من پرداخته است؛ همین طور کتاب «تاریخ اجتماعی کهگیلویه و بویر احمد» که نویسنده‌ی آن را به خاطر نمی‌آورم یک فصل در این مورد صحبت شده است. یکسری افراد خارجی و داخلی که می‌دانند پدر من قبلاً ثروتمند بوده و اکنون وضع مالی خوبی ندارد، دوست دارند، امثال ما را هدف قرار دهند تا به منافع خود دست یابند. البته بیان چنین مسائلی سبب می‌شود افرادی مثل شما بروند و تحقیق کنند و کتاب‌های دکتر سیاه‌پورها و شهبازی‌ها را بخوانند. اگر شما این کتاب‌ها را مطالعه کنید دیگر به حرف‌های صدای آمریکای بهائی گوش نخواهید داد. پدر من در زمان کودتای ۲۸ مرداد اصلاً در تهران نبوده و چیزهایی که در موردش می‌گویند دروغ است.

شما در چند سالگی و به چه منظور به آمریکا مهاجرت کردید؟ از ۱۶ تا ۲۶ سالگی در آمریکا زندگی کردم، من در آمریکا مشاهداتی داشتم که بعدها خیلی به دردم خورد، پدر و مادر من علاقه‌ی زیادی به ادامه تحصیل من داشتند، خصوصاً مرحومه مادرم که زبان انگلیسی را نیز او به من آموخت.

مادرتان ایرانی بود؟

بله، مادر من سیده وحیده امیر ملوک شرفی نوه‌ی آیت الله شرف العالی اصفهانی است و من کاملاً برای همین خاک و بوم هستم و اینکه مادر من آمریکایی است، شایعات برآمده از صدای آمریکا است. من تا قبل از انقلاب اسلامی در آمریکا بودم و تجربیات خوبی از آنجا کسب کردم.

از زندگی خودتان بگویید و اینکه چطور ازدواج کردید؟ از فرزندانان بگویید؟ من در فاصله‌ی آمدن از ایالت متحده آمریکا تا ایران ازدواج کردم و ۴ فرزند،

۱ پسر و ۳ دختر دارم که یکی در ابتدای دانشگاه، یکی دانشگاهی و دوتای دیگر هم در بازار کار هستند و الحمدالله مسیر کار خود را به خوبی ادامه می‌دهند.

هیچ گاه نخواستم که تبعه‌ی آمریکا شوم

شما از ۱۶ سالگی به آمریکا رفته‌اید و در آنجا تحصیل کرده‌اید، حتی گفته شده که تابعیت آمریکایی دارید، درست است؟ نه، من حتی گرین کارت هم ندارم. من با اینکه تحصیلاتم را آنجا گذرانده بودم، تابعیت آمریکایی ندارم بعد از انقلاب هم امکان گرفتنش برایم بود، اما هیچ گاه نخواستم. چطور می‌شود که فضا و حال و هوای آن کشور نه تنها بر روی شما تأثیر نمی‌گذارد، بلکه جهت فکری تان هم مخالف با آن فضا می‌شود؟

پدرم مهمترین نقش را در این موضوع دارد. من در سال ۴۳ و قیام بزرگ «عشایر جنوب» در ۱۰ سالگی شاهد یک حادثه مهم تاریخی بودم؛ پدر من با اینکه افسر وفادار و وطن پرستی بود، تن به ظلم نداد و در مقابل شاه قرار گرفت و به همین دلیل خانه نشین شد. از سال ۴۴ به بعد این موضوع برایم به یک الگو تبدیل شده بود که یک فرد در آن زمان با آن موقعیت، چنین کار بزرگی را انجام می‌دهد.

جهت‌گیری فکری شما دقیقاً از چه زمانی و به دنبال چه اتفاقی شکل گرفت؟

من همیشه به این فکر بودم که ایران چگونه می‌تواند متحول شود، وقتی من سخنان امام خمینی (ره) و صدای ایشان را در مطبوعات آمریکایی برای اولین بار و چند ماه قبل از آمدن ایشان به پاریس شنیدم، بسیار متأثر شدم و فهمیدم الان زمانی است که می‌توانم به ایران کمک کنم. آن زمان شاهد یک دوره تاریخی در آمریکا بودم که می‌دانستم آمریکا با ایران چه خواهد کرد و یک تجربه‌ی شهودی سلوکی داشتم. درست سه ماه قبل از پیروزی انقلاب

اسلامی به ایران آمدم و با خبرگزاری‌های مختلف از جمله CBS آمریکا که یکی از مهمترین شبکه‌های خبری آن کشور است، کار کردم این هم خط امام (ره) بود که همه کمک کنیم تا اخبار انقلاب به گوش جهانیان برسد. بلافاصله پس از ۲۲ بهمن ۵۷ از CBS بیرون آمدم و به همراه چند تن از دوستان دیگرم که لازم است نامشان را اینجا بیاورم؛ عرفان پرویز که اکنون در بستر بیماری است و آن موقع سردبیر روزنامه بود، عباس برازنده، هوشنگ نوروزی، اصغر جوادی و خانم یوهانز، یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی مجوز روزنامه‌ی تهران تایمز را گرفتیم و آن را تأسیس کردیم. آنچه که بعد از این موضوع اتفاق افتاد، تسخیر لانه‌ی جاسوسی بود که من در مورد آن مستندی برای تلویزیون ساختم که محور آن انعکاس معکوس این حادثه برای ایرانیان بود، در این مستند با تمام خبرنگاران آمریکایی که در ایران حضور داشتند، صحبت کردم و این مستند آغاز همکاری من با صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران بود و به نوعی آموزش و تربیت و سلوک رسانه‌ای را از آن زمان شروع کردم.

گفته می‌شود که با وجود این جهت‌گیری فکری، شما در بعضی از جاها نگاه هنری و اجتماعی‌تان متأثر از زندگی در آمریکا است. من آثار خیلی از کارگردانان را دوست دارم، به طور مثال «ناخدا خورشید» ناصر تقوایی و «سفر سنگ» مسعود کیمیایی. در زمان جنگ در جبهه‌های نبرد، تنها سر فیلم «سفر سنگ»، محمد رسول‌الله و «اژدها وارد می‌شود» بروسلی پخش می‌شد. به همین دلیل من قدر زحمات کیمیایی را می‌دانم و برای نگاهش ارزش قائل هستم. همیشه باید برای چیزهایی که خوب است، ارزش قائل شد و به آنها احترام گذاشت. خیلی از هنرمندان هستند که کسی به آنها توجه نمی‌کند مثلاً هنرمندان پیشکسوت تئاتری با اینکه بازی‌های خوبی دارند کسی به دنبالشان نمی‌رود؛ اما من در کارهای آنها هم قشنگی‌هایی

دیدم و به نظرم یک هزمنند باید برای تمام نگاه‌ها ارزش قائل باشد. این نوع نگاه همیشه برایم مهم بوده، مثلاً من همیشه نسبت به موسیقی حساس هستم و حتی در «راز» هم چندین برنامه در این خصوص صحبت شد. الان هم دوست دارم در مورد انحراف در موسیقی صحبت کنم و برنامه بسازم.

بازگشتم از آمریکا به ایران دست خودم نبود

از زندگی در آمریکا و خاطرات تان بگوئید. چه شد که به ایران بازگشتید؟

وقتی حادثه‌ی سینما رکس آبادان اتفاق افتاد و تیتز اول تمام روزنامه‌ها، حتی روزنامه‌های محلی نیویورک شد، انقلاب برایم رنگ دیگری پیدا کرد و مهمتر از قبل شد. دیگر ماندن یا ماندنم در آمریکا دست خودم نبود با اینکه اواخر مقطع فوق لیسانس بودم، تصمیم گرفتم به ایران بازگردم همیشه صحبت‌های امام خمینی (ره) را در مجلات فرهنگی - سیاسی آمریکا دنبال می‌کردم و به شدت جذب شخصیت ایشان شدم و خود امام (ره) برایم یک موضوع شد و به ایران آمدم تا بینم چه کمک و خدمتی می‌توانم به ایشان بکنم. من افتخار این را داشتم که قبل از وارد شدن امام راحل به ایران در ایران باشم و در اولین مصاحبه‌ی مطبوعاتی ایشان توفیق سوال از ایشان را داشتم. همیشه این سوال در ذهن من بود که اگر لازم باشد آیا امام حکم جهاد می‌دهند. این سوال من بود که توسط خبرنگار CBS آمریکا پرسیده شده و در ۱۴ بهمن ما تیتز اول تمام روزنامه‌های داخلی و خارجی شد. علت پرسش این سوال از سوی من این بود که من همیشه احتمال می‌دادم ممکن است در هر زمان کودتایی رخ دهد و اگر امام تهدید و اخطار بر حکم جهاد بکنند، این اتفاق نخواهد افتاد، من هر چه صبر کردم که خبرنگاران این سوال را از امام بپرسند، نپرسیدند تا اینکه در ۱۰ دقیقه‌ی آخر مصاحبه این سوال را روی کاغذ نوشتم و به خبرنگار CBS دادم و پاسخ آن تیتز یک روزنامه‌های بهمن شد. اخطار آن

برای دوست و برادر عزیزم نادر؛
که با چشمان دریایی اش دیده است
چگونه خورشید از مغرب سر می زند.

سید مفضل



نادر نازیبی

سید مفضل

روز امام (ره) کار خودش را کرد، بعدها هایزر گفته بود که ما می‌خواستیم کودتا کنیم اما از عوارض و عواقب آن ترسیدیم. در کل انقلاب اسلامی یک بستر بود که به انسان‌ها هویت می‌بخشید.

آوینی بزرگ‌ترین هنرمند زمان است

از آشنایی‌تان با شهید بزرگوار آوینی بگوئید. شخصیت وی را توصیف کنید. مرتضی آوینی انسان عارف و حکیمی بود که یک رسالت بزرگ در انقلاب داشت؛ مرتضی ضرب آهنگ و تپش انقلاب را بسیار عارفانه، حکیمانه و پراحساس بیان کرد. من اولین بار از طریق متن مستند «روایت فتح» با او آشنا شدم که به نظرم روایت فتح جهاد تلویزیونی بود. ۲ سال بعد و در اواخر جنگ، شلمچه جایی بود که ما را به هم پیوند داد و من بسیار مشتاق بودم با او کار کنم.

این آشنایی در زندگی شما چه تأثیری داشت؟

کمی از خاطرات تان برابمان بگوئید؟

من توفیق همکاری مستقیم با شهید آوینی را بعد از جنگ پیدا کردم و مستندهای «فجر و شقایق» و «ساعت ۲۵» زیر نظر ایشان ساخته شد؛ «ساعت ۲۵» نامی بود که مرتضی آوینی برای مستندی که در ۱۰ قسمت، بی برکتی در آمریکا و آغاز فروپاشی آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی را به تصویر می‌کشید، انتخاب کرد. آوینی حکیمی بود که من در آن روزها هفته‌ای چند بار او را می‌دیدم. آن موقع هیچ کس او را نمی‌شناخت و خود او هم اهل ظاهر شدن و خودنمایی نبود و این برای من یک فرصت بود که از نزدیک ایشان را می‌دیدم، اما بعد از شهادتش همه آن را شناختند، یادم می‌آید یک بار برای «فجر و شقایق» مرتضی باید متنی را که خودش نوشته بود، می‌خواند. سه

بار به دلیل گریه‌های مرتضی ضبط را متوقف کردیم. هر بار که این شهید اقدام به خوانش متن خودش می‌کرد، گریه‌اش می‌گرفت. مرتضی حال عجیبی داشت که بر اثر عبادت، خداوند به او داده بود. آن چیزی که همیشه خیلی به دل می‌نشیند، کلامی است که با یک حضور می‌آید، یادم نمی‌آید در حضور آوینی بوده باشم و حرفی از حکمت نباشد. اگر تو یک سوال داشتی، اما نمی‌دانستی چطور آن را مطرح کنی، آوینی طوری پاسخ می‌داد که پاسخ تو را در بر می‌گرفت، من این موضوع را چندین بار امتحان کردم. این نشانه‌ی نوعی تصرف است. آوینی افزون بر تصرفی که داشت در نهایت تواضع در کار خود نمونه بود و دومی نداشت. همین موضوع سبب می‌شود که شما اگر هر روز هم متن روایت فتح را بخوانید برایتان نو باشد، دقیقاً شعرهای حافظ هم به همین صورت است، خداوند بر اثر عبادت زیاد حال و کلامی به این افراد می‌دهد که بتوانند با ترکیب عبادت، هنر، فلسفه و حکمت یک معجون بسازند که همیشه نو باشد و به کام همه خوش آید. من این حال عارفانه را در آوینی تشخیص دادم و ۴ الی ۵ سال قبل از شهادت ایشان در حوزه، به محمد آوینی برادر مرتضی گفتم که به نظرم مرتضی بزرگترین هنرمند زمان است؛ آقای اسلاملو و محمد آوینی شاهدان این موضوع هستند و بعد که مرتضی شهید شد، همه به این موضوع پی بردند. خیلی از افرادی که مرتضی را دیده بودند در ناخودآگاهشان متوجه این حس مرتضی بودند و بعضی‌ها هم به او حسادت می‌ورزیدند. در خود تلویزیون هم مسئولان آن زمان به مرتضی حسادت کردند و بعد از جنگ ممنوع‌الورودش کرده بودند که این موضوع از بی‌توفیقی رسانه بود. مرتضی بعد از شهادتش شناخته شد. عرفان «روایت فتح» سبب دلنشین شدنش می‌شود

«روایت فتح» اثری بی‌نظیر است. فکر می‌کنید موفقیت این اثر نتیجه‌ی چیست؟ حتی این اثر به دلی بچه‌های دهه هفتادی مثل ما نفوذ کرده

است، علت آن را در چه می‌بینید؟

«روایت فتح» یک عرفان داشت، عرفان یعنی حضور، انقلاب را درک کردن و فرزند زمان بودن، همان چیزی که آقا امروز آن را با نام بصیرت می‌خوانند. این بصیرت در همه جا به خصوص فتنه‌ی ۸۸ خود را نشان می‌دهد. کسانی که عمق را دیدند دچار فتنه نشدند. متن، کلام، صوت و تدوین آثار آوینی یک ندای غیب بود و برای همه همچون فال حافظ است. شما به راحتی می‌توانید صدای آوینی را در گوشی خود گذاشته و هنگامی که حال بدی دارید، گوش دهید. صدا و متن آوینی تأثیرات وضعی دارد و همین است که سبب می‌شود برای تمام گروه‌های سنی جذاب باشد.

شما در زمینه‌ی مستند و کارهای پژوهشی ید طولایی دارید، چرا تاکنون فعالیت آنچنانی در زمینه سینمای داستانی نداشتید؟
من در زمینه‌ی داستانی یک سریال ۱۷ قسمتی برای شبکه یک به نام «بشارت فجر» ساختم و دیگر کار داستانی نکردم. من سال‌ها این رشته را به دانشجویان مختلف درس داده‌ام، اما خودم به دنبالش نرفتم، من کار مستند را دوست دارم و به دلیل علاقه‌ام به این حوزه بیشتر به سراغ آن رفته‌ام.

بنیاد بیداری علم در اروپا با علوم مسلمانان پایه ریزی شد
از مستندهای مختلفی که کار کردید، صحبت کنید و بگویید چرا به سراغ چنین مضامینی رفتید و به آنها پرداختید؟

بیان و مطرح کردن موضوع هر کدام از مستندهای من یک ضرورتی داشت و معمولاً به سراغ سوژه‌هایی رفتم که کسی آنها را نمی‌سازد. مثلاً کاری به نام «رنسانس در رنسانس» را ساختم که علاقه‌ی زیادی به آن دارم و به ۵ زبان زنده‌ی دنیا ترجمه شده است؛ این مستند درباره‌ی چگونگی انتقال علم در

قرون وسطی از مسلمانان به غربی‌ها بود، در این مستند این سوال را مطرح کردیم که چگونه علم از دست مسلمانان به دست اروپاییان افتاد؟ این علمی که غربی‌ها به وسیله‌ی آن رنسانس کردند، متعلق به مسلمانان بوده است، برای ساختن این مستند به سیسیل رفتیم و با بسیاری از دانشگاهیان و دانشمندان رمی صحبت کردیم و در مستند به این نتیجه رسیدیم که در دوره اُمّه اطهار حوزه‌های علمی تأسیس می‌شود و یک انفجار علمی در جهان رخ می‌دهد. کار دیگری به نام «بیداد خاموش» در رابطه با جانبازان شیمیایی داشتیم و نقش اروپا در مصلح کردن صدام برای بمباران شیمیایی در ایران را بررسی می‌کرد. من برای ساختن این کار به لندن، اتریش و آلمان رفتم و به گفتگو با خبرنگاران و وزرای خارجی آنها پرداختم. با تونی بن نماینده ی آلمانی‌ها هم مصاحبه کردم و آخر کار از آیت‌الله رفسنجانی و دکتر ولایتی پرسیدم که چرا از این آقایان شکایت نکردید؟ در برنامه «راز» هم این موضوع را در حضور جمعی از وکلای معروف و بیژن نوباوه وطن مطرح کردیم که ایران به خاطر مسئله MMP (کشتار جمعی) باید علیه آمریکا و اروپا شکایت کند. من «بیداد خاموش» را ۱۸ سال پیش ساختم و قبل از آن هیچ کس به دنبال این موضوع نرفته بود، اما بعد از من ۱۵ سریال در این باره ساخته شد.

من متعلق به هیچ حزب و گروهی نیستم
شما به جبهه پایداری تعلق دارید ولی با یکسری از کارگردانان اصلاح طلب هم دوست‌های صمیمی دارید.

این حرف که من متعلق به جبهه‌ی پایداری هستم، کذب محض است من به جبهه پایداری هیچ کاری ندارم و متعلق به هیچ حزب و گروهی نیستم. همین امروز اگر آقای روحانی کاری را از من بخواهد، انجام می‌دهم اگر آقای احمدی نژاد هم می‌خواست، انجام می‌دادم. خط من، خط انقلاب است.

من به هیچ جبهه‌ای جز انقلاب تعلق ندارم. وظیفه وزارت خارجه است که همایش‌هایی چون هالیوودیسم را پوشش دهد.

شما سلسه کنفرانس‌های بین‌المللی «افق نو» و هالیوودیسم را در ایران راه اندازی کردید؟ هدف چه بود و لزوم این کنفرانس‌ها را در چه دیدید؟ این کنفرانس‌ها تا چه حد توانستند اهدافی را که شما از راه‌اندازی آن داشتید، محقق کنند؟

من حدود ۹ سال پیش این طرح را دادم، تا اینکه در دوره‌ای با هالیوودیسم شروع شد و با افق نو ادامه پیدا کرد. افق نو یک ضرورت است که ما امروز باید متوجه آن باشیم این روزها جهانیان بیدار شده‌اند و علیه حکام موضع گرفته‌اند. ما باید از دانشمندان بیداری که آثار مهمی دارند، دعوت کنیم که به ایران بیایند و آثارشان را ارائه دهند، در چند دوره‌ای که این همایش‌ها را برگزار کرده‌ایم صدای بزرگ‌ترین مرکز صهیونیستی جهان (APL) درآمد و در همان روز دوم آخرین کنفرانس، علیه‌مان موضع گرفتند و در تمام روزنامه‌هایشان مطلب زدند که ایران تمام مخالفان آمریکا را در خود جمع کرده است. این یک خط و ظرفیتی است که جمهوری اسلامی ایران به خاطر محقق بودنش دارد، اما خوب از آن استفاده نکرده است. این کارها را باید وزارت خارجه انجام دهد، وظیفه آنها است که مراکز پژوهشی با محوریت این موضوعات راه‌اندازی کنند. اما نمی‌دانم چرا این دوستان هیچ اقدامی در این زمینه نمی‌کنند، در ادوار گذشته هم توجهی به این موضوع نشد. افق نو ظرفیتی است که انقلاب دارد و تا غربی‌ها نیایند و نگویند که چه شده است، این قصه کامل نمی‌شود.

جشنواره‌ی عمار استعداد جوانان انقلابی نقاط مختلف ایران را شکوفا می‌کند شما یکی از پایه‌گذاران جشنواره مردمی عمار بودید. از لزوم و هدف برگزاری

این جشنواره و تاثیر آن در سطح بین‌المللی و منطقه بگویید.

فکر جشنواره عمار متعلق به وحید جلیلی و بچه‌های جبهه فرهنگی بود و من افتخار داشتم از دومین دوره عمار دبیر این جشنواره باشم. من از ۲۴ سال پیش فیلم سازی را تدریس می‌کنم و علاقمند به آموزش این حرفه به بچه‌های معتقد انقلابی هستم؛ همیشه دوست داشتم که بتوانم تجربیاتی را که در ایران و غرب کسب کرده‌ام به فیلمسازان جوان منتقل کنم، جوانانی که نمی‌توانستند در مسیر درست رسانه‌ای قرار گیرند؛ عمار توانست این کار را در سراسر ایران انجام دهد و وقتی فال و قرعه به نام من افتاد، من با اشتیاق پذیرفتم. من از تلاش بچه‌های عمار که مقدس و زیبا است، لذت می‌برم و خوشحال هستم که این جشنواره رو به رشد است، معمولا در استانهای بزرگ مثل اصفهان و شیراز جشنواره‌هایی برگزار می‌شود، اما این که ما بتوانیم در روستاها اکران داشته باشیم، بسیار خوب است و حال دیگری به انسان می‌دهد، امیدوارم جشنواره عمار بتواند ویتزینی از آثار جوانان سراسر ایران باشد.

سینمای ایران برای رسیدن به سطح کسانی مثل «عقاد» جای کار زیادی دارد سینمای ایران را بعد از انقلاب چطور دیدید؟ آیا توانسته آن طور که شایسته است در معرفی ایران و به خصوص اندیشه‌های اسلامی در جهان موفق باشد؟ نه نتوانسته. ما کارهای داخلی خوبی داشتیم که نتوانسته در بعضی از محافل اثر داشته باشد، اما برای رسیدن به کارهای شخصی مثل «مصطفی عقاد» در زمینه اسلام مسیر زیادی داریم. مثلا «چ» ابراهیم حاتم‌ی کیا یک الگوی خوب برای فیلمسازان بود. اینکه سینمای ایران در یکسری جشنواره‌ها درخشید، دو بازخورد خوب و بد داشت؛ خوبی آن این بود که توانست قابلیت‌ها و توانایی‌های سینمای ایران را به جهانیان نشان دهد، اما بدی‌اش این بود که مسائل خود ایران نبود و تصویری را که آنها می‌خواستند و مدت‌ها روی

آن کار کرده بودند، نشان می داد و الان این امر مشخص تر شده است، اما سینمای ما همچنان کار دارد.

به هم ریختگی اقتصاد ایران، عامل اصلی سیاه‌نمایی و ناامیدی در فیلم‌های سینما است.

به نظر شما چرا به این اندازه امید در فیلم‌های ما کمتر شده است؟ من علت آن را در به هم ریختگی اقتصادی می‌بینیم. اگر اقتصاد ما سالم‌تر و عادلانه‌تر بود، تاثیر وضعی در هنر ما داشت. در برنامه‌ی «راز» هم گفته‌ام که اقتصاد ایران یکی از ربوی‌ترین اقتصادهای دنیا و ایرانی یکی از مالیات‌گریزترین کشورها است.

سینمای ایران روند روبه‌رشدی را پیش گرفته است

سینما در طی سالهای اخیر از منظر شما سیری صعودی داشته یا نزولی؟

سینما و همه عرصه‌های دیگر بعد از انقلاب اسلامی سیری صعودی را پیش گرفته‌اند، درست است که اثرات وضعی نامطلوب روی آن تاثیر می‌گذارد اما کشش و پتانسیل ما هم زیاد است و من به آینده سینما خوشبین هستم اما به نظرم باید یکسری اشکالات را اصلاح کرد و یکی از درمان‌ها تحریم است، تحریم‌ها که آمدند ما به خود نگاه کردیم و متوجه شدیم که کجاها نباید کوتاه می‌آمدیم و آمدیم. به نظر من انقلاب اسلامی یک حادثه الهی است و هر کسی که بیدار است، باید خودش را به آن برساند. خداوند در قرآن گفته است که قرار نیست همه بیدار باشند؛ یک عده ای که انتخاب شده‌اند و بیدار هستند باید قدر این بیداری را بدانند، یک دسته انسان‌ها هم هستند که همراه وطن دوست سبب خیر می‌شوند، اما عده ای از افراد تنها شر درست می‌کنند و مشکل دارند که فقط هم در کشور ما نیستند.

غرب طرفدار فیلم سازان جشنواره ای و جدا از زمان است

چرا کارگردانان موج نو و پیشکسوتان اکنون تا این حد ضعیف کار می کنند؟
به نظر نمی رسد که موضوع ربطی به سن داشته باشد؟
اول باید بینم تعریف از کارگردانان موج نو چیست و اصلا موج نو چیست؟
کارگردانانی چون مهرجویی و کیارستمی فیلمسازان خوبی هستند، اما هیچ یک از آنها فیلم متناسب با زمان نساخته و کاری به حوادث نداشته اند، اکنون هم ندارند. مثلا من فیلم «هامون» را دوست دارم، چون صفحه های احساسی قشنگی دارد اما متناسب با زمان نیست و انسان را از زمان دور می کند. این کارگردانان برای جشنواره فیلم می ساختند و دور از زمان بودند به همین دلیل غرب بعضی از آنها را تشویق کرده است؛ حال اگر فیلمسازی جشنواره ای شان ضعیف شده به این دلیل است که انسان همیشه می تواند یکنواخت باشد و شبیه دوران جوانی اش کار کند.

شما اظهارات متفاوتی را در خصوص پرداخت به فتنه ۸۸ در رسانه ها و عملکرد آنان در آن زمان داشتید در این مورد بیشتر صحبت کنید.
من در فتنه ۸۸ یک مستند خودجوش به نام «تقلب واقعی» ساختم و نهایتا آن را به «پرس تی وی» دادم، در این مستند از وزارت کشور و آمارگیری تا مردم عادی سوال شد، در آن زمان به دلیل زیاده تر بودن آرا، میرحسین موسوی در تهران نسبت به محمود احمدی نژاد شبهه ای برای هوادارانش به وجود. به دنبال اعتراضات مردم، غرب هم به این مسئله دامن زد و مسلمانان را افرادی متقلب دانست، اگر کسی شک می کند، باید به دنبال تحقیق و پرس و جو برود، بعد از اینکه ۱۰ درصد از آرای تمام صندوق های رای را شمردند، معلوم شد که آمار موسوی فقط در تهران نسبت به محمود احمدی نژاد بیشتر است. پس از این موضوع دیگر کسی نباید اعتراض می کرد، زیرا شک او کم لطفی،

بی معرفتی و دوری از انصاف بود، من کاری به آمار دانشگاه مری لند و واشنگتن پست نداشتم، می گفتم که با وجود این آمارگیری حقیقت معلوم شده است و اعتراض یعنی خدمت به دشمنان اسلام و خط انقلاب اسلامی که تاکنون این همه فدایی داشته است و این موضوع دوری از انصاف است.

در سازمان موسیقی ما هیچ نظارتی بر روی ریتم و متن ترانه‌ها وجود ندارد در حوزه موسیقی با توجه به اتفاقات اخیر و اظهارات صورت گرفته چه نظری دارید؟

به دلیل کلی بودن این موضوع تنها می توانم این نقد را بکنم که در موسیقی ما هیچ کنترلی وجود ندارد؛ اگر شما به موسیقی پخش شده از شبکه‌ها توجه کنید، خواهید فهمید که ۵۰ درصد آن‌ها چیزهایی است که نباید پخش شود. این موسیقی‌ها ریتم تند رقص دارند، ممکن است که در آنها از مسائل معرفتی بگوییم اما موسیقی‌شان متناسب با عروسی است. ما هیچ مرزی بین موسیقی صحیح و ناصحیح قرار نداده‌ایم. من می‌گویم انواع مختلف دارد و بعضی از انواع آن را می‌توان پخش کرد. در حوزه موسیقی پاپ جوانان ما دارند، چیزهایی را می‌خوانند که نباید بخوانند، چیزهایی که ریتمشان اشکال دارد و اگر cact مناسبی داشته باشد مشکل آن برطرف می‌شود. در مرکز موسیقی ما از ابتدا تا الان، هیچ متخصصی حضور نداشته، افزون بر لزوم وجود افراد حرفه‌ای در این مرکز باید افرادی که قدرت تشخیص موسیقی مناسب با اسلام را دارند، حضور داشته باشند. حزب الله لبنان در این زمینه موفق بود و فهمید که موسیقی اثر موضعی دارد تاثير موضعی موسیقی در ایران به گونه‌ای است که الان نمی‌توانند حجاب را کنترل کنند و ... موسیقی بد و اشتباه قدرت حق‌گیری را ضعیف می‌کند و دیگر حالی برای حق‌گیری نمی‌گذارد. موسیقی حدودی دارد که باید رعایت شود من همیشه می‌گویم

در اوایل انقلاب موسیقی «پینک فلوید» از آلبوم «تایم» پخش می شد و امام (ره) هم می دیدند، حدود سه دقیقه در «تقویم تاریخ» و ابتدای صبح این موسیقی پخش می شد و امام (ره) هم هیچ اعتراضی نکردند اما چند بار از طریق احمد خمینی به بعضی از موسیقی‌های ی که از تلویزیون پخش می شد، ایراد گرفتند و گفتند حرام است. آقا هم همین طور هستند. بعضی از جوانان انقلابی حال خوبی دارند اما با حدود موسیقی آشنا نیستند؛ بعضی از موسیقی‌های انقلابی ما هم ریتم تند و نادرستی دارند.

سینمای دفاع مقدس به دست افراد غیر معتقد به انقلاب اسلامی افتاده است به نظر شما به سینمای دفاع مقدس و نکات حساس منطقه در سینمای ما به طور شایسته پرداخت شده و باید چه کرد که دفاع مقدس و دلاوری‌های مردمان این سرزمین به شایستگی و کامل به تصویر کشیده شود. خوشبینانه‌اش این است که مسائل ایران و دفاع مقدس در سینما رو به افول نیست اما آن طور که باید و شاید هم به تصویر کشیده نشده است. اگر در یک شبکه‌ی تلویزیونی درست و حساب شده کار شود، بقیه‌ی شبکه‌ها هم تاثیر می‌پذیرند. خیلی از فیلم‌هایی که در زمینه‌ی دفاع مقدس ساخته شده است، هیچ ربطی به انقلاب اسلامی ندارد زیرا کار به دست کسانی سپرده شد که اعتقادی به انقلاب اسلامی ندارند و پول را به کسانی داده اند که فقط بلد هستند کار را به موقع به پایان برسانند و روی آنتن ببرند و مخاطب جذب کنند. ما به قیمت جذب مخاطب فیلمی که هیچ ربطی به زمان ندارد را می‌سازیم و پخش می‌کنیم، در صورتی که کار باید به افرادی سپرده شود که معتقد به انقلاب اسلامی هستند.

شما در صحبت‌های اخیرتان به داشتن بانک سوژه برای سینما دفاع مقدس

اشاره کردید در این زمینه طرح خاصی دارید و اقدامی انجام داده‌اید؟
من همیشه به دانشجویان فیلم سازی ام می گویم برای گروه‌شان یک بانک سوژه درست کنند زیرا سوژه به افراد جهت می دهد، گاهی یک کار و سوژه نامناسب دو سال وقت شما را می گیرد و هیچ نتیجه‌ای نمی دهد؛ در حال حاضر سوژه‌های زیادی هستند که کسی به آنها فکر نمی کند، مخصوصا سوژه‌های بین المللی؛ متأسفانه ما محفلی نداریم که صاحب نظران دور هم جمع شوند و سوژه‌های ناب را انتخاب و اولویت بندی کنند. امروز ایران باید به جهانیان بگوید که چه کشوری است و نباید مبهم باشد و برای این کار باید تولیدات زیادی در سینما و تلویزیون داشته باشم.

تنها با به خدمت گرفتن کارگردانان آمریکایی می توانیم بعضی از سوژه‌های بین المللی را بسازیم
غرب به وسیله هالیوود به شدت بر روی اسلام هراسی و ایران هراسی مانور می دهد و متأسفانه حتی در مورد مهمترین وقایع کشورها همانند تسخیر لانه جاسوسی فیلم می سازد و در جدیدترین اثر خود تک تیرانداز آمریکایی هم به موضوع اسلام هراسی پرداخته، چرا سینماگران ما همیشه یک گام عقب هستند؟ چه اندیشه و استراتژی را باید برای مقابله به کار گرفت؟

من در این مورد پنج سوژه خوب دارم که تهیه کنندگان غربی حاضرند روی آنها سرمایه گذاری کنند، اما هیچ ارگان دولتی حاضر به این کار نمی شود. شیطنت‌های غرب در کودتای ۲۸ مرداد، ماجرای جنگ شش روزه سال ۶۷، ماجرای ۱۱ سپتامبر و القاعده چیزهایی است که ایران به خوبی می تواند روی آنها مانور دهد. یکی از مهمترین سوژه‌ها حمایت همه جانبه آمریکا از صدام برای مباران شیمیایی جزیره مجنون و آن عملیاتی است که در سال

۱۹۸۸ در آن همه شیمیایی شدند. من در برنامه‌ی «راز» مصاحبه‌ای با محوریت این موضوع با یک سرهنگ آمریکایی انجام دادم و به طور زنده با آن اسکایپ کردم، آمریکا دو سال آخر جنگ از صدام به صورت مستقیم حمایت می‌کرد اما فیلم آن را یک کارگردان ایرانی می‌تواند بسازد و برای این کار تلفیق هنر آمریکایی ایرانی در بستر فرهنگ و سیاست لازم است. آقا نیز می‌فرمایند که جنگ حادثه‌ای است که باید به صورت کامل کاویده شود. من ۲۳ سال است که دارم این حرف را می‌زنم اما فقط در برنامه خودم توانستم نقش آمریکا در دفاع مقدس را بلند بلند بگویم، برای ساختن فیلم سینمایی نیاز به همکاری با هالیوودی‌های سالم داریم، همچون فیلم «محمد رسول‌الله» مجید مجیدی، باید آن‌ها را راضی کنیم که امکانات خود را در اختیار ما بگذارند و برای این کار ما باید هزینه کنیم و یک کارگردان مشهور آمریکایی بیاوریم و به آن حقوق دهیم و فیلمنامه کار توسط ما تصویب شود و شرایط توزیع مناسب آن را هم فراهم کنیم. در ایران اگر کسی بخواهد حرف حق بزند باید از ابزار رسانه استفاده کند. اما متأسفانه بعضی‌ها از این ابزار ناقص استفاده می‌کنند برای مثال باید فیلمی بسازیم که فرانکو نای یکی از شخصیت‌های آن باشد. او رئیس دفتر پنتاگون در بغداد بوده و گفته است که من در حمله‌ی صدام به فاو، بین شلمچه و بغداد می‌دویدم. در آن محله ما با ماهواره‌های خود مکان‌های بمباران را به صدام می‌گفتیم و من تمام زمینه‌های جزیره‌ی مجنون را گشتم و بچه‌هایی را دیدم که با آمپول آتروپین خود را کشته بودند و جنازه‌های زیادی روی زمین ریخته شده بود، به نظر من این خودش موضوع یک فیلم می‌تواند باشد. متأسفانه ما همیشه گنج را ول می‌کنیم و زباله را می‌چسبیم. من با کمال افتخار می‌گویم که ما این اطلاعات را در برنامه «راز» افشا کردیم و بعد از آن در اخبار ۲۰:۳۰ چند بار به نمایش درآمد.

چند بار با آقای نوباده صحبت کردیم که چرا ایران علیه آمریکا شکایت نکرد

و این موضوع همیشه دغدغه‌ی من بوده است.

شما در شبکه ۴ برنامه‌ی «راز» که یک برنامه‌ی تحلیلی گفتگو محور و جذاب را داشتید، که سبب شد مخاطبان بسیاری را به این شبکه جذب کند. در خصوص این برنامه و اساس شکل‌گیری آن بگویید.

حدود ۶ سال پیش از شبکه «راز» به من پیشنهاد شد که یک برنامه در خصوص سینمای هالیوود در ماه رمضان بسازم، چون به نظرم این برنامه هیچ ربطی به زمان نداشت، آن را قبول نکردم و من مبلغ هالیوود نیستم. مدتی گذشت و مسئولان شبکه اصرار زیادی به من برای برنامه‌سازی کردند و من هم برنامه‌ای را که دلم می‌خواست، ساختم و این چنین بود که اولین سری برنامه راز در ۳۰ قسمت با حضور هنرمندان، متفکران و صاحب‌نظران روی آنتن رفت دکتر فؤاد ایزدی، سردار قاسمی، حسین بهزاد، محمدحسین جعفری، حسن بائی و ابراهیم حاتم‌کیا از جمله کسانی بودند که به «راز» آمدند و با هم به گفتمان انقلاب اسلامی پرداختیم. این‌ها کسانی بودند که حرف‌هایی برای گفتن داشتند؛ برای مثال طب سنتی و حجامت برای اولین بار در «راز» گفته و بعد از آن تعداد مطب‌های طب سنتی و حجامت ۲۰ برابر شد؛ موضوعاتی چون اقتصاد اسلامی، ربا، زمین‌خواری، عدم پرداخت مالیات، از بین رفتن تالاب‌های معروف ایران، افتضاح بودن بازسازی آبادان و خرمشهر و نرسیدن به مسجد سلیمان از جمله موضوعاتی بودند که در «راز» به بررسی آنها پرداختیم. من ترجیح دادم به جای مستند ساختن، «راز» را بسازم، زیرا یک مستند، ۶ ماه وقت انسان را می‌گیرد اما راز در ۹۰ دقیقه مفهوم را به مردم می‌رساند.

در خصوص شبکه افق بگویید و اینکه فکر می‌کنید این شبکه چقدر در راستای اهدافی که دارد موفق خواهد بود؟

شبکه افق فوق‌العاده است. افق به نوعی فکر شهید آوینی بود، ایشان بعد

از جنگ، مستندهایی در حوزه هنری ساخت که ۲ تای آن از تلویزیون پخش شد و بعد از آن به شهادت رسید در آن زمان می‌خواستیم شبکه‌ای تأسیس کنیم که در آن گفتمان انقلاب اسلامی مطرح شود، زمینه‌ساز شبکه افق مؤسسه‌ی اوج است و احسان حسنی زحمات زیادی را برای این امر کشیده است. جواد رمضان‌نژاد نیز که یکی از ارکان برنامه «راز» بود یکی از موسسان این شبکه است. افق یک شبکه‌ی پیشتاز است که با هزینه‌ی بچه حزب‌اللهی‌ها راه افتاده و علی‌رغم مشکلاتی که بود، فکر می‌کنم شبکه‌ی موفق‌تری باشد و تأثیرات وضعی فراوانی روی شبکه‌های دیگر بگذارد.

گفتگو از سحر قناعتی _ باشگاه خبرنگاران جوان

بسیاری از حقایق انقلاب بازگو نشده اند

فیلمسازان منتقد و متعهد نقش مهمی در افشاگری جریانهای منحرف مذهبی و دینی دارند. شاید هیچ کس حرف امام در مورد اسلام امریکایی که توسط عربستان و وهابیون در جهان تبلیغ می‌شود را نفهمید اما امروز با پیدایش گروه‌های تکفیری و داعش همگان به این حرف امام رسیده‌اند. باید به بعد رسانه‌ای این همایش توجه زیادی کرد. زبان فیلم و سینما و فضای مجازی بسیار بیشتر از کتاب و مطبوعات مخاطب دارند و تأثیر گذاری آنها بیشتر از کتاب و مقاله و نشریات است. بسیاری از حقایق انقلاب بازگو نشده‌اند برای مثال اولین مصاحبه رسانه‌ای امام(ره) در اول انقلاب در سالن آمفی تاتر مدرسه علوی هیچ وقت پخش نشد. در آن روز خبرنگاری از امام(ره) پرسید آیا شما اگر مجبور شوید حکم جهاد می‌دهید و امام(ره) پاسخ داد بله اگر لازم شود حکم جهاد می‌دهم. این صحبت اما سرتیتر بسیاری از روزنامه‌های غربی شد. بعدها ما فهمیدیم که دشمنان در فکرتوطئه‌های براندازی و کودتا برای ساقط کردن نظام بودند که از ترس حکم جهاد دادن امام همه آنها خنثی شدند... نادر طالب زاده به نقل از مهر

دشمن از باسوادهای حزب‌اللهی می‌ترسد

ما در رساندن معارف جهان اسلام به غرب ضعیف هستیم و هنوز کاری نکرده‌ایم که غرب را تکان بدهد. ضرورت انجام چنین کاری امروز بیشتر از همیشه است و برگزاری دوره‌های آموزشی همچون تدریس و تبیین آثار معرفتی و توحیدی امام خمینی(ره) می‌تواند جوانان را برای چنین کاری آماده کند. این مستندساز سرشناس کشور خاطرنشان کرد: ما امروز نیاز به نخبگانی داریم که به زبان‌های خارجی آشنا باشند، مقاله بخوانند و در جریان مسائل سیاسی جهان باشند. اگر این اتفاق نیفتد ما باید پای میز مذاکره‌ای بشینیم و بر سر منافع خودمان با دشمن گفت‌وگو کنیم. آنها القا می‌کنند که شما می‌خواهید بمب بسازید و ما را در یک بازی می‌اندازند. ما برای کاری که نکرده‌ایم باید مذاکره کنیم پس توجه بکنیم که ما خیلی کار برای انجام داریم. فیلم بسازید، مقاله بخوانید باید نسبت به آنچه در جهان می‌گذرد آگاه شویم و امروز وقت برای خوابیدن باقی مانده است. آمریکا و انگلستان و فرانسه از باسوادهای حزب‌اللهی می‌ترسند و انقلاب اسلامی خدمه می‌خواهد. هرکس در هر کجا هست باید فرصت‌ها را غنیمت بداند. من در این دوره از تبیین اندیشه‌های امام خمینی (ره) شرکت کردم و سعادت برای من بود. اساتید خوبی که در این دوره حاضرند به نظرم شمشیر دانش شما را تیز می‌کنند و شما را برای آمادگی با دشمن توانمند می‌کنند. اینکه کسی حزب‌اللهی می‌شود عنایتی از جانب خداوند است و اگر کسی این نعمت را دارد برای این است که ولایت را درک کرده و به اهمیت آن پی برده است. باید قدر این انتخاب را دانست. برنامه‌هایی که این جوانان در زیرسایه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام طراحی و اجرا می‌کنند جز توفیق و نگاه حضرت رضا علیه السلام نیست و تایید رهبر معظم انقلاب نسبت به محتوای فعالیت‌های آنان مزید بر علت است که مسیر درستی را انتخاب کرده اند. طالب‌زاده تأکید

کرد: خوشحالم از اینکه می‌دانم کاری را انجام می‌دهم که موثر است و با دیدن محافلی مثل اینجا خستگی‌ام در می‌شود چون می‌بینم که جبهه خالی نیست و حتی پرت‌تر هم می‌شود و این یک جریان واقعی و معنابخش است که به ظهور آقا امام زمان (عج) ختم می‌شود... مراسم افتتاحیه نخستین دوره تدریس و تبیین آثار معرفتی و توحیدی _ مشهد ۱۳ / مرداد / ۱۴۰۰

نادر خار چشم آمریکا و اسرائیل غاصب بود

«غرب در اولین جلوه نمایی مانند بهشت است. در واقع کپی اصل است. ایران زمان شاه کپی بدل غرب بود. کپی کار خراب بود. وقتی شما ترافیک را در ایران می‌دیدید و با غرب مقایسه می‌کردید؛ حس می‌کردید که واقعا ترافیک چیست، اتوبان را می‌بینید و با آن جا مقایسه می‌کنید می‌بینید که اتوبان در واقع چیست و...»

همه چیز در واقع در یکی، دو ماهه اول، آن هم برای یک جوان ۱۶ ساله حیران کننده است، بعد مسایل خود را نشان می‌دهد، من هم چون در واقع فرهنگ اسلامی اصیل را نداشتم، حیران شدم. فقط خواست خدا این بود که من مجذوب فرهنگ غرب نشوم و این لطف خدا بود.»

«سال ۵۷ در آمریکا حوزه ای برای من بود که تمام هنرمندان برجسته نیویورک را من می‌دیدم. دور و بر ما پر از این تیپ افراد بود. چند ماه بعد که انقلاب به وقوع پیوست، من به ایران آمدم و دیگر هم برنگشتم و برای دوستان من هم عجیب بود که فلانی رفت و برنگشت، مجذوب انقلاب شدم و البته این مجذوب شدن هم از طریق امام خمینی (ره) بود، چون من قبل از انقلاب آدم خیلی مذهبی نبودم، البته مذهبی به این معنا که به دنبال کمال باشم، بودم. ولی این همه زندگی من بود و بعد این کمال را در اسلام یافتم و این مرحله سه سال طول کشید...» منبع: تابناک

سخن آخر

در مورد زندگی نادر ابعاد مختلفی را می‌توانیم مطرح کنیم، ابعاد ظاهری ایشان برای همگان مبرهن و مشخص است اما از بُعدی صحبت می‌کنم که شاید دیگران کمتر مطلع هستند و آن نیز بُعد انسانی، عرفانی، معنوی و اخلاقی نادر طالب‌زاده است. نادر همیشه همراهش قرآنی بود که با او مونس، حتی در آخرین لحظات عمرش هم از قرائت قرآن غافل نمی‌شد... او قبل از اینکه یک فعال رسانه‌ای و دغدغه‌دار انقلابی باشد، هم و غم اسلامی بودن انقلاب و در طریق ولایت بودن آنرا داشت. نادریک شخصیت معنوی بود. ایشان در سفری که به واتیکان داشت، سفری که شاید برای همه جذاب است اما او بدون توجه به زیبایی‌های شهر رم، به زیارت قبر یکی از حواریون حضرت عیسی می‌رود چرا که برای ایشان ظواهر هیچ معنایی نداشت و به معنای واقعی انسانی معنوی بود. انسانیت یکی از بارزترین ویژگی‌های شخصیتی نادر بود که این جنبه از شخصیت او مغفول واقع شد. نادر جزو کسانی است که دوستان انقلاب اسلامی را در غرب پیدا و آنها را به جامعه ایرانی معرفی می‌کند و از تهدیدهای داخلی و خارجی هم هراسی نداشت... در عین اینکه دشمنی آمریکا را با اقتناع و توضیح برای مخاطب جا می‌اندازد، به تهدیدهای داخلی انقلاب هم توجه داشت. خدا ما را برای زندگی پر فراز و فرود، ناچار به انتخاب خلق کرده و نادر با همین انتخاب‌ها نادر شد. او از ظلمات مدرنیته به نور اسلام و انقلاب فرار کرد و قرار هم، پیدا کرد... نبوغ طالب‌زاده در اجرای برنامه «عصر»، دغدغه‌مندی و پرده‌برداری از «راز» فقر در کشور، «جشنواره مردمی فیلم عمار» یا «پیاده‌روی فیلسوف روس و خواننده‌های رپ آمریکا در اربعین» خلاصه نمی‌شود. کنفرانس «افق نو» که توسط نهادی با همین نام، یا به طور رسمی «مؤسسه بین‌المللی اندیشمندان و هنرمندان مستقل» و با مدیریت طالب‌زاده برگزار می‌شود یکی از مهم‌ترین

و تأثیرگذارترین اقدامات متعدد آقای طالب‌زاده در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، بین‌المللی بود. این کنفرانس که هر ساله ده‌ها شخصیت برجسته و شناخته‌شده بین‌المللی از آمریکا، اروپا و نقاط دیگر سراسر جهان را در راستای اهداف و آرمان‌های مشترک انسانی گردهم می‌آورد، نه تنها به خودی خود پدیده‌ای منحصر به فرد و فراتر از زمان خودش است، بلکه شبکه‌ای ملی را از گروه‌ها و تشکل‌های دل‌سوز ایران گردهم آورده است تا جریان جریان‌ساز حضور اندیشمندان بین‌المللی و آشنایی آن‌ها با جغرافیا و جغرافیای سیاسی ایران را در سرتاسر کشورمان جاری کند. تورهای ایران‌گردی متفکرانی که بسیاری از آن‌ها برای اولین بار به دعوت طالب‌زاده به ایران می‌آیند، نه تنها دانش‌جویان، خبرنگاران و سایر ایرانی‌ها را با مهمانان افق نو آشنا می‌کند، بلکه بلافاصله پس از پایان کنفرانس، این اندیشگران را مانند مبلغانی راهی کشورهایشان می‌کند که با نوشتن مقاله در شناخته‌شده‌ترین خبرگزاری‌های دنیا، پیام جمهوری اسلامی را به مردم دنیا مخابره می‌کنند.

به قول کوین برت نویسنده و کارشناس آمریکایی مطالعات اسلامی، که خودش نیز مسلمان شده... می‌دانیم کنفرانس‌های افق نو تأثیر عظیمی داشته‌اند، محور نومحافظه‌کار - صهیونیست در واشینگتن احساس کردند باید جلوی حضور آمریکایی‌ها در این کنفرانس‌ها را بگیرند. با تحریم افق نو و اعزام [مأموران] افسی‌آی برای هشدار دادن به مهمانان آمریکایی این کنفرانس مبنی بر این‌که اگر در کنفرانس‌های بعدی شرکت کنند، بازداشت خواهند شد، قوانین بین‌المللی حقوق بشر در تضمین آزادی انجمن را نقض، و دفاع قانون اساسی آمریکا از آزادی بیان را تحقیر کردند. اگر از پیامدهای کنفرانس افق نو وحشت نداشتند، دست به چنین اقدام افراطی و غیرقانونی‌ای در نقض قانون اساسی

می‌زدند؛ اما این کنفرانس داشت متفکران آمریکایی را با مکتب‌های جدید فکری آشنا می‌کرد و دیدگاه‌های آنان را درباره‌ی وقایع جهانی، به طور کلی، و ایران، به طور خاص، تغییر می‌داد. همه‌ی آمریکایی‌های متعددی که من می‌شناسم و در کنفرانس‌های افق نو شرکت کرده‌اند، با دیدگاه‌های بسیار مثبتی نسبت به ایران به آمریکا بازگشته‌اند. همه‌ی ایشان کم‌وبیش یک داستان مشابه را روایت می‌کنند: قبل از این‌که به ایران بروند، تحت تأثیر مہبازان رسانه‌های آمریکایی بودند که ایران را یک دیکتاتوری دینی فقیر، عقب‌مانده و سرکوبگر نشان می‌دادند. بنابراین وقتی به تهران رسیدند و کشوری مدرن، پرجنب‌وجوش، و سریعاً در حال توسعه را دیدند که در آن متفکرها (از جمله علمای دینی) آزادند تا طیف بسیار وسیع‌تری از نظریه‌ها را (نسبت به فضای جریان اصلی آمریکا) بررسی کنند، دچار شوک و «ناهماهنگی شناختی» شدند. سپس به آمریکا برگشتند و به آمریکایی‌ها گفتند که ایران چه قدر عالی است و چگونه رسانه‌های جریان اصلی آمریکا به طرز فجیعی درباره‌ی ایران، و بسیاری چیزهای دیگر، دروغ می‌گویند...

نادر طالب زاده مانند شهدا زندگی ساده ای داشت و فعالیتش در جبهه‌های فرهنگی قرارگاهی بود که هنرمندان و جوانان را با انقلاب اسلامی پیوند می‌داد. نباید بین مردم و هنرمندان انقلابی فاصله باشد. خیلی از کسانی که مسئول می‌شوند با هر گرایش سیاسی درب اتاق‌های شان بسته است و در فضای توجه و اهمیت به جوانان نیستند و این اتفاق را به وضوح در جامعه می‌بینیم به بسیار آسیب می‌زند. پیام نادر طالب زاده حاوی استکبار ستیزی و ایثار و فداکاری بود. انقلاب اسلامی هنر را مردمی کرد پس نباید بین مردم و هنرمندان انقلابی فاصله باشد که نادر طالب زاده با رویه شهیدوارانه، مردمی و انقلابی این فاصله را کم کرد از این رو در دل مردم جای دارد. رونمایی دقیق از چهره

شهید آوینی، توسط طالب زاده انجام شد. همان طوری که مرتضی می‌گفت، نادر می‌تواند جریان‌ساز باشد... بالاترین خصوصیت نادر، حلقه‌ی وصل بین اصحاب فاهنگی بود.

استقامت و مجاهدت‌های نادر، او را از سایرین متمایز می‌کرد، او تا لحظات پایانی عمرش همچون تعبیر جبل راسخ بود. در مسیر انقلاب اسلامی ریزش‌های بسیاری را شاهد بودیم، ولی طالب زاده همیشه مملو از شور و شوق و بهجت انقلابی بود، شاید با این ابتلائات در حیاتش به مدعیان و دشمنان عالم نشان داد که با اینکه از همه امکانات برخوردار بود ولی هیچ‌گاه نه زرق و برق غرب و نه مشکلات زندگی شخصی اش او را تغییر نداد و او مشتاق ترهم شد. در دوره‌ای که بسیاری از بزرگ‌هاها شک کردند و برگشتند و

گفتند، نکنند خون‌هایی که ریخت و شعارهایی که داده شد دروغ بود؟! اما طالب‌زاده بیشتر ایمان آورد. او به تنهایی پشت خاکریز می‌جنگید حتی اگر دیگران خاکریز را ترک می‌کردند. در دوره‌ای که دوستان به دشمن می‌پیوستند، او برعکس از دل دشمن به جبهه انقلاب آمد.

او در زمانی که که خیلی‌ها آرزو داشتند به آن طرف خندق بروند، او از آن طرف خندق به کمک این طرف آمد. در معرفی‌نامه جبهه ی خود، راست و حسینی گفته بود که آن طرف، تحصیل کرده است... او یک چریک رسانه‌ای عرصه بین‌الملل بود و در جهت جهانی کردن انقلاب در پوست خود نمی‌گنجید، آن هم در زمانی که بسیاری این انقلاب کبیر را می‌خواستند به انقلاب صغیر تبدیل کنند و آن را به دیپلماسی ذلت و توافق با کدخدا بفروشنند. او با افتخار کاروان یک نفره ای داشت. درس مهمی که نیروهای متدین و وفادار به آرمانهای انقلاب اسلامی، امام، شهدا و... باید به آن توجه کنند این است که او «متفکر و خلاق بود و تولید محتوا می‌کرد. بسیار هستند که در طول این سال‌ها فقط

مصرف کننده بوده‌اند. ما به حزب الهی متفکر و خلاق نیاز داریم. حزب الهی عوام و مصرف کننده نمی‌توانند برای امام زمانش کاری بکنند. امام زمان (عج) به سردار نیاز دازد، آن هم از جنس سردار های همچون بهشتی، مطهری، سیدحسن نصرالله، عماد مغنیه، متوسلیانی، صیاد، بابایی، تهرانی مقدم، حاج قاسم، حاج نادر و... در انتها کتاب را با عبارات زیبا و تأثیرگذار دوست شهیدش سید مرتضی آوینی، که عصر بیستم بهمن ماه سال ۶۴ در نخلستان های حاشیه اروند نگاشته بود، به پایان می‌رسانم...

هزاران سال از آغاز حیات بشر بر این کره ی خاکی می‌گذرد و همه‌ی آنان تا به امروز مرده‌اند و ما نیز خواهیم مرد و بر مرگ ما نیز قرن‌ها خواهد گذشت. خوشا آنان که مردانه مرده‌اند و تو ای عزیز، می‌دانی تنها کسانی مردانه می‌میرند که مردانه زیسته باشند. پایان

برای طرح انتقادات و پیشنهادات خود، لطفا با این شماره تماس بگیرید.
۰۹۱۲۱۴۴۰۸۴۲ _ ناصر کاوه